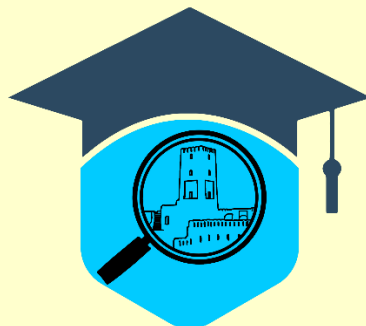




اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت
دانشگاه علوم پزشکی بم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



اولین کنگره پژوهشی دانشجویان
دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه ۸ کشوری
دانشگاه علوم پزشکی بم - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

کتابچه خلاصه مقالات اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت

دانشگاه علوم پزشکی بم

۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



Investigating the effects of melatonin on inflammation, stress oxidative and kidney function in cafeteria-diet treated rats

Davood Dorranipour¹, Mohsen Basiri^{2,*}, Mehran Hosseini¹, Fahimeh Pourjafari²

1. PhD candidate in Anatomical Sciences, Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
2. Associate Professor in Anatomical Sciences, Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background: The prevalence of obesity is continuously increasing worldwide. The increased rate of obesity is associated with an increased risk of cardiovascular disease, cancer, type-2 diabetes, dyslipidemia, hypertension, neurocognitive impairment, and renal diseases. Melatonin is an endocrine hormone mainly secreted by the pineal gland and regulates sleep-wake cycles, but it also plays other important roles in the body beyond sleep. Some studies have reported that melatonin, due to numerous complementary interconnecting mechanisms, including the reduction of oxidative stress, inflammation, and fibrosis, may positively affect renal function. Hence, this study aimed to investigate the possible beneficial effects of melatonin therapy on renal function in cafeteria-diet-treated rats.

Methods: Male adult Wistar rats were treated for 8 weeks with either a standard diet (control, n=8) or a cafeteria diet in addition to the standard chow (CFD, n=32). After obesity induction, CFD-treated rats orally received normal saline (CFD, n=8) or melatonin at the doses of 5mg/kg (CFD+Mel5), 10mg/kg (CFD+Mel10), and 30mg/kg (CFD+Mel30) once per day for 28 consecutive days. All animals were weighed and euthanized at the end of the study period, and their blood and kidney tissue samples were collected. Plasma concentrations of malondialdehyde (MDA), superoxide dismutase (SOD), tumor necrosis factor-alpha (TNF- α), urea, and creatinine were evaluated. In addition, kidney tissue histopathology was investigated by hematoxylin and eosin staining. One-way ANOVA and Tukey post hoc tests were used for statistical analysis.

Results: Compared to the standard-diet treated rats, the plasma levels of MDA, urea, creatinine, and TNF- α were significantly increased, whereas SOD levels decreased in the CFD group. Renal injury scores showed that fibrotic glomerulopathy and tubulointerstitial fibrosis scores were higher in the CFD group than in the control group. Melatonin treatment in a dose-dependent manner significantly ameliorated all the mentioned alterations in CFD-treated rats. However, melatonin in the highest dose (30mg/kg) increased plasma urea levels in CFD-diet-treated animals.

Conclusions: The results of the present study showed that melatonin therapy could reduce renal damage induced by a high-fat/high-carbohydrate diet (CFD) in rats. However, melatonin overdose can negatively impact urea metabolism.

Keywords: Obesity, Cafeteria diet, Renal function, Melatonin

دلایل تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری در میان مردم شهری و روستایی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایلام

سمانه نعمت الهی^۱، نادیا ارومیه ای^۲، سجاد خسروی^۳، علی شیبانی زاده^۳

- ۱- مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام
- ۲- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام
- ۳- کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

چکیده

مقدمه: فرزندآوری یکی از مولفه های مهم علم جمعیت است و از جمله موضوعاتی است که در حوزه مسائل اجتماعی بسیار اهمیت دارد. طی دو دهه گذشته میزان باروری در ایران زیر سطح جایگزین باقی مانده است که در صورت تداوم آن باعث سالخوردگی جمعیت می شود. هدف از انجام پژوهش حاضر، تعیین دلایل تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری در میان مردم شهری و روستایی تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی ایلام بوده است.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه تحلیلی و مقطعی بوده است که در سال ۱۴۰۱ در دانشگاه علوم پزشکی ایلام انجام شده است. جامعه مورد مطالعه این مطالعه، زنان در سن باروری و همسران آن ها در چهار شهرستان ایلام، کرمانشاه، لرستان و لرستان بوده اند. جهت برآورد حجم نمونه با استفاده از نرم افزار PASS و اطلاعات مطالعه مشابه و در نظر گرفتن خطای نوع اول ۵ درصد و توان آزمون ۸۰ درصد حداقل حجم نمونه در هر گروه مورد مطالعه ۴۵۸ نفر برآورد شد. بنابراین جمعاً با احتساب ۱۰ درصد ریزش حداقل حجم نمونه مناسب برای این مطالعه ۱۰۰۷ نفر می باشد که در این مطالعه ۱۰۱۰ نفر نمونه انتخاب گردیده است. در این مطالعه از روش نمونه گیری نسبتی برای هر شهرستان و نقاط شهری و روستایی استفاده شد. جهت گردآوری اطلاعات از پرسشنامه استاندارد تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری استفاده شد. اطلاعات از طریق پرسشگری توسط پرسشگران آموزش دیده جمع آوری شد. جهت تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ورژن ۲۵ استفاده شد.

یافته ها: یافته های این مطالعه نشان داد که به طور کلی ۴۴/۶ درصد از مخاطبان در حال حاضر تمایل به فرزندآوری دارند. از بین افراد مورد مطالعه ۲۴۱ نفر (۴۷/۹٪) از مردان و ۲۰۹ نفر (۴۱/۲٪) از زنان به فرزندآوری تمایل داشتند. تحصیلات زنانی که وارد مطالعه شدند در تمایل آنان به فرزندآوری تاثیر گذار نبود اما مردان با سطح تحصیلات بالاتر، درصد بیشتری تمایل به فرزندآوری داشتند. نتایج نشان داد مردانی که حقوق بالای ۸ میلیون تومان دارند تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند. اما در زنان در همه گروه های درآمدی درصد افرادی که تمایل به باروری دارند کمتر از افرادی هست که تمایل ندارند. در خصوص متغیر محل زندگی (شهر/روستا)، در مردان مورد مطالعه میان محل زندگی و تمایل به فرزندآوری ارتباطی مشاهده نشد. با توجه به نتایج به دست آمده زنان ساکن در مناطق روستایی در مقایسه با مناطق شهری تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند. نتایج نشان می دهد که مهمترین دلایل تمایل به فرزندآوری، علاقه به بچه و علاقه فطری افراد به نقش والدینی می باشد و دلایل اصلی عدم تمایل افراد به فرزندآوری وضعیت اقتصادی نامناسب، نداشتن درآمد کافی و مسکن مناسب و همچنین نگرانی در مورد تامین آینده فرزندان می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج به دست آمده مهمترین دلیل تمایل به فرزندآوری علاقه فطری افراد به کسب جایگاه و نقش والدی و مهمترین دلیل عدم تمایل مشکلات اقتصادی آن ها در داشتن فرزند یا فرزندان بیشتر گزارش شد. به نظر می رسد با تلاش برای



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه های علوم پزشکی گلان منطقه ۸ کشوری
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی گلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



مرتفع شدن مشکلات اقتصادی اعم از اشتغال زایی و رونق اقتصادی، دلایل تمایل به فرزندآوری آنقدر قدرتمند هستند که بدون تصویب سیاست های تشویقی منجر به ازدیاد فرزندآوری شوند. به نظر می رسد یافته های این مطالعه می تواند تصویر کوچکی از وضعیت فعلی تمایل و عدم تمایل به فرزندآوری افراد جامعه ارائه داده و به عنوان راهنمای عمل مسئولان در برنامه ریزی های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدت در جهت افزایش تمایل به فرزندآوری ایفای نقش نماید.

واژه های کلیدی: فرزندآوری، تمایل، عدم تمایل، رشد جمعیت



Determine Affective Factors on Hospitalization Duration in Covid-19 Patients

Seyed Mojtaba Mortazavi^{1}, Samane Nematolahi², Faezeh Rezarifard³*

MSc in Medical Microbiology, Non-Communicable Diseases Research Center, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Phd in Biostatistics-Vitalstatistics, Non-Communicable Diseases Research Center, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Laboratory Sciences student, School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background:

Coronavirus disease 2019 (COVID-19) resulting from severe acute respiratory syndrome coronavirus 2 (SARS-CoV-2), can lead to acute respiratory distress syndrome. In some studies, about COVID-19, it has been concluded that underlying diseases such as cancer, hypertension, diabetes, heart disease, kidney disease, liver disease, blood disease, lung disease and other diseases have a high risk of disease severity or death. Our aim in this study is to model the factors affecting the number of days of hospitalization of patients infected with COVID-19 in Bam city from Kerman province. The novelty of our study is determining the factors affecting hospitalization duration in COVID-19 patients, by using advanced statistical models, Poisson and Negative Binomial Regression Models.

Methods:

Our study is a cross-sectional descriptive-analytical study. 2096 patients that admitted to Pastor Bam Hospital, with a diagnosis of Covid-19 from March to September 2021 were included in this study. Diagnostic criteria were laboratory-confirmed SARS-CoV-2-positive swabs or a clinical diagnosis based on symptoms or radiology consistent with COVID-19. No exclusion criteria were applied, but patients that we didn't have complete information about them excluded during data analysis. The demographic characteristics such as age, gender, drug abuse, symptoms (fever, shortness of breath, cough, Convulsions, Diarrhea, Chest pain, Muscular pain, Hypertension, Anorexia, Respiratory distress and decreased level of consciousness), previous history of COVID-19, and underlying disease were recorded for all patients by questionnaire forms. We used SPSS 22 and R 4.1.3 software for statistical analysis.

Results:

The mean age of Covid-19 patients was 48.07 ± 19.47 . The results of negative binomial regression model showed that affecting factors to hospitalization duration in Covid-19 patients were age ($p < 0.0001$), gender ($p = 0.002$), contact with Covid-19 patient ($p = 0.002$), PO₂ ($p < 0.0001$), temperature ($p = 0.003$), cancer ($p = 0.015$), lung disease ($p = 0.035$), hypertension ($p = 0.031$), cough ($p < 0.0001$) and respiratory distress ($p = 0.026$). therefore, according to the IRR (incidence rate ratio) values, incident rate increases 1.004 times for a one-unit age increase, Incident rate of hospitalization in males was 1.09 times than females, incident rate in patients that contact with a Covid-19 patient was 1.09 times than other patients, holding the other variables constant. Incident rate in patients with PO₂ less than 93% was 1.34 times the incident rate for patients with PO₂ more than 93%. Based on the results incident rate increase 1.02 times for a one-unit temperature increase. Incident rate in patients with cough and respiratory distress were 1.13 and 1.07 times than other patients, respectively. Incident rate in Covid-19 patients with cancer was 1.4 times than others. Results showed that incident rate of hospitalization in patients with lung disease and hypertension were 0.85 and 0.91 times than others, these results didn't match what we expect, may be factors such as drugs used, more compliance and other factors that we didn't consider in our study.

Conclusion:

Study results showed older patients have more hospitalization duration that can be for the reason that aging leads to defects in the response of the body's immune system and increases treatment duration. Moreover hospitalization duration in male cases ,patients who had contact with a Covid – 19 patient because of transferring high dose of virus in specific period of time, patients with PO₂ less than 93 %, higher temperature , cough , respiratory distress and cancer was more than other that may because the efficiency of the immune system response in cancerous people is low , so it leads to severe disease and hospitalization. Unexpectedly hospitalization in patients with lung disease and hypertension was less than others may be due to factors such as drugs used, more compliance and other factors that we didn't consider in our study.

Keywords:

Covid-19, hospitalization duration, underlying diseases



Identifying the prerequisites for the implementation of the accreditation program for comprehensive healthcare centers in Iran: A qualitative study

Sina Etemadi¹, Maysam Yousefi², Marjan Hedayati pour^{1*}, Milad Mehri³, Anahita Behzadi⁴, Farzane Zare¹

- 1- Department of Health Management, Policy, and Economics, Faculty of Management and Medical Information Sciences, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
- 2- Department of Internal Medicine, Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
- 3- MSc Student in Healthcare Management, School of Public Health, Tehran University of Medical Sciences
- 4- Center of Healthcare Management Research, Research Institute for Future Research in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background and Objectives

The primary health care system is considered the first level of access to health services. In recent years, it has attracted the attention of health policymakers and planners who seek to improve the quality of the accreditation program and implement it. The present study aimed to examine the prerequisites for the implementation of this program qualitatively.

Method

This qualitative study was conducted using semi-structured interviews. The samples of the present study included specialists from the Ministry of Health and Medical Education (MOHME), Kerman University of Medical Sciences, Managers, a number of comprehensive healthcare center managers in Kerman, and some members of the Deputy of Health of Tehran, Kerman, and Mashhad Universities of Medical Sciences. Purposive sampling was carried out using the snowball approach.

Findings

The results of the present study showed that various factors are prerequisites for the accreditation program. These prerequisites and requirements were sub-themes of the three major concepts introduced by Avedis Donabedian, i.e., structure, process, and outcome. Regarding the challenges of the accreditation program, most of the issues raised by the participants were related to the fundamental and structural defects of the country's healthcare system.

Discussion and Conclusion

The implementation of the accreditation program for comprehensive healthcare centers in Iran will not be successful without considering its implementation prerequisites. Some of these prerequisites imply more costs and some of them are rooted in the attitude and culture of people and organizations. In any case, without considering them, the implementation of the accreditation program could face serious problems.

KEYWORDS: prerequisites, accreditation, primary health care



Reduced Susceptibility to Biocides among *Enterococcus faecalis* and *Enterococcus faecium* and the relationship with efflux pump genes

Mohammad Hossein Sobhanipoor^{*1}, Parsa Ferdowsi², Fereshteh Saffari³

Roya Ahmadrajabi⁴, Hossein Hosseini Nave⁵, Seyed Kiyan Amini⁶

1. School of Medicine, Bam University of medical Sciences, Bam, Iran

2. School of Medicine, Bam University of medical Sciences, Bam, Iran

3. Medical Mycology and Bacteriology Research Center, Kerman University of Medical Sciences

Kerman, Iran

4. Department of Medical Microbiology, Afzalipour Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

5. Department of Medical Microbiology, Afzalipour Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

6. School of Medicine, Bam University of medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: Wide use of biocidal agents such as benzalkonium chloride (BCC) and chlorhexidine digluconate (CHX) in hospitals and non-hospital environments, has raised concerns over the emergence of non-susceptible strains. Efflux pumps are of known main mechanisms in biocide tolerance which have been rarely addressed in enterococci - members of gut microbiota which can cause serious problems particularly in hospitalized patients. The purpose of this study was to investigate the susceptibility of *E. faecalis* and *E. faecium* isolates toward BCC and CHX, and its correlation with efflux associated genes. Also, possible link between biocide tolerance and antibiotic resistance was examined.

Materials and Methods: One hundred and four enterococcus isolates including *E. faecalis* (n = 56) and *E. faecium* isolates (n = 48) were studied for susceptibility toward BCC, CHX, ciprofloxacin, gentamicin and vancomycin. Twelve efflux associated genes were investigated by Polymerase chain reaction (PCR) assay.

Results: In *E. faecalis* isolates, reduced susceptibility to CHX and resistance to gentamicin were significantly higher than *E. faecium* isolates. Vancomycin resistance was associated with increasing Minimum inhibitory concentration (MIC) of CHX. Among all investigated genes, only three ones, *efrA*, *efrB* and *emeA* were detected which were significantly associated with reduced susceptibility to CHX and were more frequent among *E. faecium* isolates. Also, high level resistance to gentamicin was significantly associated with the presence of *efrA/B* as well as with reduced susceptibility to CHX.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، منطقه ۸، شهری
دانشگاه علوم پزشکی شیراز - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیر - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



Conclusion: As expected, reduced susceptibility to CHX, was significantly higher in *E. faecalis* isolates. Correlation between reduced susceptibility to CHX and high level resistance to gentamicin, substantiates monitoring of biocide tolerance particularly in the healthcare settings to control the establishment of antimicrobial resistant strains.

Keywords: Biocide; Efflux; Enterococcus; Healthcare environment; Antibiotic resistance

پرستاری از راه دور در مدیریت بیماران مبتلا به سرطان در ایران، یک مطالعه مروری کوتاه

* عادلہ شاهرحمانی^۱، زهرا ایمانی گوغری^۲

۱- دانشجوی پرستاری، دانشکده علوم پزشکی سیرجان، ایران

۲- استادیار گروه پرستاری، دانشکده علوم پزشکی سیرجان، ایران

چکیده

مقدمه: بیماران سرطانی در یک وضعیت مزمن با مشکلات بهداشتی پیچیده قرار دارند که نیاز به مراقبت های پرستاری دارند. بخشی از مراقبت های پرستاری باید به صورت مراقبت در منزل ارائه شود. علاوه بر حمایت عاطفی باید به مراقبان خانواده نیز حمایت دانشی ارائه شود تا از آنها در فرآیند مراقبت حمایت شود. از آنجایی که پرستاری از راه دور این امکان را برای بیماران و خانواده ها فراهم می کند، هدف این مطالعه بررسی وضعیت موجود در ارتباط با پرستاری از راه دور در مدیریت بیماران سرطانی در ایران می باشد.

روش کار: مطالعه زیر یک مرور کوتاه بود. پایگاه های اطلاعاتی الکترونیکی علمی و منابع کتابخانه ای مانند Google Scholar، Pubmed، Sid، Scopus و Iran Medex در بازه زمانی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳ با استفاده از کلیدواژه های سرطان، پرستاری از راه دور و ایران مورد تحقیق قرار گرفتند. در مجموع ۱۲ مقاله علمی شناسایی شد که ۷ مقاله دارای معیارهای ورود بودند و وارد این مطالعه شدند.

یافته ها: اگرچه تعداد محدودی از پژوهش ها به پرستاری از راه دور در مدیریت بیماران سرطانی در ایران پرداخته بودند، اما نتایج نشان داد که پرستاری از راه دور مانند روش های حضوری در ارائه آموزش به بیمار و آموزش خانواده و حمایت از آنها در فرآیند مراقبت مؤثر است. همچنین پرستاری از راه دور مزایایی از جمله حمایت از بیماران و مراقبین، بهبود کیفیت زندگی بیماران، توانمندسازی مراقبین و ارتقای کیفیت مراقبت در منزل را به همراه دارد، بنابراین می تواند حجم کاری مراقبین را کاهش دهد.

نتیجه گیری: پرستاری از راه دور در رفع نیازهای دانش بیماران سرطانی و خانواده های آنها در رابطه با مدیریت بیماری مؤثر بوده و بر کیفیت مراقبت در منزل تأثیر مثبت دارد. بنابراین پیشنهاد می شود زیرساخت های لازم برای پرستاری از راه دور فراهم شود و پرستاران برای ارائه این نوع مراقبت ها آماده شوند.

واژه های کلیدی: پرستاری از راه دور، سرطان، ایران

A review of application of 18S rRNA gene in the diagnosis of *Cryptosporidium* in clinical samples

Raziyeh Abbaszadeh^{*1}, Mahmoodreza Behravan²

¹Department of Environment, Faculty of Natural Resources and Environment, Birjand University, Birjand, Iran

²Department of Medical Microbiology, School of Medicine, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran

Abstract

Background: *Cryptosporidium* spp is one of the coccidial parasites that is created through food, contaminated water, direct contact with soil or infected host sample, and its transmission cycle is fecal-oral. Despite being self-limiting, it can cause persistent and chronic diarrhea and even death in immunocompromised individuals. Also, due to the presence of zoonotic cycles in this parasite, it imposes treatment costs on humans and other organisms, as well as economic damage to industries.

Methods: This study was carried out using the library method and by searching keywords *Cryptosporidium* spp, 18S rRNA and PCR in all databases including PubMed, Web of Science, Scopus, etc in the period from 2021 to 2023. All of them investigated *Cryptosporidium* in clinical samples inside and outside the country.

Results: The prevalence rate of *Cryptosporidium* spp in developed countries is 1-3% and in developing countries 5-10%. These values are higher in patients with immune system deficiency, so that in cancer patients in Lorestan and Isfahan, 42.5% and 4.3% respectively, in children living with AIDS in Sargeito 42.3% and in AIDS patients in Ghana 6.2% was estimated based on 18S rRNA gene. Differences between microscopic and molecular results were also observed.

Conclusions: Generally, two methods of modified Ziehl–Neelsen staining and molecular detection are used to diagnose cryptosporidiosis. In molecular diagnosis that is more efficient and accurate, it is important to select the gene in such a way that it provides greater genotypic diversity. Examining the 18S rRNA gene can provide the necessary genotyping and sub genotyping information. Considering that a definitive treatment for this disease has not yet been found, the best and most effective method is to detect the anthroponotic and zoonotic cycles of this parasite and prevent its spread in the environment, which is dependent on correct and molecular diagnosis.

Keywords: *Cryptosporidium* spp, 18S rRNA, PCR, Genotyping, Sequencing

ارزیابی مواجهه استنشاقی گردوغبار و اسید سولفوریک و ارتباط آن با عملکرد تنفسی کارگران ذوب روی بافق

زهره فضل^۱، شکوفه قابل^۲، عاطفه احمدی^۲، نازنین منصوری^۲، هانیه حمزه نژاد^۲

۱- گروه بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشکده بهداشت، علوم پزشکی بم، ایران، دانشجوی دکتری بهداشت حرفه، علوم پزشکی شیراز

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: در صنایع تولید روی، کارگران با مقادیر بالای گردوغبار و بخار اسید سولفوریک مواجهه استنشاقی دارند، با توجه به اینکه بیماری های شغلی برای مدت ها بدون علامت بوده و در مراحل انتهایی بروز داده می شوند که در اغلب موارد اقدامات درمانی موثر نیستند، بنابراین ارزیابی دوره ای مواجهه و پایش فردی ضروری است. هدف از مطالعه حاضر، ارزیابی مواجهه استنشاقی گردوغبار و اسید سولفوریک و ارتباط آن با عملکرد تنفسی کارگران ذوب روی بافق می باشد.

روش کار: مطالعه به صورت مقطعی بر روی ۱۰۴ نفر کارگر دارای مواجهه شغلی با گردوغبار که از این تعداد ۷۴ نفر به صورت همزمان دارای مواجهه اسید سولفوریک نیز بودند، انجام گرفت. اندازه گیری گردوغبار استنشاقی بر اساس NIOSH0600, Issue 3 و بخار اسید سولفوریک بر اساس NIOSH7903 صورت گرفت و همچنین برای ارزیابی عملکرد تنفسی کارگران از تست اسپرومتری استفاده شد. آنالیز آماری با نرم افزار SPSS انجام شد

یافته ها: بین بخشهای مختلف این صنعت کارگران بخش خردایش بیشترین مواجهه با گردوغبار را داشتند ($0.13/34 \text{ mg/m}^3$) که نسبت ظرفیت حیاتی سریع در ثانیه اول به ظرفیت حیاتی پرفشار FEV1/FVC ($73/95/89$) کمتری دارا بودند و همچنین بخش تصفیه محلول بیشترین مواجهه با اسید سولفوریک داشتند ($0.2/12 \text{ mg/m}^3$). در این بخش بین غلظت اسید و پارامتر ریوی FVC همبستگی اسپیرومن معنی دار شد. ($P\text{-value}=0.02$). بیشترین تعداد کارگران مورد مطالعه (۳۶ نفر) در بخش لیچ سولفور بود، که در این بخش بین غلظت اسید و پارامتر ریوی FEV1 همبستگی پیرسون معنی دار شد ($P\text{-value}=0.048$). 57 درصد افرادی که شدت انسداد راههای هوایی تنفسی در محدوده متوسط ($60 < FEV1 \leq 70$) بود سیگار مصرف می کردند.

بحث و نتیجه گیری: همه ی افراد مورد مواجهه ای بالاتر از حدود مجاز داشتند. مواجهه با غلظت های بیش از حد مجاز با گردوغبار ممکن است بعد از دوره تماس منجر به تغییر در مقادیر عملکرد تنفسی گردد. به نظرمی رسد کارگران شاغل در واحدهای آلوده و در معرض مواجهه با آلاینده هادر خطر پیشرفت علائم ریوی وافت شاخص های اسپرومتری قرار دارند. بنابراین ارزیابی عملکرد ریوی از مهمترین روشها برای تشخیص بیماریهای ریوی شغلی است، که به صورت دوره ای باید انجام گردد.

نتیجه گیری: همه ی افراد مورد مواجهه ای بالاتر از حدود مجاز داشتند. مواجهه با غلظت های بیش از حد مجاز با گردوغبار ممکن است بعد از دوره تماس منجر به تغییر در مقادیر عملکرد تنفسی گردد. به نظرمی رسد کارگران شاغل در واحدهای آلوده و در معرض مواجهه با آلاینده هادر خطر پیشرفت علائم ریوی وافت شاخص های اسپرومتری قرار دارند. بنابراین ارزیابی عملکرد ریوی از مهمترین روشها برای تشخیص بیماریهای ریوی شغلی است، که به صورت دوره ای باید انجام گردد.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت
دانشگاه علوم پزشکی بوم - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بوم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



واژه های کلیدی: اسید سولفوریک، مواجهه شغلی گردوغبار، عملکرد تنفسی، اسپرومتری

دستور کار گذاری^۱ سیاستهای مرتبط با رفتارهای پرخطر جنسی، سومصرف مواد محرک و الکل در نوجوانان در ایران

سعید میرزائی^۱، میثم صادقی^۲، علیرضا زارع زاده^۲، نادیا ارومیه ای^{۳*}

۱. استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.

ORCID: 0000-0003-2024-8866

۲. دانشجوی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.

۳.* استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران. استان کرمان، شهرستان بم، بلوار خلیج فارس، پردیس دانشگاه علوم پزشکی، بم، ایران. کد پستی: ۷۶۱۶۹۱۳۵۵۵، شماره تماس: ۰۹۲۱۶۴۲۳۹۳۲. ایمیل:

ORCID: 0000-0003-3278-3647 ، n_ooroomiei@yahoo.com

چکیده

مقدمه: شیوع رفتارهای پرخطر جنسی، سومصرف مواد و الکل بویژه در گروه سنی نوجوان، از نگرانی های عمده سیاستگذاران سلامت است. کشورهای مختلف از جمله ایران سیاست هایی را جهت مقابله با این رفتارها اتخاذ کرده اند. مطالعه حاضر با هدف دستور کارگذاری سیاست های مرتبط با رفتارهای پرخطر جنسی، مصرف مواد محرک و الکل در نوجوانان در ایران صورت گرفت.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی است که از طریق بررسی اسناد و مصاحبه با سیاستگذاران و مجریان انجام شده است. جهت نمونه گیری از روش نمونه گیری هدفمند با استراتژی گلوله برفی استفاده شد. مصاحبه نیمه ساختارمند انجام شد. در مجموع با تعداد چهل و نه مصاحبه، داده ها به اشباع رسید. جهت تحلیل داده ها از چارچوب جریان های چندگانه کینگدان استفاده شد.

یافته ها: نتایج مطالعه حاکی از تلاقی سه جریان مسئله، سیاست و سیاسی و باز شدن پنجره فرصت بود. در جریان مسئله، آمارهای بالای شیوع رفتارهای پرخطر، انجام مطالعات متعدد با پشتوانه علمی قوی در زمینه رفتارهای پرخطر و آسیب های اجتماعی، تغییر الگوی انتقال ایدز در ایران، کاهش سن شروع سومصرف مواد بر طبق مطالعات ارزیابی سریع، افزایش آمارهای مسمومیت و مرگ های مرتبط با مصرف مشروبات الکلی، افزایش جرایم نوجوانان، بازدید مقام معظم رهبری از مناطق حاشیه ای اطراف شهر مشهد، پخش برنامه های مختلف مستند در خصوص آسیب های اجتماعی، بازخوردهای منفی نسبت به عملکرد آموزش و پرورش در نشست های مختل، ایفای نقش نمودند. جریان سیاست نیز شامل دو دوره انکار و پذیرش بود. جریان سیاسی شامل توجه جهانی به بیماری های غیر واگیر و رفتارهای پرخطر و نقش به سزای پیشگیری از وقوع این رفتارها در گروه سنی نوجوان بر سلامت جامعه، توجه مقام معظم رهبری به مسئله آسیب های اجتماعی و تعیین پنج اولویت در حوزه آسیب ها، تشکیل کمیته ملی پیشگیری و مبارزه با مشروبات الکلی بود.

نتیجه گیری: جریانات چندگانه، نشان دهنده حساسیت آنها به دینامیک های متفاوت در تعریف مسئله، تدوین راه حل، فرایندهای سیاسی است که این سه جریان را در یک فرصت مناسب گردهم آورد. یافته های مطالعه نشان داد که چگونه

¹ Agenda setting

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی گلستان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

هریک از آیتم های شاخص ها، بازخوردها و رخدادهای قانونی در مطرح شدن گسترده مسئله تاثیرگذار بوده است. اگرچه، جریان مسئله به پررنگ شدن مسئله و افزایش توجه سیاستگذاران کمک کرد اما جریان سیاسی نقش قابل توجهی در این میان ایفا کرد به گونه ای که پیگیری مقام معظم رهبری به عنوان یک نیروی سیاسی قوی در تشکیل سازمان اجتماعی کشور و اعلام اولویت هایی در زمینه آسیب های اجتماعی به ورود این مسئله به دستورکار کمک شایانی نمود. جریان سیاست حاکی از دو دوران انکار و پذیرش بوده است. اغلب سیاست های اتخاذ شده در راستای پیشگیری، پرهیزمداری، جنگ علیه مواد و الکل و نه کاهش آسیب است. این موضوع در زمینه رفتار پرخطر جنسی بسیار پررنگ تر است به گونه ای که آموزش در زمینه مسائل جنسی علی رغم وجود شواهد بین المللی در خصوص تاثیرگذاری در کاهش رفتارهای پرخطر هرگز موفق به ورود به دستورکارگذاری نشد. جریان سیاست در موضوع مورد بررسی، به شدت متأثر از ایدئولوژی و احزاب سیاسی حاکم در دستگاه های اجرایی بود. به گونه ای که این موضوع حتی سیاستگذاری مبتنی بر شواهد را نیز تحت تاثیر قرار داد. در مجموع به نظر می رسد، در کشورها با رویکرد مشابه، جریان سیاسی نقش بسیار با اهمیتی در ورود مسائل به دستورکار ایفا می نماید. لذا کارآفرینان سیاست می توانند با جلب توجه نیروهای سیاسی به مسئله از طرق متفاوتی مانند رسانه های جمعی، مطالعات علمی، آمار و ارقام، امکان ورود مسئله به دستورکار را فراهم نمایند.

واژه های کلیدی: دستورکارگذاری، سیاست گذاری، رفتارهای پرخطر جنسی، سومصرف مواد محرک و الکل، نوجوانان، ایران

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

برآورد بار اقتصادی کووید-۱۹؛ شواهدی از جنوب ایران

علی‌رضا یوسفی*، مریم جهانشاهی، نازنین افشارپور

۱. استادیار، گروه بهداشت عمومی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران
۲. دانشجوی رشته بهداشت محیط، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران
۳. دانشجوی رشته کارشناسی تکنولوژی اتاق عمل، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران

چکیده

زمینه و هدف: کروناویروس (کووید-۱۹) یک بیماری حاد تنفسی است که تهدیدی جدی برای سلامت افراد محسوب می‌شود. از آنجا که آگاهی از هزینه‌های بیماری می‌تواند سیاست‌گذاران را در اتخاذ تصمیمات مرتبط با تخصیص بهینه منابع یاری نماید، مطالعه حاضر با هدف برآورد بار اقتصادی بیماری کروناویروس (کووید-۱۹) از دیدگاه جامعه در بیماران بستری در بیمارستان مرجع این بیماری در جنوب استان کرمان در سال ۲۰۲۲ انجام پذیرفت.

روش کار: این مطالعه از نوع توصیفی تحلیلی بود که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی از بین بیماران بستری شده از ابتدای فروردین‌ماه ۱۳۹۹ لغایت پایان اسفندماه ۱۳۹۹ (بازه زمانی یک‌ساله) در بیمارستان‌های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی جیرفت در جنوب استان کرمان در ایران، تعداد ۴۵۰ بیمار به عنوان حجم نمونه انتخاب شد. ابزار گردآوری داده‌ها چک‌لیست محقق ساخته بود. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های t -test، ANOVA، و ضریب همبستگی پیرسون با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS23 در سطح معنی‌داری ۰.۰۵ تحلیل گردید.

یافته‌ها: هزینه مستقیم کل، هزینه غیرمستقیم کل، هزینه کل بیماران مورد مطالعه و بار اقتصادی بیماری کووید-۱۹ به ترتیب برابر با ۲۵۲۰۸۸۹۹۷۰۸ ریال، ۸۱۳۴۲۴۸۵۰۲ ریال، ۳۳۳۴۳۱۴۸۲۱۰ ریال و ۱۷۵۸۲۹۵۳۴۸۹۴۰۴ ریال برآورد گردید. بین متغیرهای مدت‌زمان اقامت ($r=0.858$) و نوع بیمه ($F=2.853$)، با هزینه مستقیم کل ارتباط آماری معنی‌داری مشاهده شد.

نتیجه‌گیری: بر اساس نتایج، کووید-۱۹ بار اقتصادی بسیار بالای به همراه داشته است. یافته‌های این مطالعه نیاز فوری به اتخاذ تصمیمات و اجرای مداخلات مؤثر مقابله با کووید-۱۹ از طریق کنترل عوامل خطر و استفاده از تجربیات موفق سایر کشورها و توصیه سازمان‌های بین‌المللی جهت کاهش موارد ابتلا و به دنبال آن کاهش بار اقتصادی بیماری، تأیید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: بار اقتصادی، هزینه، بیمارستان، کروناویروس، کووید-۱۹

بررسی و مقایسه علل بستری و میزان مرگ و میر نوزادان در NICU بیمارستان افضل پور کرمان قبل و بعد از اجرای مقیمی پزشکان

*هادی خوشاب^۱ فاطمه آموزگار^۲، عباس جهان آرا

۱. دکتری آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده پرستاری و مامایی بم، بم، ایران
۲. دانشجوی کمیته دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی بم
۳. فوق تخصص نوزادان، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده پزشکی

چکیده

مقدمه: یکی از مهمترین شاخص های سلامت، بهداشت و درمان یک جامعه میزان مرگ و میر نوزادان است. شناسایی علل و بهبود شاخص مذکور می تواند به عنوان یک ابزار مهم در برنامه ریزی و مدیریت بهداشتی هر کشوری مورد استفاده قرار گیرد. به نظر می رسد حضور مستمر پزشک متخصص در بخش های ویژه نوزادان در ارتقاء شاخص های عملکردی بخش نوزادان موثر باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی و مقایسه علل بستری و میزان مرگ و میر نوزادان در بخش نوزادان قبل و بعد از اجرای مقیمی پزشکان بود.

مواد و روش ها: پژوهش حاضر، مطالعه توصیفی- تحلیلی بود که در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای طرح مقیمی پزشکان، به صورت مقطعی در بخش نوزادان بیمارستان افضل پور دانشگاه علوم پزشکی کرمان انجام شد. جامعه آماری این مطالعه کلیه نوزادان بستری شده در بخش نوزادان بود. اطلاعات ۱۲۱۹ نوزاد با مراجعه به پرونده ایشان استخراج و تأثیر اجرای طرح مقیمی پزشکان در تحول نظام سلامت بر میزان مرگ و میر و بستری نوزادان مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد اختلاف معنی داری بین میزان بستری قبل و بعد از اجرای طرح وجود ندارد. آزمون های آماری تفاوت معنی داری را در دریافت سورفاکتانت نوزادان قبل و بعد از اجرای طرح مقیمی نشان ندادند ($P > 0.05$). لازم به ذکر است اختلاف معنی داری بین نوزادان بستری شده در دو بازه زمانی مورد مطالعه از نظر انجام تهویه تنفسی و غیر تنفسی وجود نداشت ($P > 0.05$)، هرچند تعداد تهویه های غیر تنفسی بعد از اجرای طرح ۲۰ درصد افزایش یافته بود. بررسی توزیع فراوانی علل مرگ و میر نوزادان نشان داد میزان مرگ و میر بعد از اجرای طرح مقیمی به صورت معنی داری بیش از ۵۰ درصد کاهش یافته است ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: به طور کلی اجرای طرح مقیمی در بیمارستان سبب کاهش موارد مرگ و میر نوزادان، کاهش میزان بستری نوزادان و نیز انتخاب روش های درمانی کم هزینه و موثرتر شده است. با حضور مستمر پزشکان متخصص در بخش های ویژه نوزادان می توان یکی از مهمترین شاخص های سلامتی و بهداشت جامعه را بهبود بخشید.

واژه های کلیدی: بخش ویژه نوزادان، مرگ و میر نوزادان، طرح مقیمی پزشکان



Application of Health Education Models on Designing New Teaching Methods

(Educational intervention based on social-cognitive theory in one of the laboratory courses of occupational health engineering field)

Mohammad Reza Rajabalipour¹, Anahita Fakherpour², Zohreh Fazli³ *

¹PhD student of education and health promotion Yazd shahid sadoughi University of Medical Science, yazd, Iran

²PhD student of Occupational Health, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences

³*PhD student of Occupational Health, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: traditional teaching styles, especially in the fields of medical sciences, are no longer able to meet the educational needs of students. Therefore, the present study has evaluated the application of SCT (social-cognitive theory) for designing new teaching methods.

Method: The present study is a semi-experimental interventional study with two intervention and control groups of occupational health students of associate degree. The intervention tool was a researcher-made questionnaire based on SCT constructs. The educational interventions were designed and implemented in four sessions. After the end of the interventions, the students' test scores were compared with the control group. The data were analyzed by software SPSS23 and descriptive statistical tests, chi-square, Wilcoxon and Pearson.

Results: All the constructs of SCT after the intervention were significantly changed. The students' scores in the intervention group after the intervention were more than those of the Non-intervention group.

Conclusion: SCT has the power to influence the education of students and improves students' scores. Therefore, the constructs of this theory can be used as a new method of teaching in universities and scientific research institutes.

Keywords: Health Education Models, SCT, New Teaching Methods, Effective Education, Educational Intervention, Students, Bam.

Association of IFITM1 Promoter Methylation with severity of SARS CoV-2 infection

*Ahmad Golkar*¹, *Nasir Arefinia*^{*2}, *Mohammad Dalfardi*¹

1. Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

2. School of Medicine, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

Abstract

Background: During viral infections such as SARS-CoV-2, epigenetic changes in the promoter region of the immune system genes might occur and affect the immune system response as well as disease outcome. We aimed to evaluate and compare the methylation level of the IFITM1 gene promoter in different stages of COVID-19 disease with a healthy control group.

Methods: In this cross-sectional study, 75 COVID-19 patients (25 mild, 25 severe, and 25 critical as well as 25 age- and gender-matched healthy volunteers) were included. DNA was extracted from the peripheral white blood cells using commercial DNA extraction kit. PCR was performed using two types of primers designed for methylated and un-methylated form of the IFITM1 gene promoter.

Results: The mean age of the patients and healthy volunteer were 52.733 ± 13.780 and 49.120 ± 12.490 , respectively. Out of 100 participants, 52 were male. The results showed that severe ($P = 0.03$, OR 6.729) and critical ($P = 0.001$, OR 11.156) patients were more likely to perform the methylation of the IFITM1 gene in comparison with mild patients. Moreover, IFITM1 methylation was significantly higher in COVID-19 patients in comparison with the healthy volunteer group ($P = 0.004$, OR 3.17). Furthermore, IFITM1 methylation in male critical patients ($P = 0.01$) was significantly higher than male mild patients. In addition, IFITM1 methylation of male ($P = 0.03$) and female ($P = 0.01$) critical patients was significantly higher compared to males and females in the healthy volunteer group.

Conclusions: Increased methylation of the IFITM1 gene in severe and critical stage of COVID-19 diseases may indicate the role of SARS-CoV-2 infection in increasing methylation of this antiviral gene. This might be involved in suppressing the immune system, promoting SARS-CoV-2 replication and disease outcome.

Keywords: IFITM1, SARS-CoV-2, methylation, COVID-19.

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

شناسایی چالش های نظام سلامت ایران در مبارزه با کووید-۱۹

محبوبه ایزدپناه^۱، سجاد خسروی^۱، علی شیبانی^۱، محسن حسامپور^۱

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: بیماری کرونا بحران بزرگی بود که نظام های سلامت در دنیا را درگیر کرد و چالش های متعددی را برایشان ایجاد کرد. هدف مطالعه حاضر شناسایی چالش های نظام سلامت در مبارزه با کووید-۱۹ بود.

روش کار: شرکت کنندگان در این مطالعه کیفی پدیدارشناسی افرادی بودند که حداقل به مدت ۶ ماه مسئولیت مدیریت و تصمیم گیری در حوزه پیشگیری، مراقبت و درمان بیمارام مبتلا به کووید-۱۹ را بر عهده داشتند. که این افراد از طریق نمونه گیری نمونه گیری هدفمند انتخاب و مورد مصاحبه قرار گرفتند. فرایند انجام مصاحبه ها پس از ۲۹ مصاحبه به اشباع رسید. برای تحلیل داده ها از روش تحلیل محتوا عرفی استفاده شد.

یافته ها: یافته های این مطالعه طیف وسیعی از چالش های نظام سلامت در مبارزه با بیماری کرونا ویروس را نشان می دهد. یافته ها در ۷ مضمون اصلی و ۳۸ مضمون فرعی طبقه بندی شدند. مشارکت کنندگان در این مطالعه معتقد بودند که مهمترین چالش های نظام سلامت ایران در مبارزه با کووید-۱۹ مرتبط با ۷ مضمون اصلی نیروی انسانی، ساختار فیزیکی و سازمانی، منابع مالی، هماهنگی بین بخشی، تجهیزات و وسایل حفاظت فردی، مسئولیت اجتماعی و خدمات اطلاع رسانی بوده است.

نتیجه گیری: این پژوهش به ما نشان داد که علاوه بر چالش های ساختاری و کمبود منابع که از قبل در سیستم سلامت ایران وجود داشته است و در زمان شیوع کرونا تشدید شده است، چالش هایی نظیر فشار شدید کاری، استرس، اضطراب و تعارض با خانواده نیز در بین کارکنان بهداشت و درمان نمود زیادی پیدا کرده است. هم چنین نتایج مطالعه نشان داد که چالش های هماهنگی بین بخشی و اطلاع رسانی موثر در زمان شیوع ویروس کرونا از چالش های جدی نظام بهداشت و درمان ایران می باشد که نیازمند توجه جدی دولت و سیاستگذاران می باشد. مهم ترین کاربرد این مطالعه کمک به مدیران و برنامه ریزان برای سیاست گذاری، برنامه ریزی و انجام اصلاحات در جهت رفع چالش ها سیستم سلامت در ایران می باشد. اولویت بندی این چالش ها در مطالعات آینده به مدیران سلامت کمک می نماید تا با توجه به محدودیت منابع، ابتدا به مهم ترین چالش ها بپردازند. البته باید توجه داشت که رفع چالش ها به تنهایی از عهده نظام سلامت بر نمی آید و نیازمند یک عزم ملی در سطح کلان حاکمیت و دولت و فرهنگ سازی سازمانی می باشد. این مهم نیازمند پایه ریزی و تقویت همکاری بین بخشی می باشد و بایستی وظایف و مسئولیت های سایر نهادها و سازمان های دولتی، خصوصی، مردم نهاد و غیره در ارتباط با سلامت مردم در شرایط اپیدمی و بحرانی به صورت شفاف مشخص و ابلاغ گردد.

واژه های کلیدی: کووید-۱۹، چالش، نظام سلامت، ایران

New Therapeutic Targets in Cancer Immunotherapy: V-domain Ig suppressor of T-cell activation (VISTA)

Arezoo Gowhari shabgah^{1*}, Mahsa Norouzi²

1.School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

2.Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: V-domain Ig suppressor of T cell activation (VISTA) is a transmembrane protein belonging to the immunoglobulin superfamily, which is primarily expressed on hematopoietic cells, including T cells, B cells, and myeloid cells. VISTA is a negative checkpoint regulator of T cell activation and proliferation, and its interaction with its ligands leads to the suppression of T cell responses. In this review study, we first explain the VISTA checkpoint and then assess its function in various cancers to focus on the prognostic values and examine the VISTA therapeutic indicators in cancer immunotherapy.

Methods: A comprehensive literature search was conducted using PubMed, Medline, and Embase, Scopus, and Google Scholar databases. The search was limited to articles published and written in English. The key terms used were "Cancer Immunotherapy" and "V-domain Ig suppressor of T-cell activation", combined with Boolean operators "AND" and "OR". Additional keywords such as "treatment", "VISTA", "diagnosis", "prognosis", "expression", "biomarker", and "immune checkpoints inhibitors" were also included to narrow down the search results. Irrelevant studies such as non-cancer-related and non-Cancer Immunotherapy-related studies were ruled out from the bibliography. The results were reported in a narrative method.

Results: In recent years, the role of VISTA in cancer development and progression has become increasingly recognized. Numerous studies have demonstrated that VISTA is upregulated in various types of human cancers, including lung, breast, colorectal, ovarian, and pancreatic cancer. This upregulation has been associated with a poor prognosis, reduced survival, and resistance to immunotherapy. The inhibition of VISTA has been shown to enhance T-cell function and improve the efficacy of immunotherapy in preclinical models. In addition, VISTA has been found to play a role in regulating the tumor microenvironment. VISTA expression on myeloid cells has been shown to suppress antitumor immune responses and promote tumor growth, while VISTA expression on tumor cells themselves can induce immune evasion by inhibiting the recruitment of T cells to the tumor microenvironment.

Conclusions: Given its important role in cancer development and immune evasion, VISTA has emerged as a promising target for cancer immunotherapy. Multiple VISTA-targeted therapies, including monoclonal antibodies and small molecules, are currently in preclinical and clinical development. Overall, the targeting of VISTA represents a potential avenue for improving the efficacy of cancer immunotherapy and overcoming resistance to current treatments.

Keywords: Immune checkpoint, Vista, Cancer immunotherapy



Survivability Prediction of Breast Cancer Patients Using Three Data Mining Methods: A Comparative Study

Samane Nematolahi*, Fateme Mostafapour

Noncommunicable diseases research center

Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Background: Breast cancer is one of the leading causes of mortality among women worldwide. Early diagnosis of breast cancer is very important in treatment so the prediction of breast cancer survivability has been an important issue. Survival analysis is a family of statistical techniques for data analysis when the response variable is the length of time to occurring an event. Recently, data mining has become one of the most practical tools to extract patterns and classification for better decision making in medical fields. In this study, we have investigated three different types of classification models: The Naïve Bayes, the C4.5 decision tree algorithms and logistic regression model. We are going to find the most accurate one in determining the influential prognostic factors on breast cancer survivability rate.

Methods: Based on median of survival time, target variable categorized in three classes for data mining purposes. The patients who have either survived more than the median survival time and who are alive until the end of study fall into “Above-median” class, the second class “Below-median” covered patients who survived less than 4 years on breast cancer. “Undetermined category” consisted of breast cancer patients that are less than 4 years in study and are alive. The criteria for comparing the results of various data mining tools are included sensitivity, specificity and accuracy. A cohort study on breast cancer patients was conducted in the Cancer Registry Centre of Nemazi Hospital, Shiraz, Iran from January 2002 until December 2012. all patients who met the following conditions entered the study: breast cancer diagnosis over the period of study and having no other type of cancer. Finally, 1574 cases were entered into the study. Patient's medical information included nipple involvement, skin involvement, lymphatic and vascular invasion (LV involvement), progesterone receptor, estrogenic receptor, age, node total, nuclear grade, stage of disease, tumor size, marital status and education. The survival time for each patient was computed as the difference between baseline to the date of death for cases that were followed until death, or from the baseline to closing date of follow-up for living patients. The Nottingham prognostic index for each breast cancer patient is the sum of the values of tumor size multiplied by 0.2, nuclear grade (1-3) and nodal status (1-3). The original NPI was grouped into 3 classes: good, moderate and poor with cut off values ≤ 3.4 , 3.5–5.4 and > 5.4 . In order to determine the significant prognostic factors for improving the classification accuracy, the univariate Cox regression model were applied and factors with P-value < 0.20 were selected for entry into the final model.

Results: The comparison values showed that Naïve Bayes classification algorithm with 58.4% accuracy is the most accurate algorithm in this particular case. These values showed that the best

classifier is Naïve Bayes due to the highest values of accuracy and specificity. The second place was filled by Logistic Regression and on the third was J48. Noted that J48 data mining method gives some additional information by building classification models in the form of tree structure. Also, we conclude that the NPI is the most influential predictor in survival status of breast cancer patients. All classification techniques were run in WEKA.

Conclusions: Considering the large amount of data available in medical databases and the possibility of significant association between symptoms and diagnosis, applying data mining algorithms for exploring these relationships is very advantageous. In addition, this information might be useful in diagnosis of new patients.

Keywords: breast cancer, data mining techniques, prognostic factors

The effect of melatonin treatment on cafeteria-diet-induced non-alcoholic fatty liver disease in rats

*Davood Dorrani¹, Mohsen Basiri^{*1}, Fahimeh Pourjafari¹, Mehran Hosseini¹*

1- Department of Anatomical Sciences, School of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background: It has been estimated that worldwide obesity has nearly tripled since 1975. Obesity and overweight are linked to the pathogenesis of several chronic diseases, such as non-alcoholic fatty liver disease (NAFLD). Until now, no approved therapies for NAFLD motivating innovative strategies' design exist. The results of some studies have shown that melatonin has beneficial effects on obesity, glucose and fat metabolism, insulin resistance, and NAFLD. Despite a tremendous amount of work on the beneficial activities of melatonin, many experimental studies have only focused on investigating its protective effects, and the data on therapeutic effectiveness is quite limited. Hence, this study was designed to determine the therapeutic efficacy of melatonin on liver steatosis induced by a cafeteria diet in rats.

Methods: Male adult Wistar rats were treated for 8 weeks with either a standard diet (control, n=8) or cafeteria- diet (CFD, n=32). After obesity induction, CFD-treated rats orally received normal saline (CFD, n=8) or melatonin (CFD+Mel, n=8) at 5mg/kg, 10mg/kg, and 30mg/kg for 28 days. Finally, all animals were sacrificed, and their blood and liver samples were taken. Plasma levels of total cholesterol (TC), aspartate aminotransferase (AST), alanine aminotransferase (ALT), and tumor necrosis factor-alpha (TNF- α) were assessed. In addition, the severity of liver steatosis and inflammation were scored according to the criteria of the NAFLD scoring system. One-way ANOVA and Tukey post hoc tests were used for statistical analysis.

Results: CFD-treated rats exhibited significant plasma TC, AST, and ALT elevations. In addition, CFD animals displayed histopathological features of classical steatoses, such as macro- and microsteatosis lesions and inflammation. Four weeks of melatonin therapy (all doses) could not alleviate the elevated TC and AST but significantly attenuated TNF- α (all doses) and ALT (only at 10mg/kg). Melatonin treatment only at the maximum dose (30mg/kg) could significantly reduce the steatosis score of CFD-treated rats. However, melatonin in all the studied doses could ameliorate hepatic inflammation scores.

Conclusions: The results of the present study demonstrated that four weeks of treatment of CFD-induced NAFLD rats with oral melatonin doses up to 30mg/kg could not effectively ameliorate dyslipidemia, but at the highest dose could slightly decrease liver steatosis score. Long-term research is recommended to assess the efficacy over a prolonged period.

Keywords: Non-alcoholic Fatty Liver Disease, Cafeteria diet, Obesity, Melatonin

A Decision Support Model for the Necessity of Cardio-Angiography, A Result of Generalized Additive and logistic Regression Model

Fatemeh Rezaeisharif¹, Azadeh Saki^{1,4*}, Ali Taghipour², Mohammad Tajfard^{3,4}

¹Department of Biostatistics, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

²Department of Epidemiology, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

³Department of Health Education and Health Promotion, School of Health, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

⁴Social Determinants of Health Research Center, Mashhad University of Medical Sciences, Mashhad, Iran.

Background: Angiography is used as the gold standard for diagnosis of coronary artery disease (CAD). It is an invasive procedure and has several complications. Also, some patients refuse angiograms for reasons such as fear, high cost, and loss of trust in physician diagnosis. The negative results of this test is more than a third. Therefore, having a statistical predictive model for estimating the risk of CAD, as an evidence-based support system, can help the physician and patient decide on the necessity of angiography. In this study we aimed to find an evidence-based supportive model for decision making on the necessity of angiography in people who were candidates for angiography by the physician after initial tests.

Methods: In this study, 1187 patients who had been referred to Ghaem Hospital of Mashhad University of Medical Sciences and diagnosed with physicians after initial tests were enrolled. Demographic data, lipid and blood sugar levels, and the history of underlying disorders were variables that were studied in the statistical model fitting. Initially, generalized additive models were used singularly for quantitative predictors, then by applying right transformations on the predictor variables we entered them simultaneously in logistic and count regression models. These two models were fitted to the data using R software and then compared in terms of predictive accuracy.

Results: Generalized additive models showed that the relationship between CAD with the hs-CRP level was not monotone. Exploratory analyzes showed that 62% of people with hs-CRP level <3 and 50% of people with hs-CRP levels between 3 and 6 were suffered from the CAD. The highest rate of CAD was seen in the range of 6-8 (۹۳٪) but with increasing the hs-CRP level to above 8 it decreased to 70%. The relationship between age and the risk of CAD was S-shaped. Risk of CAD in diabetic subjects with normal FBS was equal to that of nondiabetic subjects with normal fasting blood sugar. The age, gender, diabetes, FBS, and hs-CRP were significant in both models ($p < 0.05$). The area under the ROC curve was upgraded to 81 for the logistic model.

Conclusions: The most important finding of this exploratory study was that out of 232 patients with hs-CRP level between 6 to 8, 217 (93%) had coronary artery occlusion, for these subjects the probability of occluding a coronary artery was 0.93. The present study also showed that if the blood sugar is controlled in patients with diabetes, then this disease will not be a risk factor for patients with coronary artery occlusion. The logistic regression model presented in this study is recommended as the final model to support decision-making about the necessity of angiography.

Keywords: logistic regression; Generalized additive model; Decision support system; Angiography; hs-CRP



Uncovering the Molecular Mechanisms of Midkine-Mediated Gastrointestinal Cancer Development

Zahra Rasoulizadeh¹, Arezoo Gowhari Shabgah², Jamshid Gholizadeh Navashenaq³

Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: Gastrointestinal cancers comprise over one-third of all cancer incidence and deaths globally. The progression of these type of cancers are primarily caused by very complicated molecular and pathophysiological mechanisms. Midkine, as a plasma protein, participates in a wide variety of physiological processes, including development, repair, and reproduction, and thus plays key roles in the etiology of cancer and other illnesses. Therefore, this study was aimed to discuss roles of Midkine and its molecular and biological importance in gastrointestinal cancer.

Methods: A comprehensive literature search was conducted using PubMed, Medline, and Embase, Scopus, and Google Scholar databases. The search was limited to articles published and written in English. The key terms used were "gastrointestinal cancer" and "Midkine", combined with Boolean operators "AND" and "OR". Additional keywords such as "treatment", "diagnosis", "prognosis", "expression", "biomarker", and "pathogenesis" were also included to narrow down the search results. Irrelevant studies such as non-cancer-related and non-Gastrointestinal Cancer-related studies were ruled out from the bibliography. The results were reported in a narrative method.

Results: The articles included in this study reported on the expression of Midkine in gastrointestinal cancer tissues, its role in the pathogenesis of the disease, and its potential as a diagnostic and prognostic biomarker. Several studies also investigated the use of Midkine as a therapeutic target for gastrointestinal cancer. It was repeatedly declared in literature that Midkine promotes cell growth and tumorigenicity, metastasis, and angiogenesis in the gastrointestinal tract. In terms of mechanism, it was shown that Midkine can prevent anoikis to enhance metastasis, resulting in tumor regression. Therefore, a paradoxical role for Midkine in tumor biology is proposed. Since Midkine has been found to be dysregulated in many types of gastrointestinal cancers, including gastric, esophageal, and colorectal cancers, several studies have proposed the potentiality of Midkine as a biomarker for cancer diagnosis, prognosis, and therapeutic approaches.

Conclusions: The findings of this study suggest that Midkine plays a significant role in the development and progression of gastrointestinal cancer. It may serve as a useful biomarker for the diagnosis and prognosis of the disease, as well as a potential therapeutic target. Further research is needed to fully understand the mechanisms underlying the relationship between Midkine and gastrointestinal cancer, and to develop effective treatments targeting this protein. Overall, this study



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت
دانشگاه علوم پزشکی بهار - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



highlights the importance of Midkine in the management of gastrointestinal cancer and provides a basis for future research in this area.

Keywords: Midkine; Gastrointestinal Neoplasms; Tumor Biomarkers; Cancer Prognosis

Novel anthropometric indices and metabolic score for insulin resistance (METS-IR) in predicting risk of metabolic syndrome: A cross-sectional analytical study

Ayatollah Bayatian¹, Allahwardi Jangi¹, Farideh Pargar¹, Hadi_Bazyar^{2,3}, Vahideh Aghamohammadi⁴, Sohrab Hajjalizadeh⁵

1. *Research Center for Life & Health Sciences & Biotechnology of the Police, Directorate of Health, Rescue & Treatment, Police Headquarter, Tehran, Iran*
2. *Sirjan School of Medical Sciences, Sirjan, Iran*
3. *Research Center for Life & Health Sciences & Biotechnology of the Police, Directorate of Health, Rescue & Treatment, Police Headquarter, Tehran, Iran*
4. *Department of Nutrition, Khalkhal University of Medical Science, Khalkhal, Iran*
5. *Student Research Committee, Sirjan School of Medical Sciences, Sirjan, Iran*

Abstract:

Background: Whether novel indices and metabolic score for insulin resistance (METS-IR) can better identify MetS in apparently healthy people needs further research. Thus, this study aimed to evaluate these indices in predicting the risk of metabolic syndrome (MetS).

Methods: In this cross-sectional study, 800 subjects were selected by clustered random sampling. The metabolic factors including fasting blood sugar (FBS), lipid profile, atherogenic index of plasma (AIP), blood pressure, novel anthropometric indices such as abdominal volume index (AVI), body shape index (ABSI), lipid accumulation product (LAP), body adiposity index (BAI), body roundness index (BRI), weight-adjusted-waist index (WWI), and metabolic score for insulin resistance (METS-IR) were evaluated. The MetS was calculated according to the IDF criteria. To evaluate the risk of MetS, logistic regression was applied along with modeling (crude model and models with adjustment of the effect of confounding factors).

Results: Fifty participants were excluded due to a lack of inclusion criteria. The mean age of the participants was 39.27 ± 7.57 years. The prevalence of MetS was 17.5 %. All novel anthropometric indices (except for ABSI) significantly predicted the risk of MetS in all participants before and after adjustment ($p < 0.001$). A positive association was found in all models between METS-IR with MetS ($p < 0.001$).

Conclusion: Except for ABSI, all Novel anthropometric indices could predict MetS. Studies with prospective designs are required to confirm these findings

Keywords: Anthropometry, Metabolic Syndrome, Obesity



Association Between Expression of ZBP1, AIM2, And MDA5 Genes and Severity Of COVID-19

*Mohammad Mahdi Jafari¹, Mahsa Salahi¹, Nasir Arefinia^{*3}*

Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

School of Medicine, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

Abstract

Background: Antiviral and inflammatory responses following the detection of the virus genome by nucleic acid sensors play a vital role in the pathogenesis and outcome of diseases. In this study, we investigated the ZBP1, AIM2, and MDA5 expression levels in COVID-19 patients with different intensities of the disease.

Methods: 75 quantitative Real-Time PCR (qRT-PCR)-confirmed COVID-19 patients were included consecutively and divided into 3 groups of mild, severe, and critical based on the severity of the disease. Also, 25 healthy volunteer subjects were included. PBMCs were collected from the whole blood, and RNA was extracted using commercial kit. The expression of ZBP1, AIM2, and MDA5 genes was investigated using qRT-PCR technique. The mean age of the patients and healthy volunteers was 52.73 ± 13.78 and 49.120 ± 12.490 , respectively. In each group, 13 out of 25 participants were male.

Results: The ex-pression levels of ZBP1 ($P=0.001$), AIM2 ($P=0.001$), and MDA5 ($P=0.003$) transcript were significantly higher in COVID-19 patients than the control group. The results also revealed that the expression levels of ZBP1, AIM2, and MDA5 were significantly higher in the critical and severe COVID-19 patients compared to those with mild disease ($P<0.05$). Moreover, regarding the gender, the expression levels of AIM2 and MDA5 were significantly elevated in male severe ($P=0.04$ and $P=0.003$, respectively) and critical ($P=0.005$ and $P=0.0004$, respectively) patients than the female ones.

Conclusions: The results indicated that ZBP1, AIM2, and MDA5 genes might have an important role in the severity of COVID-19 disease. Moreover, the severity of COVID-19 disease in male and female patients might be related to AIM2, and MDA5 expression levels.

Keywords: COVID-19, Gene Expression, MDA5, AIM2, ZBP1

بررسی ارتباط هوش اخلاقی و حساسیت اخلاقی در ماماهاى شاغل شهر بیرجند

احمدعلی امیری فر^۱، پروانه حمیدیان^۲، فاطمه محمودی کهنی^۳

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

چکیده

مقدمه: هوش اخلاقی، ناظر بر ظرفیت و توانایی درک و فهم درست از نادرست و برخورداری از باورها و اعتقادات اخلاقی قوی و عمیق و بروز رفتاری شایسته می باشد. هوش اخلاقی با انجام درست کار و رعایت اصول اخلاقی پیوند تنگاتنگی دارد. حساسیت اخلاقی نیز به عنوان اولین مولفه برای رعایت اخلاق می باشد. همچنین به عنوان یکی از معیارهای صلاحیت حرفه‌ای پزشکی محسوب می‌شود و بر عملکرد اخلاقی و ارتقای ارتباط بین تیم بهداشتی درمانی و بیمار مؤثر است. هدف این مطالعه بررسی ارتباط هوش اخلاقی و حساسیت اخلاقی در ماماهاى شاغل شهر بیرجند در سال ۱۳۹۹ بود.

روش کار: در این مطالعه مقطعی تعداد ۱۰۲ مامای شاغل در مراکز بهداشتی درمانی و بیمارستان های شهر بیرجند در سال ۱۳۹۹ به روش سرشماری وارد مطالعه شدند و از نظر هوش اخلاقی مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه هوش اخلاقی لنینیک و کیل و پرسشنامه استاندارد حساسیت اخلاقی استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و $P < 0.05$ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته ها: متوسط سن واحدهای پژوهش ۳۱/۴۵+۸/۱۴ و اکثریت دارای تحصیلات کارشناسی (۸۸/۹٪) بودند. آزمون های آماری نشان داد هوش اخلاقی ماماها در حد متوسط بود. از طرفی میانگین نمره حساسیت اخلاقی ۱۴۰/۹۹+۳۴/۳۱ بوده است. همچنین ارتباط معنی داری بین هوش اخلاقی و حساسیت اخلاقی وجود داشت ($P=0.008$).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه هوش اخلاقی و حساسیت اخلاقی از ویژگی های مهم در ارائه مراقبت می باشد، لذا پیشنهاد می گردد تا آموزش های لازم در جهت توسعه حساسیت اخلاقی، ارتقا و تقویت هوش اخلاقی در محیط های آموزشی و بالینی در نظر گرفته شود.

واژه های کلیدی: هوش اخلاقی، حساسیت اخلاقی، ماما



Bentonite Nanoparticles and Honey Co-Administration Effects on Skin Wound Healing: Experimental Study in the BALB/c MICE

Masoumeh Askari¹, Ali Naghizadeh^{2*}

¹ Department of Anatomy, Faculty of Medicine, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran. E-mail: masomeaskari12@yahoo.com

² Medical Toxicology and Drug Abuse Research Center (MTDRC), Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran. E-mail: al.naghizadeh@yahoo.com

*Corresponding author

Background and Objective: In recent years, nanotechnology and the subsequent production of nanoparticles have developed excellent methods for medical applications, including wound healing. One of these nanoparticles is bentonite nanoparticles (BNPs) which show high ability in tissue engineering. But our knowledge of its effectiveness in wound healing is based on little data. Therefore, the main purpose of this study was to evaluate the wound healing ability of BNPs and in the next step the suitability of honey as a solvent for these nanoparticles.

Materials and Methods: In this experimental study, an excisional wound injury model was developed in adult male BALB/c mice (n=60) by creating two equal-sized wounds (5 mm) on either side of their back midline. The animals were allocated into five groups (n=12 each) as untreated control (U), honey (H), polyethylene glycol (P), and (BNPs) dissolved in honey or polyethylene glycol (H + BNPs, P + BNPs). Animals have received their relative topical treatments twice per day for 14 consecutive days. Tissue sampling was carried out on days 4, 7, 10, and 14. The tissue sections were stained with hematoxylin and eosin and Trichrome-Masson staining methods. The histomorphological parameters including inflammatory cells infiltration, fibroblasts, re-epithelialization, granulation formation, and collagenases were evaluated in all tissue sections. Data were analyzed by SPSS 16 software.

Results: Comparison between the groups was performed by one-way analysis of variance following Tukey's post-hoc test. Compared to the control group, BNPs showed significant wound healing activities with lower inflammatory cells infiltration, higher fibroblastosis and new epithelium thickness, and greater granulation area and collagen fibers density in the ulcer bed. In

addition, honey as a solvent synergistically increased the wound healing activity of the studied nanoparticle.

Conclusion: These results for the first time are clearly showing that BNPs have a promising wound healing activity, especially when applied with honey concurrently.

Keywords: *Wound healing, Bentonite, Nanoparticle, Honey, Nanotechnology*

Antibiotic resistance, biofilm formation, and virulence factors in pediatric *staphylococcus aureus* isolates

*Fatemeh Jafari Zarandi*¹, *Mahsa Pezhman*,¹, *Mansoor Kodori*^{1,2*}

¹Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

²Non communicable Diseases Research Center, Bam University of Medical sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: *Staphylococcus aureus* is a well-known causative agent of pediatric infections, with its biofilm-forming ability being a key factor contributing to its pathogenesis and antibiotic resistance. Furthermore, the presence of virulence determinants may augment the severity of infections. The objective of this study was to investigate the biofilm formation capacity, virulence factors, and antibiotic resistance profiles of clinical isolates of *S. aureus* obtained from pediatric infections.

Methods: In this investigation, we conducted an analysis of pediatric infection-derived *S. aureus* isolates with regards to their antibiotic susceptibility, biofilm-forming capacity, virulence factor, as well as their *agr* typing. The broth microdilution method was used to determine the minimum inhibitory concentration (MIC). Microtiter plates were used to assess biofilm formation ability, and PCR was used to detect enterotoxin and hemolysin genes. The *agr* locus was detected by specific primer in PCR reaction.

Results: Out of the 40 *S. aureus* isolates that were examined, 26 (65%) were found to be methicillin-resistant (MRSA) and 24 (45%) were methicillin-susceptible (MSSA). Biofilm-forming ability was observed in 82% of the isolates. The *eta*, *etb*, and *etd* genes were detected in 100%, 15%, and 12.8% of the isolates, respectively. The *hla*, *hly*, and *hld* genes were identified in 73%, 52.5%, and 95% of the isolates, respectively. Additionally, the *tsst-1* gene was found in 32.5% of the isolates. Based on *agr* typing, the majority of the isolates belonged to *agr* group I (52.5%), followed by *agr* group III (25%) and *agr* group II (22.5%).

Conclusions: this study sheds light on the prevalence of antibiotic resistance, biofilm formation, and distribution of virulence factors in *S. aureus* isolates derived from pediatric infections. The high proportion of MRSA isolates highlights the urgent need for prudent use of antibiotics in this population. The significant presence of biofilm-forming ability underscores the importance of biofilm-targeted therapies in *S. aureus* infection management. The detection of virulence determinants, such as enterotoxins and hemolysins, in most of the isolates highlights their potential to cause severe infections. Furthermore, the diversity in *agr* groups suggests potential implications for the pathogenicity and transmission of *S. aureus* in the pediatric population. These findings have important implications for clinical management and control of *S. aureus* infections in pediatric patients.

Keywords: *Staphylococcus aureus*, pediatric infections, biofilm formation, virulence determinants, *agr* typing,

Thymoquinone improved redox homeostasis in the heart and aorta of hypothyroid rats

Faezeh Mirzaee¹, Hadis Eftekhari², Yuosef Baghcheghi³

¹Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

²Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

³Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

Abstract

Background: Propylthiouracil (PTU) is a common drug that is used in medicine for treating hyperthyroidism. Furthermore, hypothyroidism can also be induced with PTU. Considering the antioxidant effects of thymoquinone (TMQ), this study was designed to find out whether TMQ could counteract the oxidative damage in the heart and aorta tissues induced by hypothyroidism in rats

Methods: Animals were arranged into four groups: (1) Control, (2) PTU, (3) PTU-TMQ 5, and (4) PTU-TMQ 10. Hypothyroidism was induced in rats by giving 0.05% PTU in drinking water. PTU and TMQ (5 and 10 mg/kg, ip) treatments were done for 42 days. Finally, the animals were sacrificed and the serum of the rats was collected for thyroxine level assessment. The heart and aorta tissues were also removed for biochemical oxidative stress markers measurement.

Results: A lower serum thyroxine level was observed after PTU treatment compared to the control group. Hypothyroidism also was accompanied by a decrease of thiol content, and superoxide dismutase (SOD), and catalase (CAT) activities in the heart and aorta tissues while increased malondialdehyde (MDA). Furthermore, a significant reduction in oxidative damage was noted in the heart and aorta following the administration of TMQ (5 and 10 mg/kg) which was indicated by the reduction in MDA and improved activities of SOD, CAT, and thiol.

Conclusions: In this study, TMQ was found to improve oxidative damages in the heart and aorta tissues of hypothyroid rats.

Keywords: Aorta; heart; hypothyroidism; oxidative stress; thymoquinone

بررسی کیفیت فرآیند مراقبت از خون با استفاده از رویکرد شش سیگما

فاطمه ملاحمدی حسن آیدای^۱، محمدحسین مهرالحسنی^{۲*}، روحانه رحیمی صادق^۳

۱. دانشجو ارشد مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۲. استاد، مرکز تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران / گروه مدیریت، سیاستگذاری و اقتصاد سلامت، دانشکده مدیریت و اطلاع رسانی پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران
۳. مرکز تحقیقات مدیریت ارائه خدمات سلامت، پژوهشکده آینده پژوهی در سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

چکیده

مقدمه: نظام مراقبت از خون مجموعه ای از روش های نظارتی می باشد که زنجیره انتقال خون از جمع آوری خون و فرآورده های خونی تا نظارت بر گیرندگان را پوشش می دهد. بنابراین هر گونه خطا در این فرآیند می تواند عواقب جدی و جبران ناپذیری برای بیماران ایجاد کند. مطالعه حاضر با هدف بررسی فرآیند مراقبت از خون با استفاده از رویکرد شش سیگما در ایران انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه کمی مقطعی بود که در بازه شش ماهه در سال ۱۴۰۰ با استفاده از مدل شش سیگما در بیمارستان افضل پور انجام شد. این مطالعه براساس دو مرحله تعریف و اندازه گیری چرخه DAMIC انجام شد. در فاز تعریف، ابتدا دستورالعمل های کشوری سازمان انتقال خون و آیین نامه ها و دستورالعمل های داخلی بیمارستان افضل پور مورد بررسی قرار گرفت و سپس پژوهشگران با حضور در بخش ها و بانک خون، مراحل انجام فرآیند مراقبت از خون در بیمارستان را به صورت مستقیم مشاهده کردند. در فاز اندازه گیری، جامعه مورد مطالعه شامل تمامی بیماران بستری نیازمند به دریافت خون یا فرآورده های خونی در بخش های مختلف بیمارستان افضل پور بودند و تعداد ۴۷۷ بیمار از طریق نمونه گیری طبقه ای در سه شیفت صبح، عصر و شب وارد مطالعه شدند. خطاها در سه شیفت صبح، عصر و شب از طریق داده برگ ثبت گردید و از طریق نرم افزار اکسل تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: فرآیند مراقبت از خون در بیمارستان افضل پور به دو دسته فرآیند عادی و فرآیند اورژانسی تقسیم شد که هر یک از این فرآیند ها شامل زیرفرآیند های نمونه گیری، درخواست خون و فرآورده خونی از طرف بخش، آماده سازی درخواست توسط بانک خون، ارسال درخواست از بانک خون به سازمان انتقال خون، تزریق خون و فرآورده های خونی در بخش و فرآورده های برگشتی به بانک خون و امحا بودند. کیفیت فرآیند مراقبت از خون بر اساس زیرفرآیندها و سه شیفت صبح، عصر و شب ارزیابی شد. بیشترین خطا در زیرفرآیند ارسال درخواست از بانک خون به سازمان انتقال خون با سطح سیگما ۱.۵ و در شیفت های عصر و شب با سطح سیگما ۱.۸۷۵ مشاهده گردید.

نتیجه گیری: سطح کیفیت فرآیند مراقبت از خون پایین بود لذا با بهره گیری از روش شش سیگما توانستیم خطاهای این فرآیند را شناسایی و در جهت رفع آن ها راهکارهای لازم را ارائه کنیم.

واژه های کلیدی: ایمنی بیمار، بهبود کیفیت، شش سیگما، مراقبت از خون، خطاهای تزریق خون، بانک خون، بیمارستان

تبیین تجارب زیسته دانشجویان و فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی بم در خصوص واحد های کارآموزی در عرصه

نرگس خورشیدی^۱، شقایق شفا^۱، فاطمه مصطفی پور^۱، دکتر نادیا ارومیه ای^{۲*}

^۱ کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

^۲ مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از رشته های مهم و کلیدی در حوزه نظام سلامت رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی می باشد که دانش آموختگان این رشته به عنوان نیروی انسانی آینده نظام سلامت، از گروه های تاثیر گذار بر حفظ و ارتقای سطح سلامت جامعه می باشند، لذا توجه به امر آموزش این دانشجویان ضرورت می یابد تا با کسب مهارت های لازم به خصوص در دوره های کارآموزی در عرصه موجب بهبود فرآیند های نظام سلامت شوند؛ بنابراین این مطالعه با هدف تبیین تجارب زیسته دانشجویان و فارغ التحصیلان مقطع کارشناسی رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی بم در خصوص واحد های این درس طراحی و اجرا گردید.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد پدیدارشناسی می باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی که حداقل کارآموزی در عرصه یک را گذرانده اند و فارغ التحصیلان این رشته می باشند. نمونه گیری به صورت هدفمند با استراتژی گلوله برفی انجام شد. ابزار جمع آوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته بود. که در مجموع پس از انجام ۲۰ مصاحبه، اشباع داده ها محقق شد. جهت تحلیل داده ها از روش تحلیل تماتیک استفاده شد.

یافته ها: در پژوهش حاضر، یافته ها به طور کلی در دو طبقه اصلی، نقاط قوت مربوط به دروس کارآموزی در عرصه و نقاط ضعف مربوط به آن تقسیم بندی شدند؛ سه کد اصلی طبقه اول شامل نقاط قوت مربوط به: طرح درس، اساتید و کارپوشه می باشند. و در مجموع از این کدها ۹ زیرکد به دست آمد که برجسته ترین آنها شامل: درک نیاز های بهداشتی درمانی جامعه، پوشش اکثریت بخش های مرتبط با فیلد کاری آینده دانشجویان، ترتیب مناسب واحد ها و فیلد های کارآموزی در عرصه، پاسخگویی جامع و کامل اساتید به دانشجویان و جامع بودن کارپوشه می باشد. و از هفت کد اصلی طبقه دوم که شامل چالش های مربوط به: پرسنل فیلد های کارآموزی در عرصه، اساتید کارآموزی در عرصه، کارپوشه، امکانات رفاهی، طرح درس و برنامه ریزی انجام کارآموزی در عرصه می باشند، ۱۸ زیرکد به دست آمد که از عمده ترین آنها می توان به: عدم آگاهی پرسنل نسبت به وظایف آموزشی و همکاری، عدم ارزیابی میان دوره دانشجویان توسط اساتید، عدم پویایی مطالب کارپوشه، عدم هماهنگی سرویس حمل و نقل با زمان کارآموزی، عدم وجود رختکن برای دانشجویان، عدم وجود راهنمای آموزشی شفاف برای دانشجویان، جامع نبودن شیفت بندی کارآموزی در عرصه، طولانی بودن مدت زمان کارآموزی و عدم وجود مبنای شفاف نمره دهی اشاره کرد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان می دهد دانشجویان در گذراندن واحد های کارآموزی در عرصه با چالش های متعددی مواجه بوده اند، که از جمله آنها می توان به عدم همکاری پرسنل فیلد کارآموزی و کمبود خدمات رفاهی اشاره کرد؛ بر طبق یافته ها، پیشنهاد می گردد اقداماتی در زمینه بهبود عملکرد مانند برگزاری جلسات توجیهی برای آشنایی پرسنل فیلد های کارآموزی با جایگاه

رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، ایجاد کارپوشه ماموریت محور الکترونیک (پورتفولیو)، تعیین مربی آموزشی برای کارآموزی ها و ایجاد معیار های مشخص برای ارزشیابی دانشجویان در پایان کارآموزی ها صورت گیرد. اجرای اقدامات اصلاحی و همچنین حفظ نقاط قوت حاصله از این پژوهش می تواند به تصمیم گیران و مجریان حوزه آموزش جهت بهبود اثر بخشی واحد های کارآموزی در عرصه، افزایش مهارت های شغلی دانشجویان و همچنین ارتقاء جایگاه رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی کمک کند.

واژه های کلیدی: نظام سلامت، مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کارآموزی در عرصه، دانشگاه علوم پزشکی، بوم، ایران.



Title: Wound Healing Effects of Chitosan Nanosheets/Honey Compounds in Male BALB/c Mice

Name of Authors:

Masoumeh Askari¹, Ali Naghizadeh^{2*}

¹ Department of Anatomy, Faculty of Medicine, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran. E-mail:

masomeaskari12@yahoo.com

² Medical Toxicology and Drug Abuse Research Center (MTDRC), Birjand University of Medical Sciences, Birjand,

Iran. E-mail: *al.naghizadeh@yahoo.com*

*Corresponding author

Background: Up to now, proper wound care management has remained as an important clinical challenge. Chitosan nanosheets (CNSs) showed a great potential in tissue engineering, but our knowledge about their wound healing effectiveness is based on very limited data. Thus, the aim of this research was to evaluate the wound healing potential of CNSs and honey as a vehicle for these nanoparticles.

Methods: The skin excisional wound injury model was made in adult male BALB/c mice (n = 60) by creating two identical sized wounds (5mm) on either side of their dorsal midline. The animals were divided into five groups (n = 12 each) as untreated control, honey, polyethylene glycol, and CNSs dissolved either in honey or polyethylene glycol. Animals were received their relative topical treatments twice per day for 14 consecutive days. Tissue sampling was carried out on days 4, 7, 10, and 14 post wounding. The histological parameters including inflammatory cells infiltration, fibroblast proliferation, re-epithelialization, granulation formation, and collagen formation were evaluated in all studied time points.

Results: Compared to the control group, CNSs showed significant wound healing activities with lower inflammatory cells infiltration, higher fibroblastosis and new epithelium thickness, and greater granulation area and collagen fibers density in the ulcer bed. In addition, honey synergistically increased the wound healing activity of the studied nanoparticles.

Conclusion: These results showed that CNSs have promising wound healing activity specially when dissolved with honey concurrently.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، منطقه هشت، به استقامت
دانشگاه علوم پزشکی شیراز - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت
دانشگاه علوم پزشکی بیر - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



Keywords: *Wound Healing, Chitosan Nanosheets, Honey*

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بررسی فراوانی واژینیت ناشی از عوامل باکتریایی، کاندیدایی و تریکوموناسی بر اساس آزمایش پاپ اسمیر در شهرستان بم طی سال های ۱۴۰۱-۱۴۰۰

سیده فرزانه مرتضوی^۱، حکیمه خلیلی^۲، فائزه جباری^۳، فاطمه الهی^۴، محدثه علیمرادی^۵، رضوان باقری^۶،

دانشجوی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

استادیار، متخصص پاتولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

دانشجوی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

دانشجوی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

دانشجوی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

معاونت آموزشی بیمارستان پاستور بم، بم، ایران

مربی، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران*

چکیده

مقدمه: یکی از مشکلات رایج زنان در طول زندگی آنان، واژینیت می باشد. علائم این بیماری کیفیت زندگی زنان را تحت تاثیر قرار می دهد و پزشکان نیز در مدیریت انواع واژینیت دچار چالش می شوند. واژینوز باکتریایی، تریکوموناس واژینالیس و کاندیداها از شایع ترین علل واژینیت هستند. واژینیت باکتریایی وقتی اتفاق می افتد که تعادل میکروبیوتای واژن برهم خورده و باکتری های فرصت طلب بی هوازی جایگزین لاکتوباسیل های طبیعی واژن می شوند. این باکتری های فرصت طلب می توانند از گونه های *Prevotella*، *Gardnerella vaginalis* و گونه *Mobiluncus* باشند. عفونت کاندیدیاژ و لولوواژینال بیشتر به وسیله *C.albicans* و بعد از آن توسط *C.glabrata* و به میزان کمتری توسط *C.tropicalis* و *C.parapsilosi* به وجود می آید. تک یاخته تریکوموناس واژینالیس نیز باعث تریکومونیاژیس می شود. ما در این پژوهش شیوع واژینیت ناشی از عوامل کاندیدایی، باکتریایی و تریکوموناسی را در میان خانم های مراجعه کننده به آزمایشگاه پاتولوژی بیمارستان پاستور و آزمایشگاه دکتر خلیلی بم طی سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ تعیین کرده ایم.

روش کار: این پژوهش بر روی نمونه های پاپ اسمیر ۳۶۱۲ خانم مراجعه کننده به آزمایشگاه پاتولوژی بیمارستان پاستور و آزمایشگاه دکتر خلیلی بم طی سال های ۱۴۰۰-۱۴۰۱ انجام شده است. نمونه های تهیه شده به روش پاپانیکولای رنگ آمیزی شده و مورد بررسی میکروسکوپی قرار گرفتند. با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون کای به بررسی آماری نمونه های قبلی پرداخته و شیوع واژینیت کاندیدایی و باکتریایی و تریکوموناسی را تعیین کردیم.

یافته ها: شیوع کلی واژینیت ۶۰.۷۹ درصد (۲۱۶۹ مورد) است. شیوع واژینیت کاندیدایی ۳۸.۱۷ درصد (۱۳۷۹ مورد) و شیوع واژینیت باکتریایی ۹.۱۰ درصد (۳۲۹ مورد) و شیوع واژینیت تریکوموناسی صفر می باشد. همچنین شیوع واژینیت کاندیدایی و باکتریایی به صورت توأم ۱۳.۵۱ درصد (۴۸۸ مورد) است.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، منطقه ۸ کشوری
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

نتیجه گیری: این بررسی شیوع بالای واژینیت کاندیدیایی و شیوع صفر واژینیت تریکوموناسی را نشان می دهد. با توجه به اینکه این بیماری تاثیرات نامطلوبی بر سلامتی و زندگی افراد دارد، باید آموزش های لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از انتقال این بیماری به افراد داده شود.

واژه های کلیدی: واژینیت باکتریایی، کاندیدا، تریکوموناس واژینالیس

تأثیر خاطره گویی بر اضطراب مرگ سالمندان بازنشسته ارتش جمهوری اسلامی ایران

نسرین رضائی^۲ - علیرضا رجالی^{۳*} - محمد عرفان شاهسونی^۴ - عباسعلی شیخی^۵

- ۱- دانشجویان، مرکز تحقیقات پرستاری جامعه، گروه روانپرستاری دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
- ۲- دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
- ۳- دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد روانپرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

خلاصه:

زمینه و هدف: یکی از نگرانی های سالمندان در دوره پایانی زندگی اضطراب مرگ است در کنار این نگرانی، خاطره گویی از ویژگی های خاص و مورد علاقه افراد سالمند است. لذا این مطالعه با هدف تعیین تاثیر خاطره گویی بر اضطراب مرگ سالمندان بازنشسته ارتش جمهوری اسلامی ایران در شهر زاهدان انجام شد.

روش بررسی: در این مطالعه نیمه تجربی، ۹۰ بازنشسته بالای ۶۰ سال شرکت داشتند. نمونه گیری به شیوه در دسترس انجام شد سپس نمونه ها به روش تخصیص تصادفی در دو گروه ۴۵ نفره مداخله و کنترل قرار گرفتند. خاطره گویی به مدت ۶ جلسه گروهی دو بار در هفته برای گروه مداخله انجام شد. ابزار گردآوری داده ها فرم اطلاعات فردی و پرسشنامه اضطراب مرگ تمپلر بود. تجزیه و تحلیل داده ها با کمک آمار توصیفی و استنباطی توسط نرم افزار SPSS-21 انجام شد.

یافته ها: میانگین نمره اضطراب مرگ قبل از خاطره گویی در گروه مداخله و کنترل به ترتیب $1/89 \pm 10/37$ و $1/61 \pm 10/17$ بود و بعد از مداخله در گروه مداخله $1/79 \pm 9/09$ و گروه کنترل $1/62 \pm 10/04$ بود. خاطره گویی به طور معنی داری منجر به کاهش اضطراب در گروه مداخله گردید ($P < 0/0001$). اما در گروه کنترل اختلاف معناداری بدست نیامد.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد خاطره گویی بصورت گروهی می تواند اضطراب مرگ سالمندان را کاهش دهد. از آنجایی که سالمندان، علاقمند به بیان خاطرات هستند و خاطره گویی مداخله ای جذاب، ساده و بدون هزینه است می توان از آن در کاهش اضطراب مرگ سالمندان استفاده کرد.

واژه های کلیدی: اضطراب مرگ، سالمند، خاطره گویی، بازنشسته، ارتش



Plasma levels of BAFF and APRIL cytokines and Peripheral Blood B Cell Expression of BAFF/APRIL Receptors in COVID-19 patients

Seyed Kiyam Amini¹, Arezoo Gowhari Shabgah^{2}, Jamshid Gholizadeh Navashenaq³*

1. School of Medicine, Bam university of medical Sciences, Bam, Iran

2. School of Medicine, Bam university of medical Sciences, Bam, Iran

3. Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Introduction: The serious acute respiratory syndrome coronavirus 2 (SARS-CoV-2) is responsible for the latest coronavirus pandemic in 2020. This virus is extremely infectious with unknown pathological mechanisms and causes life-threatening respiratory disease in humans. Immune cells (such as B cell and T cells) responses control acute viral infections. B cell responses remain poorly understood in comparison to T cell studies. Therefore, in this study, we examined BAFF and APRIL plasma concentration and their receptors (BAFFR-TACI-BCMA) as B cells survival and differentiation factors in COVID-19 patients.

Background:

Methods: Blood samples were taken to measure the plasma levels of BAFF and APRIL on the first, seventh and fourteenth days after being infected with Covid-19. Also, blood samples were obtained from healthy people as a control group with consent. BAFF and APRIL plasma concentrations were measured by ELISA method. Demographic characteristics of patients such as age, gender and severity of the disease of Covid-19 were recorded. PBMCs were collected to measure BR3-TACI-BCMA receptors in COVID-19 patients by Flow cytometric staining assay. Ficoll Hypaque density gradient centrifugation technique was used to separate PBMCs from fresh blood containing EDTA. Cells were stained using anti-human monoclonal antibodies FITC-CD19, Per CP5.5-BR3, PE-TACI, APC-BCMA, and related isotypes (Biolegend, USA). Flow cytometric staining was carried out according to the company instructions for cell surface receptors, and data was analyzed using FlowJo 7.6.2 (TreeStar, USA). Gene expression of BAFF, APRIL, and their receptors on B cell surface in PBMCs was evaluated by SYBR Green real-time PCR technique. Data were analyzed using Generalized Estimating Equations (GEE) approach.

Results: In the present study, 120 participants (60 patients and 60 healthy individuals) were enrolled. The average age of the participants was 43.15 ± 13.24 years. Most patients (58.3%) had mild, 33.3% moderate and 8.4% severe COVID-19 disease. The mean serum level of APRIL increased on the seventh day compared to the beginning of the disease and then decreased until the fourteenth day, but these changes and their differences with the control group were not significant. The plasma levels of APRIL were significantly lower in severe than moderate and/or mild COVID-19 patients. The BAFF cytokine increased significantly on the seventh day compared to the

beginning of the disease. Also our results shows that Percentages of B-CD19+ cells, and B cells with TACI and BR3 receptors on the seventh day is higher than the first day and the fourteenth day. Also Percentages of B-CD19+ cells decreased in the severe patient group compared to mild or moderate patients. The gene expression of BAFF in the PBMC population increased during infection but APRIL gene expression significantly decreased in severe patients than moderate and/or mild COVID-19 patients. The gene expression of BR3 increased during COVID-19 infection.

Conclusions: An increase in BAFF and APRIL levels could be the reason for the activation of B lymphocytes, which can improve the disease by increasing antibodies' production. This study suggests that the measurement of APRIL cytokines may be considered as a suitable method for the prognosis of the disease. A decrease in Percentages of B-CD19+ cells in severe patients could be the reason for the reduction of B cell response, which can aggravate the disease by decreasing antibodies' production.

Keywords: COVID-19, BAFF Ligand, APRIL protein, B-Lymphocytes, BAFF Receptors.

بررسی تغییرات خلقی و ارتباط آن با خستگی شغلی و مشارکت کاری در کارکنان واحد ذوب مجتمع

مس سرچشمه

زهره فضلی^۱، هانیه قربانی پاریزی^۲، معظمه محمود آبادی^۲، هانیه حمزه نژاد^۲، نازنین منصوری^۲

۱- گروه بهداشت حرفه ای و ایمنی دانشکده بهداشت، علوم پزشکی ایلام، ایران، دانشجوی دکتری بهداشت حرفه، علوم پزشکی شیراز

۲- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

چکیده

مقدمه: تغییرات خلقی یکی از متداول ترین اختلالات روانی است که یکی از دلایل آن می تواند وضعیت شغلی افراد باشد. خستگی شغلی حالتی است که در یک دوره شغلی پدید می آید و باعث احساس بی انگیزگی میشود. کارکنان با ایجاد فضای مشارکتی، خود را با تغییرات ایجاد شده در محیط کار راحت تر وفق میدهند. هدف از این مطالعه بررسی تغییرات خلقی و ارتباط آن با خستگی شغلی و مشارکت کاری در کارکنان واحد ذوب مجتمع مس سرچشمه بود.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مقطعی، بوده که در سال 1401 بر روی ۱۴۵ نفر از کارکنان واحد ذوب مجتمع مس سرچشمه بصورت تصادفی انجام شده است. جمع آوری داده ها بصورت حضوری و با استفاده از سه پرسشنامه مقیاس اضطراب و افسردگی (HADS)، خستگی شغلی سوئدی (SOFI)، مشارکت کاری و هم چنین پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک انجام شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS 24 تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان داد که کارکنان واحد ذوب دارای اضطراب جدی (۱۱۱ نفر) و افسردگی خفیف (۹۳ نفر) می باشند. بین تمام ابعاد خستگی به غیر از ناراحتی جسمانی با درگیری شغلی همبستگی پیرسون بدست آمد. بین سن و چند مورد از ابعاد خستگی همبستگی بود. یکی از ابعاد خستگی؛ فقدان انگیزش، با سابقه کاری و خواب آلودگی، با افسردگی ارتباط معنی داری داشت. هم چنین بین سن و افسردگی و درگیری شغلی همبستگی اسپیرمن بدست آمد. آنالیز داده ها با نرم افزار SPSS انجام شد.

نتیجه گیری: نتایج بیانگر وجود اضطراب جدی و افسردگی خفیف در میان کارکنان واحد ذوب بود؛ که علت این نتایج می تواند دلیل وجود سختی کار زیاد به دلیل ماهیت کار در صنایع ذوب و ریخته گری، هم چنین شرایط محیط کار، ناسازگاری روحی کارکنان، نارضایتی شغلی، اضافه کاری و نوبت کاری در شیفت های مختلف و استرس باشد. هرچقدر انرژی کارکنان کمتر باشد علاقه کمتری به درگیری شغلی (مشارکت کاری) نشان می دهند و ناراحتی جسمانی کارکنان در درگیری شغلی آنها تاثیر گذار نمی باشد. با مدیریت و کنترل استرس از طریق شناسایی منابع و کنترل آنها می توان به میزان قابل توجهی از میزان آن در محیطهای شغلی کاهش داد و درگیری شغلی را بیشتر کرد.

واژه های کلیدی: تغییرات خلقی، خستگی شغلی، مشارکت کاری، مجتمع مس سرچشمه

Predictors of death anxiety, death obsession and life expectancy in health team members following the covid 19 pandemic

*Fatemeh Baniasadi*¹, *Fatemeh Yazdanpanah*², *Mansour Arab*³, *Masoomah Ghasemi*⁴, *Ali Radfar*⁵, *Faezeh Rezaeifard*⁶, *seyed mojtaba mortazavi*⁷

¹Professional Ph.D. student General medicine School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

²Department of Medicine, Faculty of Psychiatry, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran.

³Physiology Research Center, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.

⁴Department of Medicine, Faculty of Pediatrics, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran.

⁵Department of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran.

⁶Laboratory Sciences Student •Research and Technology Committee•School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

⁷Master of Microbiology, Research Center for Non-communicable diseases•Bam University of Medical Sciences• Bam•Iran

Abstract

Background: The rapid spread of the COVID-19 and the critical and anxiety-provoking conditions have faced the treatment team with mental health problems. Anxiety and obsession with death and despair are among the most important problems that affect the quality of the treatment team's performance. This study was conducted with the aim of investigating the level of death anxiety, death obsession and life expectancy in health team members following the corona virus epidemic.

Methods: In this descriptive-analytical study, 300 members of the treatment team of Pasteur Hospital in Bam were selected by census sampling method. The data were collected using the death obsession, death anxiety and life expectancy questionnaires and analyzed using Spss25 software and descriptive and inferential statistics (Mann Whitney and Kruskal Wallis).

Results: The results showed that 86% of the participants were female and the most age group was 20 to 29 years old. There was a significant relationship between age groups and the mean score of death obsession and life expectancy. There was a significant relationship between the level of education and the mean score of death anxiety and employment status with the mean score of death obsession, death anxiety and life expectancy. The history of corona infection and the type of vaccine had a significant relationship with the average score of life expectancy.

Conclusions: The results of the study indicated that there is a high level of death anxiety and death obsession among the treatment team in relation to the corona virus epidemic. Also, their life expectancy is low.

Keywords: COVID-19, Death Anxiety, Death Obsession, Life Expectancy, Healthcare providers

تأثیر بادکش درمانی بر کمر درد غیر اختصاصی در سالمندان مراجعه کننده به کلینیک طب ایرانی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

علی سرحدی نژاد^۱، عصمت نوحی^۲، عالیه حلمی^۳، زهره سرحدی نژاد^۴*

^۱ مرکز تحقیقات پرستاری، پرستاری، داخلی جراحی، دانشکده پرستاری مامایی رازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان

^۲ بخش پرستاری داخلی و جراحی، مرکز تحقیقات پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

^۳ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

^۴ مرکز بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

آدرس نویسنده مسئول: بیرجند-میدان سرداران شهید بلوار شهید بهشتی تلفن ۰۳۴۴۴۳۴۰۸۴۷

چکیده

مقدمه: در افراد مسن شیوع درد به طور معنی داری بالا است و بیشتر افراد مسن در طول زندگی خود آن را تجربه کرده اند. درد شایعترین دلیل جستجوی جایگزین های درمانی نسبت به داروی معمولی است. این مطالعه با هدف تعیین تاثیر بادکش درمانی (حجامت خشک) بر کمر درد غیر اختصاصی در سالمندان مراجعه کننده به کلینیک طب ایرانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۴۰۱ طراحی شده است.

روش کار: این مطالعه یک پژوهش مداخله ای از نوع کار آزمایی بالینی است. جامعه مطالعه شامل کلیه بیماران سالمند مراجعه کننده به کلینیک طب ایرانی وابسته به دانشگاه علوم پزشکی کرمان هستند. نمونه پژوهش $n=70$ سالمند مبتلا به درد عضلانی اسکلتی ناحیه کمر بودند. جهت کور سازی، همکار طرح در پروسه درمان و در پروسه تجزیه و تحلیل داده دخیل نبودند به روش تصادفی ساده و با استفاده از پاکتهای سربسته بیماران را در دو گروه ۳۵ نفره (مداخله و کنترل) قرار دادند. داده ها با استفاده از دو چک لیست که اولی اطلاعات دموگرافیک و شرح حال اولیه ی بیمار و دومی شدت درد را براساس معیار VAS از ۰-۱۰ و عوارض احتمالی طی مدت درمان در آن ثبت می شد. آنالیز داده ها با استفاده از آزمون های تی زوجی و مستقل با نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بیشترین فراوانی محدوده سنی سالمندان در گروه مورد و شاهد ۶۶ الی ۷۱ سال می باشد. فراوانی و درصد زنان با ۲۱ (۶۰٪) و ۲۰ (۵۷.۱۵٪) در گروه مورد و شاهد بیشتر است بیشترین فراوانی و درصد تحصیلات بیماران در گروه مورد و شاهد به ترتیب زیردپلم و دیپلم می باشد. فراوانی و درصد وضعیت اقتصادی بیماران در دو گروه مورد و شاهد متوسط است. شدت درد در سالمندانی که از روش بادکش درمانی خشک استفاده کرده اند به صورت نزولی می باشد و از میانگین شدت درد

ورودی ۸، به شدت درد با میانگین ۱ در روز دهم رسیده است. در گروه شاهد شدت درد در زمان ورود و زمان اتمام دوره ۱۰ روزه تغییر محسوسی نکرده است.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج بدست آمده می توان این روش را به عنوان روشی به صرفه و قابل اجرا برای سالمندان و سایر افراد نیازمند که از کمر درد غیراختصاصی رنج می برند در کلینیک های درمانی ارتوپدی در نظر گرفت و باعث ارتقا و بهبود شرایط جسمی و روانی سالمندان و سایر افرادی که از کمر درد غیراختصاصی رنج می برند، شد. مسئولین و سیاست گذاران نظام سلامت باید توجه ویژه ای به جمعیت سالمند در حال افزایش برای جبران کمبود منابع مالی و انسانی در حوزه نظام سلامت، داشته باشند.

واژه های کلیدی: بادکش درمانی خشک، درد اسکلتی-عضلانی، کمر درد غیر اختصاصی، سالمندان، طب ایرانی

شناسایی دلایل تمایل اندک به فرزندآوری در اساتید دانشگاه های شهرستان بم

علی شیبانی زاده^۱، آیدا نعمتی^۲، علیرضا جعفری^۳، سعید میرزائی^۴، نعیمه پورطاهری^۵، نادیا ارومیه ای^{۶*}

۱. دانشجوی مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.
۲. دانشجوی مامایی دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.
۳. دانشجوی پرستاری دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.
۴. استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.
۵. استادیار مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.
۶. استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران.

چکیده

مقدمه: به طور کلی می توان کشورها را براساس نرخ کلی زاد ولد و تفاوت های فرهنگی به دو گروه تقسیم نمود. گروه اول شامل اکثر کشور های اروپای غربی که نرخ زادولد آنها بالای ۱.۵ می باشند. این کشورها با تفکرات لیبرال، از سطح بالای برابری جنسیتی در خانواده و تسهیلات گسترده اجتماعی حامی خانواده بهره مند هستند. در حالی که کشورهای گروه دوم به طور مشترک نرخ زاد ولد کمتر از ۱.۵، با ارزش های قوی خانواده هستند که خانواده و دولت دو نهاد منفک از هم تلقی شده و خدمات اجتماعی ضعیفی در دسترس خانواده ها وجود دارد. این کشورها سیاست های مختلفی را در جهت افزایش جمعیت در پیش گرفته اند که بسیاری از این سیاست ها نتیجه مطلوب را به همراه نداشته است. ایران یکی از این کشورهاست که علی رغم اتخاذ سیاست های افزایش فرزندآوری، شواهد حاکی از دستاورد اندک این سیاست ها بویژه در میان اقشار تحصیل کرده می باشد. لذا مطالعه حاضر باهدف تبیین دلایل تمایل اندک به فرزندآوری در اساتید دانشگاه های شهرستان بم انجام شده است.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه کیفی، موردی^۶ است. جامعه پژوهش، شامل کلیه اساتید دانشگاه های شهرستان بم با تعداد فرزند کمتر از نرخ جایگزینی می باشند. شیوه نمونه گیری این مطالعه، نمونه گیری هدفمند^۷ با استراتژی گلوله برفی^۸ است. نمونه پژوهش شامل کلیه اساتید بدون فرزند، یک یا دو فرزند بودند. ابزار جمع آوری داده مصاحبه نیمه ساختارمند بود. در مجموع با تعداد ۲۲ مصاحبه، داده ها به اشباع رسید. جهت تحلیل داده ها از تحلیل محتوای قراردادی^۹ استفاده شد.

یافته ها: یافته های این پژوهش شامل ۸ کد اصلی متشکل از چالش های مرتبط با تحصیل و شغل، چالش های جسمی، دلایل شخصی، چالش های ساختاری، چالش های اقتصادی و مادی، چالش های اجتماعی، چالش های مرتبط با آینده، چالش های مرتبط با تغییرات پارادایمی می باشد و ۲۳ کدهای فرعی شامل مشغله های شغلی، ورود دیر هنگام به بازار کار، اولویت تحصیل در مقاطع تکمیلی، سن بالا و توان جسمی و روانی کمتر، مشکلات پزشکی فرزندآوری در سنین بالای ۳۵ سال، ترس از دوران بارداری، ازدواج دیر هنگام، عدم تمایل درونی، کمبود خدمات رفاهی دانشگاهی در حمایت از فرزندآوری، نظام آموزشی بارویکرد تربیت نیروی انسانی،

⁶ Case study

⁷ Purposive Sampling

⁸ Snowball

⁹ conventional content analysis

سیاست های فرزندآوری نامناسب، عدم حمایت کافی نظام سلامت از زنان و فرزندان، عدم ثبات هزینه ها، درآمد ناکافی هیئت علمی، عدم دسترسی به امکانات کافی، محیط اجتماعی نامناسب، عدم حمایت کافی جامعه از خانواده، نگرانی از آینده فرزند، امید اندک به آینده، شکاف بین نسلی، فرزندآوری کمتر به عنوان یک ارزش، تغییر مفهوم سوژگی فرزند، تغییر پارادایم معنای زندگی و هویت زن در جامعه امروز می باشند.

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش حاکی از تاثیرات چالش های مختلف در تمایل اندک اعضای هیئت علمی به فرزندآوری می باشد. به نظر می رسد با انجام مداخلات کوتاه مدت مانند ارائه تسهیلات رفاهی، مداخلات میان مدت مانند بهبود شرایط اقتصادی و سیاستگذاری بلند مدت در زمینه اصلاح تغییرات پارادایمی، می توان موجبات افزایش تمایل به فرزندآوری را در بین اقشار تحصیل کرده جامعه ایران فراهم نمود. لازم به ذکر است باتوجه به محدودیت زمانی پنجره فرصت جمعیتی و اهمیت افزایش جمعیت در بافتار کنونی ایران، این موضوع نیازمند توجه ویژه سیاستگذاران و تصمیم گیران ملی، استانی و محلی می باشد.

واژه های کلیدی: تمایل اندک به فرزندآوری، سیاست های پروناتالیست، اساتید دانشگاه، بوم، ایران.

بررسی عوامل مؤثر بر پاسخ کامل پاتولوژیک در بیماران کانسر پستان تحت درمان با نئوآدجوانت

کموترابی

مریم دلدار فروتقه^{۱*}، رباب انببائی^۲، معصومه کشوری^۳

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲- دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران

۳- بیمارستان مهدیه، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: شیمی درمانی نئوآدجوانت برای درمان تومورهای پیشرفته یا غیرقابل برداشت سرطان پستان استفاده می شود و امکان جراحی حفظ پستان را افزایش می دهد. شواهدی وجود دارد که پاسخ کامل پاتولوژیک بعد از شیمی درمانی نئوآدجوانت احتمال عود را کاهش و بقا را افزایش می دهد، هدف از این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر پاسخ کامل پاتولوژیک در بیماران سرطان پستان تحت درمان با نئوآدجوانت کموترابی بود.

روش کار: در این مطالعه گذشته نگر از پرونده بیماران مبتلا به سرطان پستان که از سال ۱۳۸۹ تا سال ۱۳۹۸ به بخش شیمی درمانی بیمارستان مهدیه تهران مراجعه کرده و تحت درمان نیوآدجوانت کموترابی قرار گرفته بودند استفاده شد و دیتای لازم از پرونده بیماران استخراج گردید. کلیه این بیماران پس از شیمی درمانی نیوآدجوانت تحت جراحی پستان قرار گرفتند و نمونه بافت پستان و اگزایلا به پاتولوژی ارسال شده بود، بیمارانی که در نمونه ارسالی هیچ گونه باقیمانده توموری نداشتند در گروه پاسخ کامل پاتولوژیک قرار گرفتند. متغیرهای مربوط به بیمار شامل سن و شاخص توده بدنی در زمان تشخیص، وضعیت منوپوز، متغیرهای مربوط به بیماری شامل اندازه تومور، هیستولوژی تومور، گرید تومور، وضعیت گیرنده های استروژن و پروژسترون و HER2، درصد Ki-67 و ساب تایپ-های فنوتیپیک بودند. داده ها با استفاده از آمار توصیفی، آزمون خی دو و رگرسیون لجستیک با استفاده از نرم افزار SPSS.ver24 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند، معناداری در این مطالعه کمتر از ۰.۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: فراوانی پاسخ کامل پاتولوژیک در بیماران با گیرنده استروژن منفی بطور معناداری بیشتر از بیماران با گیرنده استروژنی مثبت بود (55.7%, p<0.001)، در بیماران با گیرنده پروژسترون منفی نیز پاسخ کامل پاتولوژیک به طور معناداری بیشتر از بیماران با گیرنده منفی بود (52.4%, p<0.001). در بیماران دارای Ki-67 بیشتر از ۵۱ پاسخ کامل پاتولوژیک به طور معناداری بیشتر بود (52.5%, p=0.004)، بیماران دارای نمره HER2=3 بطور معناداری پاسخ کامل پاتولوژیک بیشتری داشتند (55.4%, p<0.001) و هر چه گرید بیماری بالاتر بود به طور معناداری پاسخ کامل پاتولوژیک بیشتر مشاهده شد (p=0.015). در ساب تایپ های بیماری نیز ترکیب HER2+/ER- با (70%, p<0.001)، HER2+/PR- با (70.3%, p<0.001) و به طور معناداری بالاتر از دیگر ترکیبات ساب تایپ ها بود.

نتیجه گیری: در مطالعه ما، میزان پاسخ کامل پاتولوژیک با سایر مطالعات مطابقت دارد. بسیاری از بیماران به دنبال نئوادجوانت کموتراپی بیماری باقیمانده دارند که نشان دهنده بقای کمتر یا خطر عود است، بنابراین تعیین عوامل مؤثر بر پاسخ کامل پاتولوژیک می تواند به پزشکان در تصمیم گیری های درمانی کمک کند.

واژه های کلیدی: سرطان پستان، شیمی درمانی نئوادجوانت، پاسخ کامل پاتولوژیک، پیش بینی

تأثیر ژل رویال بر میزان باروری افراد نابارور (یک مطالعه مروری سیستماتیک)

اکبر خسروانی پور^{۱*}، زهرا امیری^۲، افسانه چاوشانی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران

۲- دانشجوی کارشناسی، کمیته تحقیقات دانشجویی، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم

پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران

۳- استادیار، گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت و پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایرانشهر، ایرانشهر، ایران

چکیده

مقدمه: امروزه بدلیل پیشرفت های صنعتی و مواجهه با انواع آلاینده های نوظهور میزان ناباروری در میان زنان و مردان جوان رو به افزایش است و جمعیت جهانی به سوی مسن شدن پیش می رود. اما پیشرفت های بیوتکنولوژی هم نشان داده است که می توان از این صنعت در جهت کاهش ناباروری های زودرس استفاده کرد. در این مطالعه مروری سیستماتیک به بررسی تأثیر ژل رویال (ژل زنبور عسل) به عنوان یک محصول بیولوژیکی بر میزان قدرت باروری زنان و مردان پرداخته شده است.

روش کار: به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نظر، به کمک کلید واژه های انگلیسی انسان، باروری، ناباروری، ژل رویال و معادل فارسی آنها به جستجوی در پایگاه های علمی لاتین PubMed, Scopus, Google scholar, Sciencedirect, WOC همراه پایگاه های اطلاعاتی فارسی سیویلیکا، SID و Magiran پرداخته شد. در جستجوی اولیه تعداد دویست مقاله یافت شد که تنها ۴۰ مقاله ویژگی های مطالعه مورد نظر ما را دارا بودند.

یافته ها: یافته های بدست آمده نشان داد که ژل رویال به عنوان یک دارو و مکمل غذایی به دلیل غنی بودن از ویتامین ها و مواد مغذی می تواند تأثیر شگفت انگیزی بر افزایش قدرت باروری زنان و مردان داشته باشد. این نتایج حاکی از آن بود که دوز بهینه مکمل ژل رویال به صورت میلی گرم در روز در یک مدت زمان مشخص می تواند اثرات جانبی ناشی از عوامل ناباروری در مردان و زنان (سن بالا، استرس، فشارهای روانی، کمبود ویتامین E، بیماری های ژنتیکی، اختلال هورمون های جنسی، اضافه وزن و مواجهه با سموم و آفت کش ها) را کاهش دهد. این ژل بدلیل دارا بودن خواص آنتی اکسیدانی و ضد التهابی از آسیب سلول های سیستم تولید مثل زنان و مردان، جلوگیری می کند. فیتواستروژن های موجود در آن باعث تقویت آرام باروری می شوند. این ماده نه تنها در زنان باعث تنظیم سیکل قاعدگی و رفع تنبلی تخمدان ها می شود، بلکه گزارش ها نشان می دهد که باعث بهبود کلی هورمون های جنسی مردانه، تحرک، زنده ماندن، بلوغ و افزایش تعداد اسپرم در مردان نیز می گردد.

نتیجه گیری: بطور کلی نتایج بدست آمده نشان داد استفاده از دوزهای متوسط و بهینه ژل رویال می تواند جنبه های مختلف باروری را بهبود بخشد و به ارتقاء موفقیت آمیز باروری در زوج های با مشکل باروری کمک کند.

کلید واژه ها: ژل رویال، باروری، ناباروری، دوز بهینه

تجارب زیسته مادران در بخش مراقبت های ویژه نوزادان از عوامل موثر بر خواب: یک مطالعه کیفی تحلیل محتوای جهت دار

الهام خادم حمزه بی^۱

دانشجوی کارشناسی کاردرمانی، مرکز پژوهش دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی همدان، همدان، ایران

چکیده

مقدمه: بستری نوزاد در بخش مراقبت های ویژه نوزادان (NICU)، پتانسیل تشدید اضطراب و استرس را برای مادران دارد. مادران ساعت های طولانی و گاهی چند روز را بطور مداوم در محل بستری شیرخوار خود سپری می کنند. مطالعه ای با هدف تبیین تجارب زیسته مادران در بخش مراقبت های ویژه نوزادان از عوامل موثر بر خواب انجام شد، تا با شناخت بیشتر عوامل مثبت و منفی تاثیرگذار در کیفیت خواب آنها گامی در جهت ارتقاء کیفیت خواب این مادران باشد.

روش کار: این مطالعه کیفی با روش پدیدار شناسی توصیفی، با مشارکت ۱۶ مادر در بخش مراقبت های ویژه نوزادان در بیمارستان فاطمیه وابسته به دانشگاه علوم پزشکی همدان در بهمن ماه سال ۱۴۰۱ انجام شد. نمونه گیری هدفمند بود. داده ها از طریق مصاحبه نیمه ساختار یافته و پرسش نامه مشخصات فردی جمع آوری شدند. مصاحبه ها ضبط و سپس پیاده سازی و کتبی شد و با استفاده از روش کلاسیکی تحلیل شد.

یافته ها: نتایج حاصل از مطالعه حاضر شامل ۱۶۸ کد اولیه، ۱۹ طبقه فرعی و ۸ طبقه اصلی می باشد. مفاهیم اصلی استخراج شده از تجربه خواب مادران در این مطالعه تم فردی: عوامل جسمی، عوامل روحی و روانی، تطابق با شرایط، تم محیط عوامل: فیزیکی، اجتماعی و اقتصادی، در تم اکوپیشن: فعالیت ها، و وظایف طبقات آن ها را تشکیل داد.

نتیجه گیری: براساس نتایج مطالعه حاضر، عوامل فردی و محیطی و اکوپیشن در خواب مادران بخش مراقبت های ویژه نوزادان اثر گذار است. این یافته ها فهم ما را در رابطه با تجربیات مادران از خواب افزایش می دهد و اهمیت توجه به این عوامل را در پیشگیری و درمان اختلالات کیفیت خواب در مادران نوزادان در پژوهش و بالین برجسته می سازد.

واژه های کلیدی: خواب، تجربه زیسته، مادر، بخش مراقبت های ویژه نوزادان، مطالعه کیفی



Non-coding RNAs: An emerging player in particulate matter 2.5-mediated toxicity

Seyed Mohsen Aghaei-Zarch¹, Hassan Rasoulzadeh²,

Department of Medical Genetics, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Exposure to air pollution has been connected to around seven million early deaths annually and also contributing to higher than 3 % of disability-adjusted lost life years. Particulate matters (PM) are among the key pollutants that directly discharged or formed due to atmospheric chemical interactions. Among these matters, due of its large surface area, PM_{2.5} may absorb a different harmful and toxic substances. One of the outcomes of such environmental disturbance is oxidative stress which affects cellular processes including apoptosis, inflammation, and epithelial mesenchymal transition. Non-coding RNAs (ncRNA) such as, miRNAs, lncRNAs, and circRNAs are classified as non-protein coding RNA's. Over the past few years these small molecules have been gaining so much attention since they participate in variety of physiological and pathological processes and their expression change during disease periods. Regarding epigenetic properties, ncRNAs play an important function in organism's response to environmental stimulus. In this manner, it was revealed that exposure to PM_{2.5} may cause epigenetic reprogramming, such as, ncRNAs signature's alteration, which can be effective concerning pathophysiology state. In this review, we describe PM_{2.5} impact on ncRNAs and excavate its roles in toxicity caused by PM_{2.5} (1, 2).

Keywords: PM_{2.5}; Noncoding-RNA; Toxicity

تولید سوخت از منسوجات به روش پیرولیز: یک مطالعه روایتی- مروری

رعنا رشیدی طاشکوئی، حسن رسول زاده سغایش، صغری سیدرضایی، فهیمه مشایخی مزار، کامبیز زارع خفری، یاسمن سیفی

چکیده

مقدمه: سالانه میلیون ها تن پسماند در سراسر دنیا تولید می شود که در این بین منسوجات بخش قابل توجهی از این پسماند ها را به خود اختصاص داده است. برآورد های جهانی حاکی از آن است که سالانه ۶۵ تا ۹۲ میلیون تن منسوجات با روش های مختلف دفع می گردد و کمتر از ۲۰ درصد از این مقدار بازیافت می شود. در حالیکه بیش از ۹۵ درصد آن می تواند مورد استفاده مجدد یا بازیافت قرار گیرد. بر اساس تجزیه و تحلیل اقتصادی و زیست محیطی فعلی جریان زباله های نساجی، ضایعات نساجی به تنهایی می تواند منبع امیدوارکننده ای از انرژی های تجدید پذیر باشد. روش های مختلفی برای مدیریت انرژی نهفته در زباله های نساجی استفاده می شود. در این مقاله طبق مطالعات انجام شده در زمینه بازیافت انرژی موجود در منسوجات به روش پیرولیز به عنوان یک فرایند ترمو شیمیایی که مواد اولیه ضایعاتی با ماهیت ناهمگن و پیچیده را به محصولاتی با ارزش افزوده تبدیل می کند مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است.

روش کار: این مطالعه مروری بر اساس پروتکل پریزما و جستجو در پایگاه های بین المللی (PubMed, Google Scholar, Scopus, Science Direct) انجام شد. با توجه به استراتژی PICOS، تمام مقالات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی تا آوریل ۲۰۲۳ با استفاده از کلمات کلیدی "fuel"، "textiles"، "pyrolysis" و ترکیب این کلمات جستجو و مقالات انتخاب شده با چک لیست PRISMA مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داد که در میان پلتفرم های مدیریتی-فنی مختلف برای دفع منسوجات، فرایند پیرولیز می تواند گزینه ای امیدوار کننده در نظر گرفته شود، زیرا در این فرایند ضایعات جامد مبتنی بر کربن به محصولاتی در سه فاز شامل، زغال سنگ (جامد)، روغن پیرولیتیک (مایع)، و انواع محصولات گازی تبدیل می شود. براساس یافته های مطالعات انجام شده، در فرایند پیرولیز، انتخاب بسترها در دمای پایین با ویژگی های حرارتی زباله، گرمای احتراق یا تجزیه و تحلیل فنی پایه که محتوای خاکستر، مواد فرار و کربن ثابت را تعیین می کند، مرتبط است. در حالت کلی، در مقایسه با سایر روش های حرارتی، با اینکه پیرولیز نیاز به انرژی اولیه دارد اما فرایند بطور قابل توجهی از نظر زیست محیطی ایمن تر است.

نتیجه گیری: پیرولیز بعنوان یکی از انعطاف پذیرترین، تمیزترین و راحت ترین روش برای مدیریت پسماند های آلی از نظر انتشار آلاینده های مضر و نیز افزودن ارزش اضافی به ضایعات شناخته شده است. طبق مطالعات انجام شده بازیافت انرژی موجود در پسماندهای نسجی با استفاده از روش پیرولیز، به طور کلی اثرات زیست محیطی را در مقایسه با روش هایی مانند سوزاندن و لندفیل کاهش می دهد.

واژه های کلیدی: تولید سوخت، پسماند، منسوجات، روش پیرولیز

بررسی تاثیر آموزش مجازی بر کیفیت زندگی و افسردگی بیماران مبتلا به دیابت نوع دو

رحیمه حسینی^{۱*}، سمیه مؤیدی^۱، ندا محمدی نیا^۱، صدف کریمی^۲، نرجس الهی^۲

۱. گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران rhoseini0098@gmail.com

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران karimisadaf2013@gmail.com

مقدمه: دیابت نوع دو بیماری مزمنی است که در جهان به سرعت در حال پیشرفت است و اخیراً در ایران نیز به دنبال رژیم غذایی ناسالم و کم تحرکی شیوع بیشتری پیدا کرده است. این بیماری مبتلایان را با چالش های متعددی چون کیفیت زندگی پایین و افسردگی بالا مواجه کرده است. بر همین اساس هدف مطالعه ی حاضر، تعیین تأثیر آموزش مجازی در بیماران دیابت نوع دو بر کیفیت زندگی و افسردگی آنها در شهر بم می باشد.

روش کار: در این پژوهش نیمه تجربی، ۹۶ بیمار مبتلا به دیابت نوع دو مراجعه کننده به بیمارستان پاستور که به شیوه در دسترس انتخاب شده بودند وارد مطالعه شده و به صورت تصادفی به دو گروه مداخله (۴۹) و کنترل (۴۷) تقسیم شدند. در گروه مداخله، پس از تثبیت حال عمومی بیمار در زمان بستری، فرم نیازسنجی فردی (تعیین اهداف، شناسایی موانع و حل مسئله) پر شد و بر اساس آن ۳ جلسه آموزش مجازی با اپلیکیشن روبیکا و با موضوعات رعایت رژیم دیابتی، طریقه ی مصرف داروها، چک قند خون با دستگاه گلوکومتر و تزریق صحیح انسولین را دریافت کردند. این بیماران به مدت هشت هفته به صورت تلفنی و در اپلیکیشن روبیکا پیگیری شدند. گروه کنترل در طول این مدت آموزش بالینی و روتین بخش را دریافت کردند. داده ها با استفاده از پرسشنامه کیفیت زندگی بیماران دیابتی و پرسشنامه افسردگی بیمارستانی جمع آوری گردیده و با استفاده از آزمون های تی مستقل، کای دو، فیشر و تحلیل واریانس با اندازه گیری های مکرر تحت نرم افزار SPSS نسخه ۲۰ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد شاخص های کیفیت زندگی و افسردگی قبل از آموزش در دو گروه کنترل و مداخله با یکدیگر اختلاف معنادار آماری نداشتند ($p > 0.05$)، اما بعد از آموزش هر دو شاخص کیفیت زندگی و افسردگی اختلاف معنادار آماری در دو گروه کنترل و مداخله را نشان دادند ($p < 0.05$). میانگین و انحراف معیار شاخص کیفیت زندگی در گروه مداخله به ترتیب (45.67 ± 8.02) و (29.38 ± 11.12) و در گروه کنترل قبل و بعد از مداخله به ترتیب (51.63 ± 8.18) و (53.59 ± 12.40) بود. میانگین و انحراف معیار شاخص افسردگی نیز در گروه مداخله نیز به ترتیب (11.12 ± 3.03) و (5.16 ± 3.65) و در گروه کنترل قبل و بعد از مداخله به ترتیب (10.85 ± 2.96) و (11.63 ± 2.91) بود.

نتیجه گیری: با توجه به یافته ها، آموزش مجازی می تواند به عنوان یک شیوه آموزشی نوین و مکمل که تا حد زیادی هم مورد قبول بیماران است همراه با آموزش های بالینی جهت ارتقاء مراقبت های بالینی در نظر گرفته شود.

کلید واژه ها: دیابت نوع دو، کیفیت زندگی، افسردگی، آموزش مجازی

The effect of encapsulated ciprofloxacin on *Staphylococcus epidermidis* RP62A biofilm

Elham Isaei^{*1,2}, *Davood Kalantar-Neyestanaki*³, *Mohsen Hajizadeh*⁴, *Seyed Kiyam Amini*⁵

1. Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University Of Medical Sciences, Bam, Iran

2. Department of Medical Microbiology (Bacteriology and Virology), Afzalipour Faculty of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

3. Medical Mycology and Bacteriology Research Center, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

4. School of Medicine, Bam university of medical Sciences, Bam, Iran

5. School of Medicine, Bam university of medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: Biofilm formation is one of the important mechanisms of pathogenicity in staphylococci. In addition, antibiotic resistance in these bacterial biofilm causes persist and chronic infections. Niosomes are bilayer structures in nano-size. The aim of this study is preparation the niosomal form of ciprofloxacin to investigate its effect on the growth and biofilm against standard strain (*Staphylococcus epidermidis* RP62A) in compare to ciprofloxacin alone.

Methods: This is an experimental study. Niosome was prepared using dehydration-rehydration technique and ciprofloxacin was encapsulated in niosome with 4 mg/ml concentration. The vesicle size of niosome was conducted using light microscope equipped with camera. The size of niosomes was measured by static laser light diffraction method in a Malvern particle analyzer. The particle size and drug release rate of each formulation was determined. The minimum inhibitory concentration (MIC) and minimum biofilm eradicate concentration (MBEC) of different concentrations of ciprofloxacin was investigated alone and in Niosomal form against *S. epidermidis* RP62A.

Results: The best and efficiency formulation was prepared for loading drug containing Span 40, Tween 40 and concentration of 30% (70:30) cholesterol in the form of small unilamellar vesicles (SUV). The MIC value of encapsulated ciprofloxacin was reduced in compare to ciprofloxacin alone (1 to 0.25). In addition, MBEC value of encapsulated ciprofloxacin was reduced in compare to ciprofloxacin alone (128 to 32). These values were reduced significantly for encapsulated form 4 fold in compared to the drug alone ($p < 0.05$).

Conclusions: Therefore, due to the high antibiotics resistance of biofilm form of *S. epidermidis*, encapsulating the effective drugs increases the stability and penetration of the drugs into the organism and the structure of the biofilm in biofilm forming staphylococci.

Keywords: biofilm, MIC, MBEC, ciprofloxacin, niosome

عنوان اصلی: بررسی تطبیقی برنامه کارشناسی پرستاری در ایران، انگلستان و کانادا

علیرضا رجالی^{۱*} - مهدیه سرحدی^{۱۱} - محمد هاشمی^{۱۲}

۱_دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران
۲_استادیار دانشکده ی پرستاری و مامایی زاهدان، عضو مرکز تحقیقات پرستاری جامعه، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران
۳_دانشجوی کارشناسی بینایی سنجی، دانشکده علوم توانبخشی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، ایران

چکیده :

مقدمه و هدف: برنامه درسی از عناصر کلیدی آموزش عالی برای انتقال دانش، نگرش و مهارت به دانشجویان به شمار می آید که نیازمند تحلیل و بازنگری مداوم می باشد. لذا مقایسه نظام های مختلف آموزشی باعث ارتقای محتوی و کیفیت برنامه آموزشی شده و توجه به نظام های موفق جهان، مبین نهادینه شدن یک نظام کارآمد می باشد. لذا این مطالعه با هدف مقایسه برنامه کارشناسی پرستاری در ایران، انگلستان و کانادا و ارائه پیشنهادات عملی جهت بهبود کیفیت آن انجام شده است.

روش ها: در این پژوهش توصیفی -تطبیقی (مقایسه ای)، عناصر اصلی و شاخص های مهم برنامه درسی دانشکده های پرستاری ایران، انگلستان و کانادا که به صورت هدفمند انتخاب شده بودند، بر اساس الگوی Beredy مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت .

یافته ها : بر اساس یافته های پژوهش، اهداف کلی و محتوای آموزشی در تمامی برنامه های مورد مطالعه تا حدودی مشابه بود ، اما سازماندهی و تدوین محتواها از یک طرف و نحوه، میزان و نوع پرداختن به آن ها متفاوت بود که در نتیجه، محتواهای متفاوتی را ایجاد نموده بود. علاوه بر این ، با وجود شباهت های بسیار در تکنیک های مورد استفاده در تدریس و ارزشیابی، تفاوت های بسیاری نیز بسته به سطح و اهداف برنامه ملاحظه شد.

نتیجه گیری : به نظر می رسد اگرچه برنامه آموزشی ایران در مقایسه با برنامه های آموزشی مورد مطالعه از جایگاه بدی برخوردار نیست، اما به منظور رفع کاستی ها و نقایص آن، مواردی مانند انتخاب اهداف، گزینش دانشجویان، پژوهش، روش های تدریس و ارزشیابی تئوری و عملکرد باید مورد بازبینی و اصلاحات جدی قرار گیرد.

کلید واژه ها :مطالعه تطبیقی، برنامه ی آموزشی، کارشناسی پرستاری، الگوی Beredy

مطالعه ی واکسن های بر پایه ی نانو در جهت پیشگیری، تشخیص و درمان عفونت های تنفسی کووید

۱۹ ناشی از ویروس SARS-CoV-2

کیانا غفاری نژاد^۱، فایزه حبیب زاد^{۲*}

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، کرمان، ایران

۲. کارشناس ارشد، گروه نانو تکنولوژی پزشکی، دانشکده فناوری های نوین پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: استفاده از بیوداروهای متنوع و واکسن ها از شناخته شده ترین روش ها در مقابله با ویروس ها می باشند. واکسن های حاوی ویروس ضعیف شده یا زنده می توانند به دلیل احتمال بازگشت پاتوژن در بدن خطر ایمنی ایجاد کنند، از طرفی واکسن های ویروسی غیرفعال نیز پاسخ های ایمنی قوی و پایدار ایجاد نمی کنند. کووید ۱۹ به عنوان نوعی بیماری عفونی ناشی از ویروس (SARS-CoV-2) در چند سال اخیر منجر به ایجاد سندرم حاد تنفسی، واکنش حاد التهابی سیستم تنفسی، آسیب عروقی، میکروآنژیوپاتی، رگزایی و ترومبوز گسترده در مردم سراسر جهان گردید. روند عملکرد این ویروس از طریق عفونت دستگاه تنفسی فوقانی، شروع تنگی نفس و ذات الریه، بدتر شدن علائم بالینی و به دنبال آن حالت فوق التهابی و مرگ یا بهبودی بررسی گردید. بهره مندی از علم نانوتکنولوژی و همراه شدنش در طراحی واکسن ها در بحث پیشگیری و درمان بیماری کووید ۱۹ بسیار ارزشمند بود. از اینرو در جهت تشخیص ویروس، ساخت حسگرهای زیستی و درمان بیماری های تنفسی از نانوذرات فلزی، نانولوله های کربنی، نانوذرات پلیمری و گرافن استفاده گردیده است.

روش کار: با بررسی بانک های اطلاعاتی Pubmed, Google scholar, SID و کلیدواژه های کووید ۱۹؛ SARS-CoV-2؛ واکسن؛ عفونت های ویروسی تمامی مقالات هم راستا با هدف مطالعه مورد بررسی قرار گرفتند از ۵۰ مطالعه ای که مورد بررسی و غربالگری قرار گرفت تعداد ۱۷ مطالعه براساس روش مطالعه مروری انتخاب و مورد ارزیابی و تحلیل قرار گرفتند جستجوی مقالات در محدوده زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳ انجام گردیده است.

یافته ها: با بررسی تاثیرات عملکردی نانوپارتیکل ها مشاهده شد که آنها دارای پتانسیل بالا برای تولید واکسن، رساندن داروهای ضد ویروسی به بدن و فعال کردن ایمنی ذاتی و سازگار هستند. در بحث پیشگیری، ایمنی و درمان بیماری های تنفسی واکسن های متنوع مبتنی بر نانوپارتیکل ها از جمله آنفولانزای H1N1 (پلی گاما گلوتامیک اسید، کیتوزان، فریتین، طلا)، ویروس سنسیشیال تنفسی

(پلی هیدریده)، و ویروس پارآنفلوانزای انسانی نوع ۳ (پوشیده شده با لیگومانوز) و لیپوزوم طراحی گردیده است. انتقال ویروس های تنفسی پس از تنفس از دستگاه تنفسی فوقانی به دستگاه تنفسی تحتانی صورت میگیرد و سپس با اولین خط دفاعی بدن (بافت همبند بینی) مواجه می شود. بافت همبند بینی از اهمیت بالایی برخوردار میباشد زیرا این بافت حاوی فولیکول های لنفاوی (مناطق سلول B)، مناطق بین فولیکولی (مناطق سلول T)، ماکروفاژها و سلول های دندریتیک می باشد. نتایج نشان داده است پس از استفاده از واکسن های بر پایه نانوپارتیکل این ساختارها مسیری مشابه با ویروس را پیش میگیرند و خود را به بافت همبند بینی می رسانند

نتیجه گیری: استفاده از نانوتکنولوژی در تولید داروها، واکسن ها وسایل حفاظت شخصی مانند ماسک و گان و تولید کیت های تشخیص کرونا نقش بسیار مهمی داشته است. امروزه نانوتکنولوژی ابزاری مهم در انتقال داروها و واکسن های مختلف به شمار می آید. در تولید واکسن های مورد استفاده برای مقابله با ویروس کرونا مانند فایزر و مدرنا که هم اکنون در دسترس هستند نانوتکنولوژی نقش مهمی داشته است و همین طور که اشاره شد کاربرد آن در دارورسانی هوشمند بسیار حائز اهمیت است. در مواردی استفاده از نانو ذرات باعث بروز سمیت می شوند که باید استفاده از آنها را کنترل کرد و این امر نیازمند آزمایش های بیشتری است. فعالیت ضد میکروبی تعدادی از نانوذرات به اثبات رسیده و البته کاربرد بسیاری از آنها به صورت آزمایشات بالینی باید مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: کووید ۱۹ , SARS-CoV-2 , واکسن , عفونت های ویروسی

ارزیابی آگاهی و نگرش پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی بم در زمینه رعایت اصول اخلاقی در انتشار آثار پژوهشی

مریم دلدار فروتنه^{۱*}، سجاد خسروی^۲، عبدالعلی گلیایگانی^۳، اسما توکلی^۴، امین فریدی^۵

۱،۲،۳،۴- معاونت تحقیقات و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۵- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: پیوستگی علم و اخلاق در بخش های مختلف دانش بشری همیشه بعنوان یک اصل مهم در ارتقای مادی و معنوی بشر مطرح بوده است. با توجه به جایگاه علوم زیستی که با سلامت و نفس انسان ها مرتبط است رعایت اصول اخلاقی در تحقیقات علوم پزشکی از اهمیت دو چندانی برخوردار است. کمیته های اخلاق در پژوهش که به عنوان هیئت های بررسی نهادی نیز شناخته می شوند نقش کلیدی در نظارت بر تحقیقات دارند. در کنار تحقیقات رو به افزایش، اخلاق همچنان به عنوان اصلی برای تحقیقات خوب و مفید عمل می کند. می دانیم که اخلاق تحقیق چارچوب استاندارد رفتار قابل قبول در تحقیق را تعریف می کند و یکپارچگی تحقیق نشان دهنده پایبندی رفتار به اصول اخلاقی است که باعث اطمینان به روش ها و نتایج داده شده می شود.

روش کار: در این پژوهش که از نظر هدف تحقیق از نوع کاربردی است از نظر روش اجرا توصیفی و پیمایشی است حجم جامعه شامل ۸۸ عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بم و بقیه کارمندان و دانشجویان پژوهشگر این دانشگاه بودند که در نهایت به حجم جامعه ۱۰۰ نفر رسیدیم که با توجه به فرمول کوکرین در تعیین حجم نمونه ۷۹ نفر بعنوان حجم نمونه برآورد شد. در مرحله بعد جهت تهیه ابزار پژوهش با مطالعه اسناد و بخشنامه های حیطه اخلاق در پژوهش و بررسی برخی پرسشنامه ها و مقالات انجام شده در این حیطه سوالات پرسشنامه استخراج شدند جهت اعتبار بخشی روایی به سه نفر از صاحب نظران در حوزه پژوهش و آموزش عالی مراجعه گردید و نظر آنها پیرامون سوالات پرسیده شد و در ویرایش سوالات اعمال گردید. پایایی نیز توسط آلفای کرونباخ بررسی می شود. اطلاعات جمع اوری شده وارد نرم افزار SPSS شده و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: ۷۳ درصد شرکت کنندگان در فاصله سنی ۳۰ تا ۴۰ ساله بودند. ۹۴ درصد کارگاه های اخلاق در پژوهش را گذرانده بودند. آلفای کرونباخ برای پرسشنامه محقق ساخته ۹۱٪ بدست آمد. بالاترین امتیاز در این پرسشنامه ۲۵۵ به معنای رعایت کامل اصول اخلاقی در پژوهش و کمترین امتیاز ۵۱ هست که به معنای عدم رعایت اصول اخلاقی در پژوهش می باشد. بالاترین و پایین ترین امتیاز کسب شده توسط پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی بم به ترتیب ۲۳۸ و ۱۴۵ می باشد. طبق نتایج ما ۵۰ درصد پژوهشگران دانشگاه علوم پزشکی بم اصول اخلاقی در پژوهش را در سطح بالایی رعایت می کنند. ۵۰ درصد در سطح متوسط اصول اخلاقی را رعایت می کنند و هیچ پژوهشگری در سطح پایین رعایت اصول اخلاقی قرار نگرفت. سن رابطه معکوس و معنادار با نمره اخلاق داشت یعنی با افزایش سن نمره اخلاق بطور معناداری کم می شود ($p=0.021$). تحصیلات رابطه مستقیم و معنادار با نمره اخلاق داشت و با افزایش سطح تحصیلات نمره اخلاق بطور معناداری بالاتر می شود ($p=0.042$). سابقه شرکت در کارگاه های آموزشی اخلاق رابطه مثبت و معنادار با نمره اخلاق داشت ($p=0.044$). سابقه داشتن طرح قبلی رابطه مثبت و معنادار با نمره اخلاق داشت ($p=0.026$). تعداد طرح های قبلی پژوهشگر و جنسیت رابطه معنادار با نمره اخلاق نداشت.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی کلان منطقه، ۸ شهریور
دانشگاه علوم پزشکی بهار - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بهار - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



نتیجه گیری: با توجه به اینکه نیمی از پژوهشگران اصول اخلاقی را در سطح بالا و نیمی در سطح متوسط رعایت می کردند می توان با برنامه ریزی مناسب در جهت ارتقای سطح آگاهی این پژوهشگران به سیاستگذاران کارگروه اخلاق وزارت بهداشت جهت برنامه ریزی های آینده کمک کرد و باعث افزایش کیفیت مطالعات پزشکی شد.

واژه های کلیدی: اخلاق، پژوهش، انتشارات، پژوهشگران



A review of the effect of meditation therapy techniques on reproductive health and sexual function of women

*Azam Zarearashlouei¹, Atefeh Ahmadi²

First Authors Affiliation: Student Research Committee, Razi Faculty of Nursing and Midwifery, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Second Authors Affiliation: Department of Counselling in Midwifery, Nursing Research Center, Razi Faculty of Nursing and Midwifery, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background: The tensions and stresses of married life have affected different dimensions of life in recent decades. While women encounter many reproductive health and sexual function problems, there are few epidemiological studies in this regard. Thus, this study aimed to review the effect of meditation therapy techniques (e.g. yoga, mindfulness, hypnosis, etc.) on reproductive health and sexual function of women.

Methods: In order to conduct this study, the researchers searched in databases such as Google Scholar, Pub Med, Science Direct, ProQuest, Magi Ran, Sid by using the keywords of reproductive health, sexual function of women, and meditation therapy. Initially, 38 articles were found; the abstracts of these articles were studied, and the articles unrelated to the research question were removed. Then, the full texts of the related articles were read and, finally, the complete data of 13 articles were used to write this review study.

Results: Based on the current study, the materials were classified in three general dimensions. The first dimension was the physical effects of meditation techniques which can help improve sexual function through doing pelvic muscle movements and Kegel exercises. The second dimension was the psychological and behavioral effects of meditation techniques which can improve women's sense of acceptance and fertility-related quality of life and reduce infertility-related stresses through creating a targeted focus between the mind and body, paying attention to body sensations, and reducing stress and depression. The third dimension was the effects of meditation techniques on sexual desire which can improve reproductive health and sexual satisfaction by balancing the body's hormones and reducing the level of pro-inflammatory genes as well as strengthening the body's immune system.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی شیراز، منطقه ۸ کشوری
دانشگاه علوم پزشکی شیراز - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیر - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



Conclusions: The results of this study can be available to experts and healthcare providers, so that they can teach meditation exercises to women based on the role of meditation techniques in having healthy fertility and proper sexual function. Doing so, women can incorporate these exercises routinely in their life plans.

Keywords: Reproductive health, women's sexual function, meditation therapy



A review on the particulate matter-induced toxicity on endothelial cell function

Rana Rashidi-Talashkouei¹, Hassan Rasoulzadeh^{1}, Sayed Mojtaba Mortazavi², Seyed Mohsen Aghaei-Zarch^{3*}*

1. Department of Environmental Health Engineering, School of Public Health, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
2. Department of Laboratory Sciences, School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
3. Department of Medical Genetics, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

The endothelium, a cellular monolayer lining the blood vessel wall, plays a critical role in maintaining multiorgan health and homeostasis. Endothelial functions in health include dynamic maintenance of vascular tone, angiogenesis, hemostasis, and the provision of an antioxidant, anti-inflammatory, and antithrombotic interface. However, recent evidence suggests that the onset of inflammation and the production of reactive oxygen species impair the function of ECs and are a main factor in the development of endothelial dysfunction. Endothelial dysfunction is regarded as a hallmark of many diverse human panvascular diseases, including atherosclerosis, hypertension, and diabetes. Endothelial dysfunction has also been implicated in severe coronavirus disease 2019. Air pollution is a pervasive mixture of chemicals toxic compounds and chemicals. Particulate matters (PM) are among the key pollutants that directly discharged or formed due to atmospheric chemical interactions. Recent experimental investigation considered PMs as a major driver of endothelial dysfunction. In this regard, exposure to fine particulate matter air pollution is associated with the depletion of circulating endothelial progenitor cells (EPCs), as well as vascular injury and dysfunction. Therefore, identifying the molecular pathways leading to the PM-induced endothelial cell dysfunction can be effective in treatment strategy.

Keywords: particulate matter; toxicity; endothelial cell dysfunction

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

تاثیر آموزش مهارت‌های زندگی بر کنترل خشم معنادان تحت درمان

علیرضا رجالی^{۱۳*}، نسرین رضائی^{۱۴}، محمد عرفان شاهسونی^{۱۵}، ابوالفضل گنجعلی

۱_ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۲_ دانشیار، مرکز تحقیقات پرستاری جامعه، گروه روانپرستاری دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۳_ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

۴_ دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی زاهدان، زاهدان، ایران

چکیده

مقدمه: اعتیاد به مواد مخدر از معضلات نسبتاً پایدار جوامع مختلف می باشد زیرا حتی پس از ترک مواد این احتمال وجود دارد که آنان به سمت مصرف دوباره آن بروند. کنترل خشم از مولفه هایی است که می تواند به این افراد کمک کند تا تعامل مناسبی با افراد سالم در جامعه داشته باشند. از این رو مطالعه حاضر با هدف تاثیر آموزش مهارت های زندگی بر کنترل خشم معنادان تحت درمان در مرکز روانپزشکی شهر زاهدان انجام شده است.

روش کار: در این مطالعه نیمه تجربی ۹۰ فرد معتاد تحت درمان از مرکز روانپزشکی شهر زاهدان انتخاب شدند. آنها در دو گروه مداخله (۴۵ نفر) و کنترل (۴۵ نفر) قرار گرفتند. ابزار جمع آوری اطلاعات در این مطالعه شامل پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک و خشم Buss & Perry بود. به گروه مداخله، برخی از مهارت های زندگی را طی ۴ جلسه آموزش داده شد. دو ماه پس از پایان مداخله، میزان کنترل خشم هر دو گروه مورد ارزیابی قرار گرفت. داده ها به کمک آزمون های آماری تی مستقل و تی زوجی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین نمره کنترل خشم قبل از آموزش در گروه مداخله و کنترل به ترتیب $۱۹/۰۰ \pm ۸۶/۰۵$ و $۱۸/۰۳ \pm ۸۰/۵۷$ بود بعد از مداخله در گروه مداخله به $۲۱/۸۵ \pm ۶۵/۲۲$ کاهش و در گروه کنترل به $۱۶/۸۴ \pm ۸۱/۶۲$ افزایش یافت. بدین ترتیب آموزش مهارت‌های زندگی به طور معناداری منجر به کنترل خشم و کاهش رفتارهای پرخطرانه در گروه مداخله گردید. $(P) = ۰/۰۰۱$

نتیجه گیری: با توجه به اینکه آموزش مهارت‌های زندگی بر کنترل خشم و کاهش رفتارهای پرخطرانه معنادان تحت درمان تاثیر داشت همچنین توجه با این مطلب که کنترل خشم از مولفه های بازدارنده مصرف مجدد مواد می باشد، توصیه میشود آموزش



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه، جمهوری
دانشگاه علوم پزشکی بهار - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بهار - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



مهارت‌های زندگی در مراکز ترک اعتیاد به شیوه ای ساختارمند در جلساتی منسجم توسط افراد باصلاحیت حرفه ای و با استفاده از شیوه های گوناگون آموزش ارائه گردد.

کلید واژه ها: مهارت‌های زندگی، کنترل خشم، سوء مصرف مواد

Title: MicroRNA-122 in human cancers: from mechanistic to clinical perspectives

Seyed Mohsen Aghaei-Zarch¹, Fatemehsadat Aghaei-Zarch²

1. Department of Medical Genetics, School of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences, Tehran, Iran
2. School of Medicine, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

MicroRNAs (miRNAs) are endogenous short non-coding RNAs that can regulate the expression of target genes post-transcriptionally and interact with mRNA-coding genes. MiRNAs play vital roles in many biological functions, and abnormal miRNA expression has been linked to various illnesses, including cancer. Among the miRNAs, miR-122, miR-206, miR-21, miR-210, miR-223, and miR-424 have been extensively studied in various cancers. Although research in miRNAs has grown considerably over the last decade, much is yet to be discovered, especially regarding their role in cancer therapies. Several kinds of cancer have been linked to dysregulation and abnormal expression of miR-122, indicating that miR-122 may serve as a diagnostic and/or prognostic biomarker for human cancer. Consequently, in this review literature, miR-122 has been analyzed in numerous cancer types to sort out the function of cancer cells miR-122 and enhance patient response to standard therapy.

Keywords: Cancer, miR-122, Pathogenesis, Therapy, Prognosis

Stem cells, therapeutic impasses and new clinical perspectives focusing on conditioned media and exosomes: Review

*Yousef Terme¹, Mohsen Marzban*², Paniz Sadafi¹, Amir Mohammad Rahim Abadi¹, Nezamdin Dinari¹*

1. Student Research Committee, Medical School, Iranshahr University of Medical Sciences

2. Department of Anatomy, Iranshahr University of Medical Sciences

Abstract

Background: In the last decade discussion about stem cells have opened a new hope in the treatment of many acute and chronic diseases, but despite all the advertisements and heavy costs, this treatment method has not been able to show its rightful place in clinical use. In this review article, we try to open up the reasons for this clinical impasse and new solutions to solve the problems facing cell therapy and point to the latest new findings to make the use of these cells more effective.

Methods: First, we searched the topic in reliable scientific databases such as PubMed, Scopus, and Science Direct matching the keywords of the article. Then, according to our strategy, we data extracted them.

Results: A summary of the problems of direct use of stem cells is as follows 1. principle of Anoikis: Any cell that is separated from its microenvironment and placed in another tissue is prone to cell death. In many systemic injections, only 3% of cells reach the lesion site, and among this 3%, many of them undergo apoptosis. 2. Problems of cellular proteomics: Stem cells also produce harmful soluble factors along with beneficial ones. Although these factors will eventually lead to recovery, in practice this recovery will not be very effective. 3. Problems of blood-brain barriers 4. fusing stem cells with tissue cells. 5. Problems of the transplant method 6. Problems of the cultivation process, etc

Conclusions: Using the supernatant of stem cells and exosomes, which contains useful and anti-inflammatory factors and is discarded for cell transplantation, can be the best option for therapeutic uses. Therefore, the researchers of this project study a pre-conditioned medium with different protocols and try to create an ideal culture medium for treating many diseases.

Keywords: Stem Cell, Transplant, New Strategy, Therapeutic Effect

Factors associated with health-related quality of life after hospitalization for COVID-19 in diabetic and non-diabetic people: a cross sectional study

Atashbahar ¹(PhD), Fatemeh Negahdary², Reza Sadeghi ¹ (PhD), Mohammad Moqaddasi Amiri ¹ (PhD), Moazame sadat Razavi nasab ³ (MS), Iman Nosratabadi ⁴ (MS)

1. Department of Public Health, Sirjan School of Medical Sciences, Sirjan, Iran.
2. Student Research Committee, Sirjan School of Medical Sciences, Sirjan, Iran
3. Department Omolbanin of Nursing, Sirjan School of Medical Sciences, Sirjan, Iran.
4. Research committee, Department of Nursing, Sirjan School of Medical Sciences, Sirjan, Iran.

Abstract

Background: Diabetics are very prone to the side effects of Covid 19. On the other hand, due to persistent symptoms after discharge and their impact on health-related quality of life (HRQoL), this study aimed to evaluate HRQOL and explore affecting factors in diabetic and non-diabetic patients with COVID-19 after discharge from hospital.

Method: In a cross-sectional study, 220 diabetic and non-diabetic patients with Covid-19 after hospitalization selected by random sampling method from Jan 2020 to October 2021 in Sirjan city, Iran. We used the EQ-5D-5L questionnaire and a designed checklist to identify determinants of HRQOL in participants. Data analysis was done using Mann-Whitney U test, Kruskal Wallis and multiple beta regression model. P values of <0.05 were considered to show statistical significance. All analyses were conducted by IBM SPSS 22 and Stata 16 software.

Results: The overall mean score of HRQOL in diabetic patients with COVID-19 (0.766 ± 0.110) was significantly lower than the mean score in non-diabetic patients with COVID-19 (0.859 ± 0.077). the EQ-5D-5L scores in diabetic group were significantly higher in younger ages, males, those with higher levels of education, the employed, patients with higher income, above health status, patients with supplementary insurance, who access to health services and live in families with fewer members. the EQ-5D-5L scores in non-diabetic group were significantly higher in those with higher levels of education. Based on BetaMix model findings education and having diabetes were significant independent predictors of HRQOL scores.

Conclusion: Diabetic COVID-19 cases experienced a significant reduction in HRQoL after hospital discharge compared to Non-Diabetic COVID-19 cases. This decline can be due to the more side effects of Covid-19 on diabetics, as well as lower utilization from health services due to the access issues and greater fear of getting Covid-19 in these patients.

Key words: Health services access, Diabetics, Covid-19, Health-related quality of life.

بررسی چالش های آموزش مجازی در دوران شیوع کرونا در دانشگاه علوم پزشکی ایلام

سجاد خسروی^۱، لیلا کیان فر^۱، صبیبه السادات رضوی^۱، معصومه کریمی نژاد^۱، فاطمه اختیاری^۱

دانشکده بهداشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

چکیده

مقدمه: آموزش مجازی و چگونگی اجرا و بازخورد آن در دوران شیوع ویروس کرونا یک موضوع مهم است که باید برای ارتقا کیفیت آموزش مجازی و به ثمر رسیدن آموزش مجازی در دوران کرونا، چالش ها را شناسایی و در جهت بهبود آنها قدم برداشت. بر این اساس هدف اصلی این مطالعه تعیین چالش های آموزش مجازی در دوران شیوع ویروس کرونا در دانشگاه علوم پزشکی ایلام بود.

روش کار: تعیین چالش های آموزش مجازی در یک مطالعه مقطعی برای ۲۴۳ نفر دانشجو در دانشگاه علوم پزشکی ایلام انجام گرفت. در این مطالعه از پرسشنامه محقق ساخت به منظور جمع آوری داده ها استفاده شد. پس از جمع آوری داده ها، داده ها وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ شدند و با استفاده از آزمون های مرتبط مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج این مطالعه نشان داد چالش های آموزش مجازی چهار دسته هستند. اول چالش های مرتبط با دانشجو که مهم ترین آنها این است که در آموزش مجازی، دانشجویان بر موضوع درسی در آموزش مجازی تمرکز کافی ندارند. دوم چالش های مرتبط با استاد که مهم ترین آنها این است که در آموزش مجازی، میزان نظارت استاد بر پیشرفت دانشجویان در انجام فعالیت ها کاهش پیدا کرده است. سوم چالش های مرتبط با سیستم های الکترونیک که مهم ترین آنها این است که در آموزش مجازی، زیرساخت های اینترنتی و نرم افزاری، مشکل آفرین است و کیفیت آموزش را پائین آورده است. چهارم چالش های مرتبط با دانشگاه که مهم ترین آنها این است که در آموزش مجازی، نظارت مطلوبی از سوی مسئولین بر کمیت و کیفیت کلاس های مجازی صورت نمی گیرد.

نتیجه گیری: با استفاده از رفع نقاط ضعف و فراهم سازی بسترهای مناسب جهت پیاده سازی کامل اجرای آموزش مجازی، می توان در جهت هرچه بهتر برگزار شدن آن گام های مفیدی برداشت. به منظور رفع نقاط ضعف آموزش مجازی و ترویج استفاده از آن، برگزاری دوره های آموزشی برای مدرسین و فراگیران، تهیه زیرساخت ها و امکانات فنی با حداکثر کارایی، ارائه بسته های حمایتی و تشویقی برای مدرسین مشوق این روش، کاربردی نمودن این روش و در نهایت ایجاد بسترهای فرهنگی از طریق تبلیغ مزایای روش مجازی از طرق گوناگون، پیشنهاد می گردد.

واژه های کلیدی: آموزش مجازی، کرونا، دانشگاه علوم پزشکی، ایلام

بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در زمینه مصرف قطره های مکمل در شیرخواران در کلینیک های اطفال کرمان در سال ۱۴۰۱

*هادی خوشاب (نویسنده مسئول) دکتری آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده پرستاری و مامایی،
hadikhoshab@gmail.com، تلفن ۰۹۱۳۲۴۲۵۷۰۰، آدرس: بم بولوار خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده پرستاری
و مامایی، فاکس: ۰۳۴۴۲۵۱۰۸۴۷

زهره صعصعی، دانشجوی کمیته دانشکده پرستاری و مامایی علوم پزشکی بم

نجمه نظام آبادی پور، فوق تخصص گوارش و کبد کودکان عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده
پزشکی، nezamabadi.np@gmail.com

چکیده

مقدمه: امروزه کم توجهی به مصرف ریزمغذی ها در مقایسه با مصرف درشت مغذی ها (پروتئین، کربوهیدرات و چربی) به عنوان یک مشکل بهداشت عمومی اهمیت پیدا کرده است. کم خونی فقر آهن و کمبود ریز مغذی هایی همچون ویتامین های A و D از مشکلات تغذیه ای شایع در کودکان زیر ۲ سال به شمار می رود. این مطالعه با هدف بررسی آگاهی، نگرش و عملکرد مادران در زمینه مصرف قطره های مکمل در شیرخواران انجام شد.

مواد و روش ها: این مطالعه توصیفی - تحلیلی به صورت مقطعی در ۶ ماهه نخست سال ۱۴۰۱ در دو کلینیک تخصصی اطفال شهر کرمان انجام شد. جامعه آماری این مطالعه را تمامی مادران دارای کودک شیر خوار مراجعه کننده به کلینیک های اطفال بودند که به صورت سرشماری وارد مطالعه شدند. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری SPSS از طریق آمار توصیفی به صورت توزیع فراوانی و درصد و میانگین و انحراف معیار، و از طریق آزمونهای آماری t مستقل و ANOVA مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: اطلاعات ۲۹۵ نفر از مادران دارای فرزند شیرخوار جمع آوری شد. ۴۹/۲ درصد مادران در گروه سنی ۳۰-۲۱ سال قرار داشته، دارای تحصیلات دیپلم (۲۹/۸ درصد) و خانه دار (۶۵/۴ درصد) بودند. اکثر مادران مراجعه کننده دارای یک فرزند شیرخوار دیگر نیز بودند (۹۲/۲ درصد). قیمت قطره مکمل برای اکثریت خانواده ها زیاد بود (۳۹/۷ درصد). متغیرهایی چون سن، شغل، سطح تحصیلات، تعداد فرزند غیر شیرخوار و قیمت قطره های مکمل بیشترین تاثیر را در آگاهی، نگرش و عملکرد مادران داشتند.

نتیجه گیری: از آنجا که سلامت شیرخواران علاوه بر تامین درشت مغذی ها در گرو تامین مواد ریز مغذی هم میباشد، مصرف قطره های مکمل پیشنهاد میگردد و توصیه میشود اقدامات مناسب برای آموزش اهمیت و چگونگی مصرف قطره های مکمل در مادران دارای شیرخوار کوچکتر از ۲ سال انجام گردد. همچنین پیشنهاد می شود با توجه به هزینه قطره های مکمل برنامه ریزی های لازم در خصوص دسترسی همگانی از این قطره ها به عمل آید.

واژه های کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد مادران، شیرخواران، قطره مکمل

بررسی نگرش زنان جنوب شرق ایران به ابعاد ارزش فرزند

فاطمه سعادت^۱، نعیمه طیبی^{۲*}

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: باروری یکی از رویدادهای طبیعی و از مهم ترین مقوله های علم جمعیت است. رفتار باروری می تواند بر اساس محرک ها، فرآیند تصمیم گیری و نگرش های مرتبط به عنوان رفتاری اجتماعی که در یک محیط اجتماعی حادث می شود در نظر گرفته شود جامعه چند فرهنگی و چند قومیتی به احتمال زیاد انواع متفاوت رفتار باروری را در خود نشان می دهد. مفهوم ارزش فرزند به دلیل متأثر شدن از تغییرات جامعه و زمینه های اجتماعی - فرهنگی، موضوعی است که بر اساس نوع جامعه در حال تغییر است و پیامدهای متنوع و گسترده ای به همراه دارد و تعیین کننده مستقیم انگیزه والدین برای داشتن تعداد خاص فرزند و تعیین و تنظیم زمان بچه دار شدن در نظر گرفته می شود. لذا مطالعه حاضر با هدف بررسی نگرش زنان جنوب شرق به ابعاد ارزش فرزند انجام گردید.

روش کار: تعداد ۲۶۰ زن که دارای حاملگی بار اول بوده و ۸ هفته بعد از زایمان جهت مراقبت به مراکز بهداشتی درمانی بم مراجعه کردند، بصورت نمونه گیری غیر احتمالی آسان انتخاب شدند ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه های اطلاعات فردی و مامایی، ارزش فرزند نوک و ترومسدورف (۲۰۰۵) که از طریق مصاحبه تکمیل گردیدند تجزیه و تحلیل داده ها با به کارگیری نرم افزار SPSS انجام شد. میزان α کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته ها: از ۲۶۰ نمونه بررسی شده، اکثریت مادران خانه دار ۱۹۵ نفر (۷۵٪) و با تحصیلات دیپلم و بالاتر (۹۰٪) بودند. همچنین در مورد بررسی وضعیت اقتصادی اکثریت آن ها ۲۱۵ نفر (۸۴٪) در حد کفاف بود. از نظر بررسی وضعیت مسکن افراد، اکثریت آن ها ۱۵۹ نفر (۶۱٪) در منازل استیجاری ساکن بودند. در نتایج آماری این مطالعه، مزایای داشتن فرزند با میانگین $3/19 \pm 0/45$ و ابعاد آن به ترتیب، بعد اجتماعی $2/97 \pm 0/6$ و بعد عاطفی $3/79 \pm 0/42$ بودند. و هزینه های داشتن فرزند با میانگین $2/92 \pm 0/6$ و ابعاد آن، بعد اقتصادی $2/52 \pm 0/74$ و بعد فردی با میانگین $2/92 \pm 0/6$ بودند.

نتیجه گیری: دیدگاه مادران در این مطالعه متوسط رویه به بالا بودن ارزش فرزند را می رساند، به نحوی که تقریباً نیمی از آنان دارای ارزش فرزند بیشتر از میانگین بودند. از آن جایی که در بین زمینه های مورد مطالعه عوامل فرهنگی و قومی بیشترین تأثیر را بر رفتار باروری دارند، در فرهنگ زنان جنوب شرق خانواده های بزرگ و پر حجم ارزش والایی دارند. ارزش های سودگرا Hofstede در جوامع زنان جنوب شرق و در فرهنگ هایی که فرزندان با درآمد خانواده و امنیت دوران پیری مرتبط هستند، برجسته تر بوده که باعث افزایش میزان باروری می شود. لذا، قومیت به عنوان سازه های اجتماعی و فرهنگی، نقش تعیین کننده ای در شکل گیری رفتارهای فرزندآوری دارد Hofstede

واژه های کلیدی: ارزش فرزند، زنان سنین باروری، نگرش، جنوب شرق ایران

ارتباط سلامت روان با کیفیت زندگی در دانشجویان علوم پزشکی بوم در سال ۱۴۰۲

زهرا کریمی^۱، احمدعلی امیری فر^۲، نیلوفر ایزددوست^۳، فاطمه محمودی کهنی^۴*

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

چکیده

مقدمه: در دنیای امروزه، توجه به مفاهیمی چون سلامت روان مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، که به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده کیفیت زندگی نیز می باشد، زیرا مشکلات موثر بر کیفیت زندگی می تواند مشکلات سلامت روانی را ایجاد کند و همچنین کیفیت زندگی را تحت تاثیر قرار دهد. دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی به علت بالابودن میزان استرس و فشار کاری، بیشتر در معرض اختلالات سلامت روان قرار می گیرند. از آنجایی که دانشجویان نقش مهمی در تامین، حفظ و ارتقا سلامت جامعه دارند و به دلایل مختلف مستعد کیفیت زندگی پایین هستند، در این خصوص لازم است جهت ارتقاء کیفیت زندگی و ارتباط آن با سلامت روان این قشر مطالعات متنوعی انجام شود.

روش کار: در این مطالعه مقطعی تعداد ۲۰۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بوم در سال ۱۴۰۲ به روش تصادفی وارد مطالعه شدند و از نظر کیفیت زندگی و سلامت روان مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه سلامت روان و پرسشنامه کیفیت زندگی استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و $P < 0.05$ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته ها: متوسط سن واحدهای پژوهش ۲۹/۳+۲۱/۳۶، اکثریت رشته کارشناسی (۷۶/۵٪) و مجرد (۸۳/۵) بودند. آزمون های آماری نشان داد، نمره کیفیت زندگی دانشجویان خوب بود. از طرفی میانگین نمره سلامت روان $13/74 \pm 24/45$ بوده است. همچنین ارتباط معنی داری بین سلامت روان و کیفیت زندگی دانشجویان وجود داشت ($P=0.038$).

نتیجه گیری: با توجه به اینکه با افزایش سلامت روان دانشجویان، کیفیت زندگی آنان نیز بالاتر می رود، بنابراین انجام ارزیابی های روانشناختی دانشجویان و ارائه خدمات روانشناختی در زمینه های مختلف برای ارتقای سطح سلامت و کیفیت زندگی آنها توصیه می شود.

واژه های کلیدی:

سلامت روان، کیفیت زندگی، دانشجو

Characterization of antibiotic resistance and biofilm formation in clinical isolates of *Klebsiella pneumoniae*

*Mahsa Pezhman*¹, *Fatemeh Jafari Zarandi*¹, *Mansoor Kodori*^{1,2*}

¹Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

²Non communicable Diseases Research Center, Bam University of Medical sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: There has been an increase in antibiotic resistance over the past few decades, posing significant challenges to healthcare systems worldwide through an increase in morbidity and mortality rates, the prolongation of hospital stays, and an increase in health care costs. Among multidrug-resistant (MDR) pathogens, *Klebsiella pneumoniae* is known to cause a broad spectrum of infections, including pneumonia, urinary tract infections (UTIs), bloodstream infections, and wound infections. Treatment of *K. pneumoniae* infections is particularly challenging due to the biofilm-forming capabilities of this organism. These biofilms can render antibiotics ineffective and impair the host's immune response. The purpose of the present study was to investigate antibiotic resistance and biofilm formation in clinical isolates of *K. pneumoniae*.

Methods: In this study, 38 clinical isolates of *K. pneumoniae* were collected from human infections. These isolates were examined for their susceptibility to antibiotics using the disc diffusion method and broth microdilution method. Using a combined test, metallo-beta-lactamase (MBL) and extended-spectrum beta-lactamase (ESBL) enzymes were detected. A microtiter plate assay was used to determine biofilm formation, and polymerase chain reaction (PCR) was used to identify biofilm-associated genes.

Results: The results of antibiotic susceptibility testing (AST) indicated that the majority of the clinical isolates of *K. pneumoniae* were resistant to ampicillin, cefotaxime, ceftriaxone, and ceftazidime. Moreover, 29% and 7.9% of the isolates showed resistance to imipenem and colistin, respectively. Furthermore, 73% of the isolates were metallo-beta-lactamase (MBL) producers, while 55% were extended-spectrum beta-lactamase (ESBL). Additionally, the microtiter plate assay revealed the formation of biofilms in 79% of the isolates. Based on the molecular analysis of biofilm-associated genes, 70% of the isolates harbored the *fimH* gene, while 58% carried the *mrkD* gene.

Conclusions: Antibiotic resistance and biofilm formation observed in clinical isolates of *K. pneumoniae* highlight the need for appropriate antimicrobial therapy and infection control measures. There is substantial evidence that MBL and ESBL are present in a substantial proportion of isolates, suggesting that surveillance programs should be implemented to monitor the emergence and transmission of antibiotic-resistant strains. Molecular characterization of biofilm-associated genes may provide insight into the pathogenesis of *K. pneumoniae* infections and may facilitate the development of innovative therapeutic approaches. To conclude, our study highlights the necessity



اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت
دانشگاه علوم پزشکی بهم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



of comprehensive surveillance programs to monitor the emergence and spread of antibiotic-resistant *K. pneumoniae* strains, especially those with biofilm-forming capabilities.

Keywords: Antibiotic resistance, *Klebsiella pneumoniae*, Biofilm formation.

بررسی مقایسه ای سلامت روان پرستاران بیمارستان های شهرستان بوم قبل و یکسال بعد از همه گیری کووید-۱۹

ارغوان جعفری نژاد^{۱*}، علیرضا جعفری^۲

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

چکیده

مقدمه: همه گیری کرونا در جهان از جمله ایران، محدودیت های اجتماعی، ابهام از آینده، ترس از ابتلا و در نهایت مرگ و میر ناشی از بیماری، سلامت روان مردم بویژه پرستاران را بعنوان افراد در خط مقدم درمان با اضطراب زیادی مواجه کرد. هدف از این مطالعه بررسی مقایسه ای سلامت روان پرستاران بیمارستان های شهرستان بوم قبل و یکسال بعد از همه گیری کووید-۱۹ است.

روش کار: مطالعه حاضر؛ یک مطالعه توصیفی-مقطعی است. شرکت کنندگان در این مطالعه ۶۶ نفر از پرستاران شاغل در دو بیمارستان پاستور و افلاطونیان شهرستان بوم در سال ۱۴۰۲ بودند، که به روش سرشماری وارد مطالعه شدند. داده ها به وسیله پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه سلامت عمومی گلدبرگ GHQ-28 جمع اوری شدند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آزمون انووا و تی تست از طریق نرم افزار SPSS نسخه ۲۳ انجام گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که میانگین (انحراف معیار) سنی شاغلان بیمارستان پاستور ۳۳ (۸) و افلاطونیان ۲۵ (۳) سال بود. سطح تحصیلات بیش از دو سوم شاغلان، لیسانس و بالاتر بود. در زمان همه گیری کووید ۱۹، بیش از دو سوم مشارکت کنندگان به کووید مبتلا شدند. قبل از شروع همه گیری کووید ۱۹، حدود ۱۹٪، ۱۸٪، ۷٪ و ۶٪ شرکت کنندگان به ترتیب در بخش مراقبت های ویژه، اورژانس، روانپزشکی و داخلی بالاترین مشارکت را داشته اند. در حالی که بعد از شروع همه گیری، ۲۸٪ شاغلان در بخش مراقبت های ویژه، ۱۳٪ در اورژانس، ۱۲٪ در بخش داخلی و ۱۰٪ در بخش روانپزشکی فعالیت داشته اند. حدود ۴۶٪ (۳۱ نفر) پرستاران دارای علائم اختلال روانی خفیف هستند. تقریباً ۶٪ شرکت کنندگان دارای مشکلات جسمی و عمومی، ۴٪ آنها دارای علائم اضطراب و اختلال خواب، ۳٪ در انجام کارهای روزمره مشکل داشته و احساس رضایت ندارند. همچنین ۹۲٪ مشارکت کنندگان دارای علائم افسردگی خفیف بودند. بین ابتلا به کووید ۱۹ با داشتن علائم اختلال روانی ارتباط معنی داری مشاهده شد. ($P=0.001$). اختلال روانی با جنس، وضعیت تاهل، سطح تحصیلات، پست سازمانی، سن و سابقه کار ارتباط معنی داری مشاهده گردید. ($P=0.001$).

نتیجه گیری: یافته های این مطالعه نشان داده شد، بیماریهای عفونی همه گیر نظیر کووید-۱۹ علاوه بر مشکلات کوتاه مدت واحد؛ عوارض بلند مدتی نیز بر روی سلامت جسمی و روانی پرستاران دارند. با گذشت یکسال از پایان یافتن همه گیری کووید-۱۹ عوارض بلند مدتی مانند افسردگی و اضطراب در بین پرستاران دیده شد که طبیعتاً غیر مستقیم خانواده و جامعه را تحت تاثیر قرار می دهد. از این رو باید برنامه ریزان، کارشناسان مسئول و روانشناسان بویژه در مورد این قشر خاص تمهیداتی بیندیشند تا از عوارض این اپیدمی که ممکن است تا سالها گریبانگیر پرسنل درمان و جامعه باشد کاسته شود.



اولین کنگره پژوهشی دانشجویان
دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه به کشوری
دانشگاه علوم پزشکی بوم - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بوم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



واژه های کلیدی: کووید-۱۹ ، کرونا ویروس ، اضطراب، اختلال روانشناختی ، سلامت روان ،پرستاران



Errors in the Hematology Laboratory at Pasteur Hospital of Bam city

Maryam ghale noei^{*1}, Alireza khiabani²

¹Student research committee, School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam Iran

²School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: Since laboratories have a great impact on patient safety, the occurrence of medical errors is very important due to the critical nature of patient health and safety. Aim of current study was to determine the frequency of pre-analytical, analytical and post analytical errors in the laboratory of Pasteur hospital in Bam, southeast of Iran.

Methods: In current cross-sectional study, all cases of errors and non-compliance, erroneous results of laboratory tests, tools and devices quality control were recorded separately at the end of each shift work. All of aforementioned data, were reported separately to the Hospital Errors committee at the end of each month. Therefore, the required information was collected, and being coded by analyzing with SPSS Version 22 software.

Results: results of showed that, out of totally 184 recorded laboratory errors, 145 (78.8%) cases occurred in the pre-analytical phase, 12 (6.5%) cases occurred in the analytical phase, and finally 27 (14.7%) cases occurred in the analytical phase. The most frequent error in the pre-analytical phase was related to incorrect sampling (120 errors) ($p = 0.001$), the most of errors in the analytical phase was the delay in testing (18 cases) and the most of errors in the post analytical phase was related to the delay in reporting the test results (10 cases) ($p=0.07$).

Conclusions: According to the results of this study, pre-analytical errors were higher than the analytical and post analytical phases. The highest frequency was related to sampling errors.

Keywords: Hematology, Laboratory, Pre-analytical phase, Quality control

The influence of Gut Microbiota in Multiple Sclerosis: Review

*Paniz Sadafi¹, Mohsen Marzban*²,¹, Yousef Terme, AmirMohammad Rahim Abadi¹, Zarine Sepasi¹*

1. Student Research Committee, Medical School, Iranshahr University of Medical Sciences

2. Department of Anatomy, Iranshahr University of Medical Sciences

Abstract

Introduction: The gut microbiota consists of a wide range of gut microorganisms. A change in the composition of the gut microbiota with the activation of immune cells causes dysfunction of the blood-brain barrier and neuroinflammatory diseases, such as multiple sclerosis (MS).

Materials and methods: We first searched for the topic in reputable scientific databases such as PubMed, Scopus, and Science Direct according to the keywords in the article which contained: Gut Microbiota, Multiple Sclerosis, and Brain-Gut Axis. Then, we collected and listed the most important articles based on the relevance of our topic, and after studying, We wrote them in order of importance and relevance in our article

Result: patients with MS have microbiota with higher amounts of Pedobacteria, Flavobacterium, Pseudomonas, Acinetobacter, Dorea, Streptococcus, and Akkermansia. and microbiota with a poor microbial population of Prevotella, Bacteroides, Parabacteroides, Haemophilus, Sutterella, Coprobacillus, Clostridium, and Faecalibacterium.

Conclusion: The gut microbiota has an important role in the pathogenesis of MS. Revival of the microbial population in patients with MS causes reduce inflammation.

Keywords: Gut Microbiota, Multiple Sclerosis, Brain-Gut Axis

اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بررسی تسهیلات موثر بر بهداشت قاعدگی دانش آموزان مدارس راهنمایی شهر بیرجند: مطالعه کیفی

فاطمه سادات میرکتولی^۱، ندا محمدی نیا^{۲*}، رحیمه حسینی^۳

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران mirkatoulisadat@gmail.com

۲- استاد یار دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران nedamohammadinia@yahoo.com

۳- مربی هیات علمی دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، ایران

مقدمه: بلوغ، یک رویداد مستقل در زندگی دختران بوده و با رشد فیزیکی، توانایی در ازدواج و باروری همراه است. بنابراین، سلامت ضعیف قاعدگی می تواند عامل اصلی بیماری و همچنین مشکلات جسمی، روانی و اجتماعی در این گروه سنی گردد. مطالعه مذکور با هدف تبیین تسهیلات موثر بر سلامت قاعدگی دانش آموزان شهر بیرجند در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه کیفی با رویکرد تحلیل محتوا می باشد. شرکت کنندگان ۳۲ نفر شامل ۱۳ دانش آموز، ۱۰ مادر از همان دانش آموزان، ۹ نفر از همکاران مدرسه و مربیان بهداشت پنج مدرسه متوسطه در شهر بیرجند که به شکل مبتنی بر هدف در سال ۱۴۰۰ انتخاب شدند. نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. روش جمع اوری داده ها مصاحبه نیمه ساختار یافته و عمیق بود. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از گام های پیشنهاد شده توسط Landman و Graneheim انجام شد.

یافته ها: از آنالیز نتایج ۱۳ زیر مجموعه و ۵۲ کد اولیه بدست آمد که در دودسته کلی موارد مثبت و منفی تقسیم شدند. عوامل مثبت شامل سهولت دسترسی به پد بهداشتی در مدرسه، جلسات آموزشی در مدرسه، امکان دسترسی به خدمات بهداشتی- درمانی و همکاری مدرسه در مورد مسائل قاعدگی بود، در حالی که عوامل منفی تسهیلات نامناسب برای دفع پد بهداشتی، عدم دسترسی به افراد آگاه در مورد مسائل قاعدگی، احساس شرم، خوددرمانی با داروهای سنتی، عدم آگاهی از خدمات مراکز بهداشتی و عدم اعتماد به کارکنان مرکز بهداشت و پیروی از خانواده و معلمان در مشکلات قاعدگی بدست آمد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و آموزشی بر سلامت قاعدگی تاثیر دارند. بنابراین، شناسایی هر یک از این عوامل به برنامه ریزان کمک می کند تا مناسب ترین روش ها و استراتژی ها را برای بهبود سلامت قاعدگی به کار بگیرند تا بدین وسیله از عوارض غیر قابل جبرانی چون نازایی در آینده که خود پیامدهای ناگواری چون از هم پاشیدن خانواده ها را بدنبال دارد جلوگیری شود.

واژه های کلیدی: سلامت قاعدگی، تسهیلات بهداشتی، قاعدگی، مطالعه کیفی، ایران

کیفیت میکروبی آب استخرهای شنا در کلانشهر تهران

محمد مهدی سلطانی سنگی^۱، عبدالعلی گلپایگانی^۱، رقیه عزیزی لاقانی^۱، زهره کاظمی^۱

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: استفاده از استخرهای شنا به منظور ورزش، تفریح و توانبخشی بدنی به طور فزاینده ای رواج یافته است. با وجود تمام فواید استفاده از استخر، مهمترین نگرانی شناگران آسیب هایی است که ممکن است به صورت مزمن در اثر استنشاق گازهای سمی ناشی از ضد عفونی استخر و یا به صورت حاد در اثر بلع یا تماس با عوامل میکروبی زنده ایجاد شود. در این مطالعه تلاش شده است تا میزان آلودگی میکروبی استخرهای شنا در تهران تعیین و مقایسه کیفیت آنها با استانداردهای ایران برای استخرهای شنا انجام شود. ارتباط بین آلودگی میکروبی و پارامترهایی مانند کلر باقیمانده، pH و غیره نیز مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفته است.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی در سال ۱۳۹۹ در دانشگاه علوم پزشکی تهران انجام گرفت. نمونه های آب از استخرها (n=12)، جکوزیها (n=7) و دوشهای آب (n=8) از جنوب، مرکز و غرب کلانشهر تهران جمع آوری و مطابق با روش استاندارد در آزمایشگاه مرجع آب برای شناسایی Total Coliforms، Thermotolerant coliform، *Enterococcus faecalis*، *Staphylococcus aureus* و *Pseudomonas aeruginosa* کشت داده شد. پارامترهای شیمیایی شامل کلر باقی مانده آزاد و کل، کدورت، pH و دما در محل نمونه برداری اندازه گیری شد.

یافته ها: در مقایسه با استاندارد ملی ایران برای استخرهای شنا (الزامات عمومی ISIRI 11203)، کلر باقی مانده در ۲۱.۶٪ موارد بالاتر یا پایین تر از محدوده مجاز بود. میزان کلر ترکیبی در ۸۳٪ موارد بالاتر از حد مجاز بود. با توجه به استفاده از کلر به عنوان گندزد، میزان pH در ۵۹٪ نمونه ها بالاتر از حد مجاز (۷.۸) و در ۷٪ موارد کمتر از حد پایین استاندارد (۷.۲) اندازه گیری شد. همچنین کدورت آب در ۵۵٪ نمونه ها فراتر از استاندارد بود. استاندارد ایران برای Thermotolerant coliform، *Staphylococcus aureus* و *Pseudomonas aeruginosa* به ترتیب کمتر از ۱، کمتر از ۱ و کمتر از ۵۰ عدد در ۱۰۰ میلی لیتر نمونه است که آلودگی میکروبی در نمونه های آزمایش شده به ترتیب در ۱۵٪، ۲۲٪، ۱۹٪ و ۱۰۰٪ موارد بالاتر از حد مجاز استاندارد ملی ایران بود. برای آلودگی های Total Coliforms و *Enterococcus faecalis* که در ایران گستره استاندارد تعریف نشده است، موارد مثبت به ترتیب در ۵۲٪ (گستره 3-240cfu/100ml) و ۳٪ (یک نمونه با آلودگی 9cfu/100ml) نمونه ها مشاهده شد.

نتیجه گیری: طبق استاندارد کیفیت آب استخرهای شنای ایران که حداکثر غلظت مجاز را برای pH، کلر آزاد و ترکیبی، کدورت و پارامترهای میکروبیولوژیکی مشخص می کند، ۱۱ درصد از کل نمونه های آنالیز شده در محدوده ی مجاز از نظر شیمیایی و ۵۲ درصد نمونه ها در محدوده کیفیت میکروبی مطلوب قرار دارد. چنانچه مطلوبیت کیفیت شیمیایی و میکروبی به صورت همزمان در نظر گرفته شود، تنها در ۲ نمونه (۷٪) تبعیت از استاندارد ملی مشاهده شد. مهمترین پارامترهای عدول از استاندارد کدورت و pH آب بود. نتایج نشان داد که کیفیت بهداشتی استخرهای شنا به کارایی سیستم فیلتراسیون در کنار وضعیت ضد عفونی استخر بستگی دارد. بنابراین، کلر آزاد، کدورت و pH شاخص های عملیاتی خوبی برای کنترل کیفیت استخرهای سرپوشیده بوده و باید در محدوده توصیه شده



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی گلستان، منطقه ۸ کشوری
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی گلستان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



حفظ شود تا از ضدعفونی مطلوب اطمینان حاصل شود. نتایج مطالعه حاضر لزوم پایش مستمر کیفیت آب استخرهای سرپوشیده را به منظور افزایش ایمنی و بهداشت استخر و آگاهی از مخاطرات احتمالی پیشنهاد می کند.

واژه های کلیدی: استخر شنا، کیفیت میکروبی، پارامترهای کیفی، استاندارد

استخراج اگزوزم حاصل از سلول های بنیادی پالپ دندان به منظور درمان بیماری ام اس

یوسف ترمه^۱، محسن مرزبان^۲، پانیز صدقی^۱، امیر محمد رحیم آبادی^۱، نظام الدین دیناری^۱، علی قربانی^۱

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر

۲. گروه تشریح، دانشگاه علوم پزشکی ایران شهر

چکیده

مقدمه: مولتیپل اسکلروز (MS) از مهمترین بیماریهای التهابی سیستم عصبی مرکزی می باشد، این بیماری شایعترین بیماری ناتوان کننده نورولوژیکی در بالغین جوان، به خصوص زنان بوده و از نظر بالینی طیف وسیعی دارد. در طی این بیماری غلاف میلینی فیبرهای عصبی از بین رفته و پلاک هایی در قشر سفید مغز و مخصوصاً اطراف بطن های مغزی ایجاد می گردد. داروهای کنونی موجود در بازار مثل اینترفرون بتا بسیار هزینه بر بوده و عوارض جانبی زیادی برای بیمار به دنبال دارد

روش کار: ابتدا سلول های بنیادی پالپ دندان را کشت میدهم در پاساژ سوم زمانی که غلظت سلول ها به ۹۰٪ رسید محیط رویی کشت را جدا کرده و با استفاده از پروتکل ویژه و دستگاه اولتراسانتریفیوژ اگزوزوم ها را جدا و خالص سازی میکنیم. در نهایت اگزوزوم ها را به شکل ویال آماده سازی میکنیم.

یافته ها: اگزوزوم های مشتق شده از سلول های بنیادی پالپ دندان میتوانند از سد خونی مغزی (BBB) گذر کرده و با اثر گذاشتن بر روی پیش ساز های الیگو دندروسایت های CNS و تمایز آن ها به سلول های بالغ بر ریمیلینیشن نرون ها اثر گذاشته و در نهایت با باز سازی غلاف میلین علایم و نشانه های بیماری را از بین ببرد.

نتیجه گیری: در بحث استفاده از اگزوزوم در درمان بیماری ام اس سوره سلول بنیادی مورد استفاده نامشخص است و محققان این پروژه با مطالعات و مشاهدات به این نتیجه رسیده اند که سلول بنیادی مزانشیمی پالپ دندان بهترین گزینه برای تولید اگزوزوم در درمان بیماری ام اس و ریکاوری بیماران تا حدود زیادی میباشد به طوری که فاز ریلپسینگ را کوتاه و ریمیتینگ را طولانی میکند. بنابراین در این طرح فناورانه به دنبال استخراج اگزوزوم های مشتق شده از سلول های بنیادی پالپ دندان به شکل ویال و تزریق آن هستیم

واژه های کلیدی: اگزوزوم مشتق شده از سلول های بنیادی پالپ دندان، بیماری MS، پزشکی ترمیمی

بررسی میزان افکار خودکشی و افسردگی در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم

مأده ربابی، مجتبی جعفری^۱، رضا قانع قشلاق^۲، پگاه دالوند^۳

گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی بم

گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی کردستان

گروه آمار، دانشگاه شاهرود

چکیده

مقدمه: خودکشی یک مشکل جدی بهداشت عمومی است که به نظر می رسد شیوع بالایی در بین دانشجویان داشته باشد. این مطالعه با هدف بررسی افکار خودکشی و عوامل مرتبط با آن در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بم انجام شد.

روش کار: این مطالعه مقطعی بر روی ۳۱۰ دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۱ انجام شد. برای جمع آوری داده‌ها از فرم‌های اطلاعات دموگرافیک و پرسش‌نامه افکار خودکشی، افسردگی دانشجویان و آرزوی مرگ استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS 24 به وسیله آزمون های توصیفی-تحلیلی و همچنین برای بررسی نسبت شانس متغیرهای مستقل با افکار خودکشی از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد.

یافته‌ها: میانگین سنی دانشجویان $21/84 \pm 2/6$ سال بود. میانگین نمرات افسردگی و تمایل به مرگ به ترتیب $16/43 \pm 4/58$ و $16/32 \pm 3/40$ بود. همچنین ۶۴ نفر (۲۰/۶٪) افکار خودکشی داشتند. با تعدیل تأثیر سن، جنسیت و وضعیت تأهل دانش آموزان، افزایش یک واحدی در نمرات افسردگی احتمال افکار خودکشی را تا ۶ درصد افزایش داد ($p=0/002$). همچنین نسبت شانس افکار خودکشی در دانشجویان پزشکی ۲/۹ نسبت به دانشجویان پرستاری بود ($p=0/028$).

نتیجه گیری: افکار خودکشی در بین دانش آموزان بسیار شایع است و وجود افسردگی احتمال این افکار را به میزان قابل توجهی افزایش می دهد. همچنین، شیوع افکار خودکشی در دانشجویان پزشکی تقریباً سه برابر بیشتر از دانشجویان پرستاری است. با توجه به اینکه دانش آموزان سرمایه های آینده هستند، لازم است دانش آموزان دارای افکار خودکشی یا افسردگی شناسایی و به مراکز درمانی معرفی شوند. همچنین کارگاه های آموزشی، مشاوره روانشناسی و جذابیت بیشتر محیط دانشگاه می تواند به کاهش افکار خودکشی کمک کند. از آنجایی که دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی دوره‌ها و حجم کاری فشرده دارند، برنامه‌های سرگرمی ماهانه و سایر فعالیت‌های آرامش بخش می تواند به بهبود روحیه آنها کمک کند.

واژه های کلیدی: خودکشی، افکار خودکشی، افسردگی، دانشجو، بهداشت عمومی

میزان تمایل به ترک خدمت و عوامل موثر بر آن در بین پزشکان شاغل در مناطق محروم: مطالعه موردی استان کرمان

سجاد خسروی^۱، محمد کریمی نوقی پور^۲، محبوبه راینی نژاد^۳

دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از مهم ترین مشکلات نظام های سلامت در مناطق محروم عدم ماندگاری پزشکان در محل کار است به طوری که برخی از مراکز بهداشتی درمانی برای مدتی فاقد پزشک می شود و تداوم خدمات قطع می شود. هدف پژوهش حاضر بررسی و شناسایی میزان و عوامل موثر بر ترک خدمت پزشکان شاغل در مناطق محروم در جنوب و شرق استان کرمان می باشد.

روش کار: این مطالعه از نوع تحلیلی و کاربردی بوده که به صورت مقطعی در سال ۱۴۰۰ در استان کرمان انجام گرفته است. جامعه مورد مطالعه کلیه پزشکان شاغل در مناطق محروم جنوب و شرق استان کرمان بودند که به صورت سرشماری مورد بررسی قرار گرفته اند. برای جمع اوری داده ها از پرسشنامه استاندارد استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های توصیفی و تحلیل آماری به ویژه آزمون های آماری میانگین، t یک نمونه ای و chi square استفاده شد، در پایان به منظور تعیین و بررسی عوامل موثر بر تمایل به ترک خدمت پزشکان شاغل در مناطق محروم از تحلیل های رگرسیون یک متغیره و چند متغیره استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان میدهد که از بین پزشکان مورد مطالعه، ۳۶.۳ درصد تمایل به همکاری و ۶۳.۷ درصد پزشکان تمایل به ترک خدمت را داشتند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که پنج عامل بیتوته نامناسب، بار مراجعه بالا و محرومیت منطقه، پرداخت های نامنظم و ادامه تحصیل به ترتیب به عنوان پنج عامل اصلی هستند که باعث ترک خدمت پزشکان در این منطقه می شوند. در این مطالعه یافته ها نشان داد که ارتباط معنی داری بین همه متغیرهای مورد بررسی به جز سن پزشک با تمایل به ماندگاری وی در برنامه وجود دارد.

نتیجه گیری: پیشنهاد می گردد که مسوولین و دست اندرکاران ترتیبی اتخاذ نمایند و عواملی که در این پژوهش جهت ماندگاری پزشکان شناسایی شده اند را مورد توجه قرار بدهند. حل مشکلات رفاهی و معیشتی پزشکان و پرداخت به موقع حقوق و مزایای آنان از مهمترین مسائلی است که باید در کانون توجه مسئولین قرار گرفته که موجب کاهش ریزش نیروهای پزشک و افزایش انگیزه آنها برای ارائه خدمات با کیفیت خواهد شد.

واژه های کلیدی: ماندگاری، پزشک، دانشگاه علوم پزشکی، منطقه محروم

بررسی ارتباط نگرش به آتانازی و مراقبت از بیماران در حال مرگ در دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۴۰۱

پرنیا صدیقیان، معصومه قاسمی، کیانا غفاری نژاد، مهلا عاقلی گوکی، حسین رضایی، فاطمه یزدان پناه، مجتبی جعفری

دانشگاه علوم پزشکی ایلام

چکیده

زمینه و هدف: امروزه علی رغم اینکه پیشرفت های علم پزشکی منجر به درمان بیماری ها و طولانی شدن عمر شده است، اما همچنان مرگ یکی از چالش های اصلی پیش روی انسان محسوب می شود. از آنجا که دانشجویان پزشکی نقش عمده ای در مواجهه با بیماران در حال مرگ خواهند داشت، نگرش آنان نسبت به مراقبت از این بیماران نقش مهمی بر کیفیت ارائه مراقبت دارد. از این رو در مطالعه حاضر به بررسی ارتباط نگرش مراقبت از بیماران در حال مرگ و آتانازی در بین دانشجویان پزشکی در سال ۱۴۰۱ پرداختیم.

مواد و روش ها: مطالعه مقطعی حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی می باشد که بر روی دانشجویان پزشکی دانشگاه علوم پزشکی ایلام در سال ۱۴۰۱ انجام گرفت. در این پژوهش نگرش به آتانازی با استفاده از پرسشنامه Euthanasia Attitude Scale (EAS) و نگرش به مراقبت از بیمار در حال مرگ با استفاده از پرسشنامه فروملت (FATCOD) مورد سنجش قرار گرفت. داده های جمع آوری شده جهت بررسی ارتباط نگرش به آتانازی با مراقبت از بیمار در حال مرگ و همچنین ارتباط آن ها با ویژگی های جمعیت شناختی دانشجویان با استفاده از نرم افزار SPSS v25 مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: در مجموع ۱۵۰ دانشجو مورد بررسی قرار گرفتند. میانگین سنی دانشجویان 23.20 ± 2.36 سال بود و ۵۳.۳٪ را زنان تشکیل می دادند. ۳۱.۱٪ سابقه شرکت در دوره اخلاق حرفه ای داشتند. میانگین نمره کل نگرش به آتانازی در مقیاس یک تا پنج برابر با 3.15 ± 0.43 بود و بیشترین نمره مربوط به زیرمقیاس ملاحظات اخلاقی و کمترین نمره مربوط به زیرمقیاس ملاحظات عملی بود. در مجموع ۶۹.۳٪ دانشجویان دارای نگرش مثبت به آتانازی بودند. میانگین نمره نگرش به مراقبت از بیماران در حال مرگ برابر با 3.20 ± 0.22 بود و ۸۰.۷٪ دانشجویان نگرش مثبتی نسبت به مراقبت از بیماران در حال مرگ داشتند. نمره نگرش به آتانازی و مراقبت از بیماران در حال مرگ ارتباط معناداری با شاخص های دموگرافیک (سن، جنسیت، وضعیت تاهل، وضعیت بومی بودن، مقطع تحصیلی) و سابقه گذراندن دوره اخلاق حرفه ای نداشت. همبستگی معناداری بین نمره نگرش به آتانازی با نگرش به مراقبت از بیماران در حال مرگ مشاهده نشد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که اکثریت دانشجویان پزشکی نگرش مثبتی نسبت به مراقبت از بیماران در حال مرگ داشتند. هرچند عمده دانشجویان با فلسفه اخلاقی آتانازی موافق بودند، اما برخی چالش ها از جمله ملاحظات عملی آتانازی، تعارض با ارزش زندگی انسان و التزام به مرگ طبیعی بر نگرش آن ها نسبت به آتانازی تاثیر گذار است. همبستگی معناداری بین نگرش نسبت به مراقبت از بیماران در حال مرگ با نگرش به آتانازی مشاهده نشد. با توجه به اینکه عمده دانشجویان سابقه شرکت در دوره های اخلاق حرفه ای را نداشتند، توجه به آموزش اصول اخلاق پزشکی و برنامه ریزی جهت شرکت در دوره های بازآموزی اخلاق حرفه ای اهمیت به سزایی دارد.

میزان وابستگی به تلفن همراه و ارتباط آن با کیفیت خواب در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

سعید میرزایی^۱، صادق دامپار^۲، راضیه تاجیک^۳

۱. دکتری مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، استادیار. دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی کرمان دانشگاه علوم پزشکی کرمان

۳. فارغ التحصیل رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. بیمارستان شهید باهنر

چکیده

مقدمه: نظر به اهمیت روزافزون استفاده مفرط از تلفن همراه در بین دانشجویان که منابع انسانی بسیار مهمی از جامعه هستند و همچنین کیفیت خواب آنها که در فعالیت های تحصیلی و یادگیری آموزشی آنها تاثیر می گذارند، این پژوهش با هدف بررسی میزان وابستگی به تلفن همراه و ارتباط آن با کیفیت خواب در بین دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند انجام شد.

روش کار: یک مطالعه توصیفی تحلیلی بود که بصورت مقطعی انجام گرفت، جامعه پژوهش شامل کلیه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند بود که نمونه گیری به صورت طبقه ای نسبتی انجام گرفت. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه ۲۸۰ نفر محاسبه شد. در این پژوهش از پرسشنامه استفاده مفرط از تلفن همراه جنارو^{۱۶} و همکاران که یک پرسشنامه ۲۳ سوالی به منظور سنجش استفاده مفرط از تلفن همراه تهیه شده است استفاده شد. پایایی این آزمون به روش همسانی درونی روی دانشجویان دختر و پسر اسپانیایی ۰.۸۷ گزارش شده است. در ایران نیز گلمحمدیان در هنجاریابی این مقیاس بر روی ۷۸۲ دانشجو اعتبار این آزمون به روش آلفای کرونباخ را ۰/۹۰ گزارش داد. همچنین اعتبار مقیاس از طریق بازآزمایی ۰/۷۱ محاسبه شد. اعتبار این ابزار در پژوهش صدوقی و محمد صلاحی بر اساس ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ ۰/۹۰ بود. همچنین به منظور سنجش کیفیت خواب از پرسشنامه کیفیت خواب پیتزبورگ که توسط بویسه^{۱۷} و همکاران تهیه شده است استفاده شد. برای تعیین پایایی پرسشنامه پیتزبورگ در نمونه پژوهش که در مطالعات قبلی انجام شده است، پاسخ های ۳۰ بیمار که ۱۰ درصد از کل نمونه را تشکیل می دادند، آلفای کرونباخ ۰/۷۹ به دست آمد. روایی محتوایی پرسشنامه نیز توسط کاکوئی و همکاران تایید شده است. در پژوهش صدوقی و محمد صلاحی ضریب اعتبار این پرسشنامه با استفاده از ضریب همسانی درونی از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۰ بود.

یافته ها: در بین دانشجویان پسر میانگین وابستگی به تلفن همراه $15/92 \pm 56/58$ و در بین دانشجویان دختر میانگین وابستگی به تلفن همراه $14/83 \pm 53/95$ بود. بر اساس آنالیز همبستگی پیرسون، همبستگی معناداری از نظر آماری میان وابستگی به موبایل با کیفیت خواب بدست آمد، ($P\text{-Value} < 0/05$) به گونه ای که افزایش وابستگی به تلفن همراه با کاهش میزان کیفیت خواب مرتبط بود.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان داد میزان وابستگی به تلفن همراه در بین دانشجویان زیاد و به گونه ای که استفاده از آن در شرایط مفرط است و با توجه به ارتباط معنی دار آن با کیفیت خواب، اختلالات خواب نیز در دانشجویان مشاهده شد.

واژه های کلیدی: تلفن همراه، دانشجویان، کیفیت خواب.

Jenaro¹⁶

Buysse¹⁷

تأثیر گندزدهای مبتنی بر کلر بر بیان ژنهای ویروالانس و ایجاد حالت زنده ولی کشت ناپذیر

(VBNC) پسودوموناس آئروژینوزا

زهرا کاظمی^۱، عبدالعلی گلپایگانی^{۱*}، رقیه عزیزی لاقانی^۱، محمدمهدی سلطانی سنگی

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

چکیده

مقدمه: پسودوموناس آئروژینوزا پاتوژن فرصت طلبی است که میتواند در انسان، بویژه در افراد با سیستم ایمنی سرکوب شده، بیماریهای حاد و مزمن ایجاد کند. این باکتری قادر به تنظیم رونویسی ژنهای ویروالانسی است که میتواند نهایتاً فاکتورهای برون سلولی مثل توکسینها، پروتازها و سایدروفورها را تولید نماید. ایجاد حالت زنده ولی کشتناپذیر (VBNC) از دیگر ویژگیهای پسودوموناس آئروژینوزا است که به علت حضور استرسزهای محیطی مثل دمای بالا و حضور عوامل ضد میکروبی ایجاد میشود که میتواند افزایش مقاومت باکتریها به آنتی بیوتیکها و گندزدها را تشدید کند. در حالت VBNC، باکتری زنده است ولی بعضی از قابلیت‌های حیاتی‌اش مثل تکثیر و رشد در محیطهای کشت در زمان متعارف را از دست میدهد که از جنبه بهداشت عمومی اهمیت بالایی دارد. هدف مطالعه، تعیین تأثیر شرایط گندزایی بر ایجاد حالت VBNC و تغییر در بیان ژنهای ویروالانس باکتری پسودوموناس آئروژینوزا از طریق مدل‌سازی بود.

روش کار: بعد از طراحی، بهینه سازی و تعیین کارایی پرایمرها و پروبهای مطالعه، استخراج RNA باکتری های محیطی و سویه استاندارد طبق دستورالعمل کیت شرکت سازنده High Pure RNA Isolation Kit (Roche، آلمان) و سنتز cDNA مطابق با دستورالعمل کیت شرکت Applied Biosystems) High-Capacity cDNA Reverse Transcription Kit (امریکا) بهینه سازی شد. ویژگیهای مهم باکتری شامل VBNC به روش رنگ آمیزی با پروپودیوم مونوآزاید (PMA-qPCR) با تکنیک مهار رونویسی ژن باکتری های مرده، و بیان چهار ژن ویروالانس باکتری (*toxA* و *lasB*، *rhlR*، *lasR*) با روش RT-qPCR انجام شد. با استفاده از طراحی آزمون، تأثیر شرایط گندزایی با کلر آزاد و کلر ترکیبی روی جداییهای چسبیده، پلانکتونی و سویه استاندارد *P. aeruginosa* strain PAO1 با روش استاندارد میکروتیتراپلید مدل‌سازی شد. برای تحلیل آماری از نرم افزار R و برای طراحی آزمون از روش (Central Composite Face-centred) CCF استفاده شد.

یافته ها: در آزمایشهای ویروالانس، ژن خانه گردانی *gyrB* با کمترین تغییرات بیان ($M=0/19$) توانست شرایط ژن رفرنس در بررسی بیان ژنهای ویروالانس را ارائه کند تا در فرایند نرمالیزه کردن داده های بیان ژن مورد استفاده قرار گیرد. تماس با کلر بیان *toxA* را دوبرابر افزایش و بیان *lasB* را تقریباً ۵۰٪ کاهش داد. بهر حال، به علت زمان کوتاه تماس با گندزدها، تنها مدل بیان ژن ویروالانس *lasB* از بین زیرمجموعه متغیرهای ویروالانس و VBNC معنی دار شد ($R2\ adjusted=0.8$ و $Q2=0.6$). خطوط کنتور مدل رنگ آمیزی با پروپودیوم مونوآزاید حاکی از این بود که در سویه PAO1 احتمال وجود حالت VBNC در غلظتهای بالاتر گندزدها کمتر است و بنابراین در غلظتهای بالا می توان از مرگ باکتری اطمینان بیشتری حاصل کرد. زمان تماس، غلظت کلر و pH کلیایی به ترتیب بیشترین تأثیر را در مدل VBNC داشتند.

اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیر - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

نتیجه گیری: نتایج بهینه سازی مدل برازش شده بر VBNC حاکی از آن است که کلر ترکیبی در بالاترین غلظت و زمان تماس آزمایش و pH خنثی می تواند بیشترین تاثیر را بر تغییر حالت *پسودوموناس آئروژینوزا* به VBNC داشته باشد. باید توجه داشت که احتمال شکست در این مدل بالاست و با توجه به سهم زمان تماس در این مدل (۶۲٪)، اگر از زمان تماسهای بالاتر برای گندزدایی استفاده شود، احتمال داشتن مدل قویتر و داده های با صحت و معنی داری بالاتر، بیشتر خواهد شد.

در مورد نتایج بهینه سازی مدل برازش شده بر ویروالانس شرایط متفاوت است و به جز نتایج بهینه سازی ژن *toxA*، کلر آزاد در غلظتهای متوسط تا کم و pH های کاملاً قلیایی، بیشترین تاثیر را در تغییر بیان ژنهای ویروالانس دارد. نتایج حاصل از بهینه سازی بیان ژن بسیار چالش برانگیز است، زیرا افزایش غلظت گندزداها با هدف افزایش کارایی باکتریکی آنها می تواند منجر به افزایش توان بیماریزایی باکتریهای باقی مانده بعد از فرایند گندزدایی یا حین گندزدایی شود.

واژه های کلیدی: *پسودوموناس آئروژینوزا*؛ VBNC؛ گندزدایی؛ مقاومت آنتیبیوتیکی؛ ویروالانس

بررسی مقایسه ای بروز آپاندیس عارضه دار قبل و حین همه گیری کووید ۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی بوم

امین فریدی عباس آباد، دکتر امیررضا صالحی، دکتر سحر ابراهیمی، اسما توکلی

چکیده:

مقدمه و هدف: آپاندیسیت شایعترین عمل جراحی شکم می باشد و با توجه به شرایط بیماری کرونا که سیاست گذاران توصیه هایی را برای ماندن در خانه اعمال کردند بیماران زیادی از ترس ابتلا به بیماری خود را در خانه قرنطینه نمودند و از مراجعه به بیمارستان سر باز زدند و بدین صورت برخی از اعمال جراحی به تعویق افتاد که این مهم منجر به کاهش تا ۵۰٪ ارائه خدمات بیمارستانی در بیمارانی شد که نیاز به انجام مراقبت های اورژانسی و انجام اعمال جراحی داشتند که این تاخیر خود می تواند سبب بروز آپاندیسیت عارضه دار در بیماران گردد به همین دلیل هدف از انجام این مطالعه بررسی مقایسه ای بروز آپاندیس عارضه دار قبل و حین همه گیری کووید ۱۹ در دانشگاه علوم پزشکی بوم می باشد.

مواد و روش ها: این مطالعه یک مطالعه گذشته نگر و هم گروهی آپاندیسیت حاد در سال ۱۳۹۸ در مقایسه با سال ۱۴۰۰ می باشد. جامعه آماری این مطالعه همه بیماران جراحی شده در بیمارستان پاستور بوم به علت آپاندیسیت بوده است که در نهایت ۱۲۰ بیمار جراحی شده در بیمارستان پاستور بوم به علت آپاندیسیت به عنوان نمونه در نظر گرفته شده است. ابزار جمع آوری داده در این مطالعه شامل چک لیستی بوده است که توسط محقق اطلاعات جمع آوری شده است. جهت تجزیه و تحلیل داده ها در این مطالعه از نرم افزار spss 22 و آزمون های آماری همبستگی پیرسون، کای دو و فیشر استفاده شده است.

یافته ها: نتایج مطالعه ما نشان داد که میزان بروز آپاندیس عارضه دار در گروه حین پاندمی (۱۴ نفر از ۳۲ نفر (۴۳.۸ درصد)) نسبت به قبل از پاندمی (۱۹ نفر از ۸۸ نفر (۲۱.۶ درصد)) افزایش داشته است و به طور کلی زنان نسبت به مردان در دو گروه مورد بررسی تعداد بیشتری را به خود اختصاص داده اند. همچنین در بررسی بیماری های زمینه ای و علائم قبل از عمل بیمار دیابت نشان داد به ترتیب دیابت و درد شکم در دو گروه قبل و حین پاندمی بیشترین فراوانی را داشته است.

بحث و نتیجه گیری: با انجام این مطالعه در سطح شهرستان به این نتیجه دست یافتیم که ارتباط مستقیمی بین اعمال محدودیت های مرتبط با کووید ۱۹ و شدت آپاندیسیت حاد وجود دارد. همچنین افزایش قابل توجه در بروز آپاندیسیت عارضه دار و کاهش همزمان تعداد بیماران مبتلا به آپاندیسیت بدون عارضه در طول بحران کووید ۱۹ می تواند نشان دهنده این باشد که بیمارانی که نیاز به مداخله جراحی فوری دارند به دنبال مراقبت به موقع و مناسب نیستند.

واژه های کلیدی: آپاندیس، همه گیری، کووید ۱۹، بوم

بررسی آنتی بادی های سرمی سیتومگالوویروس (CMV) در زنان باردار مراجعه کننده به آزمایشگاه مرکزی شهرستان بم در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۰

سید مجتبی مرتضوی^{۱*}، الهام نژادجمعه^۲، رضوان باقری^۳، فائزه رضائی فرد^۴، حکیمه خلیلی^۵، سمانه دریجانی^۶

۱. کارشناسی ارشد میکروب شناسی پزشکی، مرکز بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات و فن آوری دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. کارشناسی ارشد ژنتیک، بیمارستان پاستور بم، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۴. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات و فن آوری دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۵. دکتری تخصصی بالینی، آسیب شناسی و پاتولوژی، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۶. دکتری تخصصی بالینی، بیماری های عفونی و گرمسیری، بیمارستان پاستور بم، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: سیتومگالوویروس (Cytomegalovirus: CMV) یکی از ویروس های پاتوژن و از شایع ترین علل عفونت های مادرزادی محسوب میشود که در ۰/۱۵ تا ۲ درصد از تمام حاملگی ها رخ می دهد و از اهمیت ویژه ای برخوردار است زیرا نه تنها سلامت مادران باردار را تهدید نموده، بلکه موجب مرگ جنین و بروز ناهنجاری های مادرزادی نیز می گردد. مطالعه حاضر به منظور بررسی میزان شیوع آنتی بادی و ارتباط آن با سابقه بیماری، سابقه سقط، تعداد حاملگی، سن مادر، سابقه سقط، شغل و محل زندگی مادر بر روی مادران باردار مراجعه کننده به آزمایشگاه مرکزی شهرستان بم انجام شده است.

روش کار: این بررسی یک مطالعه مقطعی برای اندازه گیری سطح آنتی بادی های ضد سیتومگالوویروس (IgG و IgM) در ۱۳۰ نفر از خانم های باردار مراجعه کننده به آزمایشگاه مرکز بهداشت شهرستان بم در شش ماه (سه ماهه آخر سال ۱۴۰۰ و سه ماهه اول سال ۱۴۰۱) می باشد. داده ها با استفاده از پرسشنامه و نمونه سرم خون و انجام آزمایشات سرولوژی به روش الایزاجمع آوری و ثبت گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۱ و با بهره گیری از آزمون های آماری مجذور کای صورت گرفت.

یافته ها: در این بررسی ۱۳۰ نفر از خانم های باردار مراجعه کننده به مرکز بهداشت شهرستان بم شرکت داشتند که در طیف سنی ۱۶ تا ۴۰ سال بودند ۲۵ مورد از نمونه ها زیر ۲۰ سال و ۶۸ مورد از نمونه ها بین ۳۰-۲۱ ساله و ۳۷ نفر از آنها ۳۰ سال داشتند. از لحاظ شغلی ۱۱۷ نفر خانه دار و ۳ نفر کارمند و ۱۰ نفر آزاد بودند. ۱۰۷ نفر از افراد ساکن شهر و بقیه ۲۳ نفر در روستاهای اطراف شهر بم ساکن بودند. در ارتباط با میزان شیوع آنتی بادی های اندازه گیری شده در زنان باردار ۹۷/۷ درصد (۱۲۷ مورد) از نظر IgG مثبت و در ۲/۳ درصد (۳ مورد) منفی بودند همچنین میزان شیوع IgM در ۱۰/۸ درصد (۱۴ مورد) مثبت و در ۸۹/۲ درصد (۱۱۶ مورد) منفی بود.

نتیجه گیری: ارتباط بین عوامل: سن مادر، سابقه سقط، مادر با سابقه بیماری با عفونت سیتومگالوویروس از نظر بررسی وجود IgG و IgM معنی دار نشد. نتایج این مطالعه نشان داد که بین مثبت بودن IgG و شغل مادر ارتباط معنی داری یافت نشد. ولی ۱۰۰ درصد از افراد دارای IgM مثبت خانه دار بودند و بین این دو عامل ارتباط آماری معنی داری دیده شد. در این مطالعه ۹۹/۱ درصد (۱۰۶ مورد) از افراد دارای IgG مثبت و ۱۰/۳ درصد (۱۱ مورد) از افراد دارای IgM مثبت در شهر زندگی می کردند، تجزیه و تحلیل آماری بین این دو متغیر نیز ارتباط معنی دار نشان داد. ولی رابطه معنی داری بین عفونت سیتومگالوویروس و زندگی در روستا دیده نشد. این مطالعه نشان داد که ۸۶/۶ درصد (۱۱۰ مورد) از موارد مثبت IgG در تعداد حاملگی ۳-۱ بودند و ارتباط بین این دو نوع معنی دار بود. و در ضمن ۱۰/۸ درصد (۹ مورد) از موارد مثبت IgM با تعداد حاملگی ۳-۱ ارتباط معنی داری یافت شد.

واژه های کلیدی: سیتومگالوویروس، آنتی بادی های سرمی، زنان باردار

بررسی ارتباط بین مهارتهای فراشناختی با عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰

ندا محمدی نیا^۱، زهرا کاظمی^{۲*}، نازنین افصلی^۳، زهرا سالاری^۳

۱- گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۲- کارشناس آموزش، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۳- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

مقدمه: پیشرفت تحصیلی، توانایی آموخته شده یا اکتسابی فرد در موضوعات آموزشی است که با آزمون های استاندارد شده اندازه گیری می شود. موضوع پیشرفت تحصیلی اهمیت ویژه ای دارد و به همین دلیل عوامل مرتبط با آن، از دیرباز مورد علاقه بسیاری از محققان، صاحب نظران و دست اندرکاران آموزش عالی بوده است که از مهمترین آن، راهبردهای فراشناختی است. هدف از مطالعه حاضر هم ارتباط بین مهارتهای فراشناختی با عملکرد تحصیلی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوم در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع توصیفی - تحلیلی است که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ انجام شد. نمونه با استفاده از فرمول حجم نمونه و نظر مشاور آماری ۱۶۰ نفر بود که به روش نمونه گیری طبقه ای تصادفی نسبی از بین دانشجویان ورودی ۹۹ سه دانشکده پزشکی، بهداشت و پرستاری و مامایی، انتخاب شدند. داده ها با استفاده از سوالات دموگرافی و پرسشنامه استاندارد مهارتهای فراشناختی (مختاری و ریچارد) جمع آوری و از طریق نرم افزار آماری SPSS ورژن ۲۲ و آزمونهای تی تست، آنالیز واریانس یکطرفه و ضریب همبستگی پیرسون آنالیز شد.

یافته ها: نتایج نشان داد بیشترین تعداد نمونه (۵۷٪) زن، از (۴۶/۶٪) دانشکده پرستاری و (۱۹/۲٪) رشته پزشکی بودند. میانگین نمره آگاهی فراشناختی 18.82 ± 106.40 بود که از میانه (۷۵) بیشتر بوده است. بین متغیر عملکرد تحصیلی با آگاهی فراشناختی رابطه معناداری در سطح $p < 0.05$ دیده شد یعنی با افزایش آگاهی فراشناختی، عملکرد تحصیلی هم افزایش می یابد. از متغیرهای آگاهی فراشناختی، بینمتغیر راهبرد های حل مساله و عملکرد تحصیلی با ۹۵ درصد اطمینان رابطه معنادار نشان داد.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد مهارتهای فراشناختی در پیشرفت تحصیلی دانشجویان نقش بسزایی دارد بنابراین ضروری است با ارائه نتایج به برنامه ریزان آموزشی، کارگاهها، پمفلت ها و حتی آموزشهای غیر رسمی در کلاس جهت افزایش مهارتهای مذکور در دانشجویان تدارک دید تا بدین وسیله به بهبود عملکرد تحصیلی آنها کمک کرد.

واژه های کلیدی: مهارتهای فراشناختی، عملکرد تحصیلی، دانشجوی بوم

بررسی شدت اضطراب مادران کودکان بستری شده در بیمارستان پاستور شهرستان ایلام بهار ۱۴۰۲

زهرا یوسفی^۱، سمیه مویدی^۲، فاطمه یوسفی^۳، ندامحمدی نیا^۴

دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

مری گروه پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

کارشناس آمار و کاربردها، دانشکده علوم، دانشگاه شیراز، شیراز، ایلام

استادیارگروه پرستاری، کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام

چکیده

مقدمه: بیماری و بستری شدن کودک در بیمارستان یک رویداد اضطراب آور برای کودک و والدین او محسوب می شود. میزان اضطراب والدین خصوصاً مادران در برقراری ارتباط درمانی با کودک و مشارکت مادر در اجرای مراقبت و مداخلات پرستاری مؤثر است. مطالعه حاضر با هدف بررسی شدت اضطراب در مادران کودکان بستری شده در بیمارستان پاستور ایلام انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی، ۷۰ نفر از مادرانی که کودکانشان در بیمارستان پاستور، وابسته به دانشگاه علوم پزشکی ایلام بستری شده بودند، شرکت نمودند. پس از اخذ رضایت از مادران، پرسشنامه هایی حاوی سوالات مشخصات دموگرافیک و حالت - رگه اضطراب اسپیل برگر، توسط آنان تکمیل گردید، داده ها با استفاده از آزمون کای اسکور و براساس تفسیر نمرات پرسشنامه حالت - رگه اسپیل برگر مورد بررسی قرار گرفت، میانگین شدت اضطراب در دو مقیاس حالت اضطراب (اضطراب آشکار) و رگه اضطراب (اضطراب پنهان) در مادران مشخص شد.

یافته ها: در مطالعه حاضر میانگین شدت اضطراب مادران در دو مقیاس حالت و رگه اضطراب بررسی شده است. با توجه به نتایج آماری، میانگین حالت اضطراب افراد، شدید بوده است ($M=61.2$)، و میانگین رگه اضطراب افراد نیز شدید بوده است ($M=56.9$). با توجه به Sig بین حالت و رگه اضطراب همبستگی وجود دارد ($\alpha = .018$)، بین سن و رگه اضطراب ارتباط معنادار است ($\alpha = .04$)، بین استعمال دخانیات و حالت اضطراب ارتباط معنادار است ($\alpha = .009$)، ارتباط معناداری بین حالت - رگه اضطراب و سایر متغیرهای دموگرافیک (بیماری مزمن و وضعیت شغلی و...) یافت نشد.

نتیجه گیری: با توجه به داده های جمع آوری شده تعداد افرادی که دارای حالت و رگه اضطراب شدید هستند، بیشترین تعداد بوده و تعداد کمی از افراد حالت و رگه اضطراب خفیف دارند. با توجه بررسی های آماری انجام شده بین دو مقیاس حالت و رگه اضطراب: تعداد مادرانی که دارای حالت اضطراب شدید هستند نسبت به تعداد مادرانی که دارای رگه اضطراب شدید بودند، بیشتر بود. بنابراین سازمانهای بهداشتی درمانی باید بیش از پیش در فراهم آوردن امکانات لازم بخصوص در بخشهای کودکان و اهتمام به آموزش مادران و سایر روشهای کاهش اضطراب در تعدیل آن بکوشند تا مادران، نقش بیشتری در مراقبت درمانی کودکان خود داشته باشند.

واژه های کلیدی: شدت اضطراب، کودک بستری، مادران کودک بستری

بررسی میزان رعایت حریم خصوصی از دیدگاه بیماران بستری در بیمارستان پاستور شهر بم در سال ۱۴۰۱

پرستو یاری^۱، نرگس میرزاده^{۲*}، مجتبی جعفری^۳، فائزه محسن بیگی^۴

۱. دانشجو، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران

۲. مربی، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. مربی، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۴. دانشجو، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: حریم خصوصی یکی از مهمترین ابعاد حقوق بیمار است و احترام به حریم خصوصی بیماران باعث حفظ شأن و منزلت آن ها شده و دامنه ای از اعتماد متقابل را بین بیمار و تیم درمانی ایجاد می کند. همچنین حفظ حریم خصوصی و عزت بیماران با ایجاد رضایتمندی در آن ها سبب ارتقا کیفیت ارائه خدمات می شود که یکی از اهداف مهم سازمان های ارائه دهنده خدمات بهداشتی می باشد، لذا این مطالعه با هدف بررسی میزان رعایت حریم خصوصی از دیدگاه بیماران بستری در بیمارستان پاستور در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی ۱۶۷ بیمار بستری در بخش های مختلف بیمارستان پاستور وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بم با روش نمونه گیری دردسترس شرکت داشتند. داده ها با استفاده از پرسشنامه دو قسمتی که بخش اول اطلاعات دموگرافیک، بخش دوم حریم خصوصی بیماران بستری جمع آوری شد. داده های حاصل توسط نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ و با استفاده از شاخص های توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در این مطالعه اکثریت مشارکت کنندگان را افراد مونث (۶۴.۷) با میانگین سنی ۳۵.۶ تشکیل دادند. طیف نمره رعایت حریم خصوصی بین ۳۰-۹۱ با میانگین (۴۷.۱) بدست آمد. یافته ها نشان داد که میانگین نمره حریم خصوصی در مردان بیشتر از زنان بود هر چند این اختلاف از لحاظ آماری معنا دار نبود. همچنین بین سطح تحصیلات، وضعیت اقتصادی و همچنین تعداد روزهای بستری با میزان رعایت حریم بیمار ارتباط وجود نداشت.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که میزان رعایت حریم خصوصی از دیدگاه بیماران در حد مطلوبی نبود، بنابراین می بایست جهت افزایش رضایتمندی بیماران و بهبود ارائه خدمات در مورد رعایت حریم خصوصی به عنوان شاخصی از موضوع ایمنی بیمار تاکید بیشتری صورت گیرد، لذا توجه بیشتر مسئولین جهت برنامه ریزی اصولی برای رعایت حریم بیماران در حوزه بالین و آموزش ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: حریم خصوصی، بیماران، اخلاق حرفه ای، مراقبت



Establishment and revision of water and drinking water quality standards/guidelines/criteria

*Roqayeh Azizi¹, Abdolali Golpayegani*¹, Mohammad mahdi Soltani sangi¹, Zohre Kazemi¹*

1. Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: Wide range and high concentrations of chemical contaminants in water resources threat millions of people in the world. Water quality standards are the both regulatory and scientific fundamentals of programs which established to protect the safety of waters, and the primary purpose of these standards is protection of human health over lifetime. This study will try to declare the process of setting and revising chemical drinking water standards for researchers, authorities and officials who were involved in water regulatory, supply and surveillance.

Methods: Using systematic search protocol, appropriate papers, reports, factsheets and other valid resources were reviewed and the basic methodology for establishing and revision of water standards among international organizations (WHO and EPA) and some selected countries were compared. With distinction between guidelines, criteria and standards for drinking and ambient water quality, procedures involved for establishing of each of them was presented. After pointing the properties that are used in any organization/country, the risk assessment processes were described comprehensively for carcinogen and non-carcinogen contaminants.

Results: Drinking water regulatory institute should firstly consider the health risk alongside its special sociocultural, environmental, technical and economic possibilities, with regard to dietary and other conditions affecting potential exposure circumstances in adopting their standards. Secondly, identification and prioritization of constituents that have related to the local circumstances are important for the national water policy-makers, ensuring that cost and resources will be directed to highest priorities constituents that have significant public health. Prioritized contaminants and development of scientific methods for risk assessment in the body of international guidelines, along with development and promotion of international databases, and results of comprehensive systematic reviews would deeply assist the ability of countries to prepare their national standards. The processes for regulation of drinking water guidelines were presented schematically in flow diagrams, including chemical risk assessments and risk management.

Conclusions: There is no single approach to be universally accepted in setting standards, so every country should consider its accepted health risk alongside its special sociocultural, environmental, technical and economic possibilities, and other conditions affecting potential exposure. Besides emphasis on the protection of public health, adopted standards should be realistic, scientific and measureable, ensuring that the costs and resources will be directed to highest priorities.

Keywords: Drinking Water Guidelines; Standard Establishment; Standard Revision; Risk Assessment; World Health Organization; Environmental Protection Agency

بررسی فراوانی اختلالات چشایی و بویایی در بیماران با تشخیص Covid-19 مراجعه کننده به بیمارستان پاستور در سال ۱۴۰۰

فهیمة شهمرادزاده^۱، محمد علی رئیسی^۲، سیده محدثه حسینی^۳، زهره سرحدی نژاد^۴*

۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲ مرکز بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳ کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۴ پایگاه تحقیقات بالینی، بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: نتایج پژوهش های مختلف حاکی از کاهش میزان بویایی و چشایی افراد در اثر ابتلا به ویروس Covid-19 می باشد که علت آن هنوز مشخص نیست. اما این فرضیه وجود دارد که این ویروس در بدن بعضی از افراد با افت حس چشایی و بویایی واکنش نشان دهد. بنابراین افرادی که با چنین علائمی روبرو شدند، ممکن است ناقل بیماری باشند. به همین دلیل هدف از انجام این مطالعه بررسی فراوانی اختلالات چشایی و بویایی و ارتباط آن با عوامل مرتبط در بیماران با تشخیص Covid-19 مراجعه کننده به بیمارستان پاستور بم در تابستان ۱۴۰۰ می باشد.

روش کار: این پژوهش یک مطالعه توصیفی، تحلیلی می باشد که در میان کلیه پرسنل کادر درمان مشغول به فعالیت در بیمارستان پاستور بم در سال ۱۴۰۰ انجام شده است. نمونه گیری در این پژوهش از نوع آسان و در دسترس بوده است و جمع آوری اطلاعات از طریق پرسشنامه ای که متشکل از ۴ بخش می باشد انجام شده است. پس از جمع آوری داده ها اطلاعات توسط نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه بیشترین تعداد مشارکت کنندگان را مردان (۹۰ نفر) و گروه سنی ۵۰-۳۰ در بر می گیرند. یافته های رادیولوژیک در بیشترین (۱۴۸ نفر) گراند گلس را نشان داده است. بیشترین تعداد مشارکت (۶۶ نفر) دارای اولین احساس کاهش آنوسمی / دیسژوزیا بعد از ابتلا به کووید بودند. بیشترین تعداد مشارکت کنندگان در این مطالعه (۷۹ نفر) تحت درمان آنوسمی / دیسژوزیا قرار نگرفته اند. بیشترین تعداد مشارکت کنندگان (۴۰ نفر) در روز ششم به بعد علائم آنوسمی / دیسژوزیا نشان داده اند و بیشتر افراد (۷۸ نفر) دارای شروع اختلالات پیشرونده بوده اند.

نتیجه گیری: یکی از اختلالات ایجاد شده در طول دوره بیماری که می تواند بر کیفیت زندگی بیماران تاثیر بگذارد حس بویایی و چشایی است. این مطالعه نشان داد که در میان متغیرهای مورد بررسی عواملی چون محل سکونت بیمار، عوامل خطری چون ارتباط نزدیک با یک مورد تایید شده کووید ۱۹ و سیگاری بودن فرد، بستری بودن فرد و روز شروع اختلال چشایی و بویایی در فرد بیشترین تاثیر را در بروز این اختلالات داشته است و با توجه به جدید بودن بیماری، در بقیه متغیرهای مورد بررسی نیاز به مطالعات بیشتر دیده می شود.

واژه های کلیدی: اختلالات چشایی، اختلالات بویایی، کرونا ویروس، بیمارستان پاستور بم

بررسی موانع گزارش خطا از دیدگاه پرستاران مرکز آموزشی درمانی پاستور بم در سال ۱۴۰۱

کوثر نورعلی^۱، فاطمه عمرانی^۲، محمد جواد اکبریان بافقی^۳، نادیا ارومیه ای^۴

۱. فارغ التحصیل رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. فارغ التحصیل رشته مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. استادیار، گروه مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۴. استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده:

مقدمه: خطاهای پزشکی یکی از چالش های مهم و مورد توجه در نظام سلامت است. مطالعه حاضر با هدف بررسی موانع گزارش خطا از دیدگاه پرستاران مرکز آموزشی درمانی پاستور بم انجام گردید.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه تحلیلی و به صورت مقطعی (cross sectional) می باشد که در سال ۱۴۰۱ انجام شده است. جامعه پژوهش کلیه پرستاران شاغل در مرکز آموزشی درمانی پاستور بم می باشند که تعداد آنها ۲۷۱ نفر بوده و به روش سرشماری انتخاب شده اند. در این مطالعه از پرسشنامه موانع گزارش خطا استفاده شده که در مطالعه نوحی و همکاران مورد استفاده قرار گرفته است. برای تجزیه و تحلیل داده های پژوهش از نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ و از آزمون های آمار توصیفی و تحلیلی استفاده شده است.

یافته ها: بر اساس نتایج پژوهش، میانگین نمره موانع گزارش خطا در بین پرستاران در سطح متوسط $59/15 \pm 67/13$ قرار دارد. سوالات پرسشنامه موانع گزارش خطا شامل دو حیطه موانع مربوط به مدیریت پرستاری $13/66 \pm 4/14$ و موانع مربوط به کارکنان پرستاری $46/01 \pm 12/31$ می باشد. یافته ها حاکی از آن است که نمره موانع گزارش خطا در حیطه مدیریت (۶۸/۳ درصد) بیشتر از حیطه کارکنان (۵۸/۲۴ درصد) می باشد. در حیطه موانع مدیریتی گویه های عدم دریافت بازخورد مثبت از طرف مدیران پرستاری به دنبال گزارش خطا، وجود بعضی باورهای غلط در مدیران پرستاری نسبت به خطای انسانی و تمرکز مدیر پرستاری بر خطای انسانی (شخص خطاکار) بدون توجه به سایر عوامل موثر در بروز خطا به عنوان سه اولویت نخست موانع گزارش خطا شناسایی شدند. در حیطه موانع مربوط به کارکنان پرستاری نیز گویه های واضح نبودن تعریف خطای کاری برای کارکنان پرستاری، نگرانی از ایجاد نگرش منفی در بیمار و وجود مسائل و پیگردهای قانونی بیشترین امتیاز را کسب نمودند.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی ایلام، منطقه هشت، به استقامت و شجاعت
دانشگاه علوم پزشکی ایلام - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



نتیجه گیری: با توجه به اینکه عوامل مدیریتی مهم ترین مانع برای گزارش دهی خطا برای پرستاران بودند، این موضوع بیانگر این می باشد که مدیران پرستاری باید با ایجاد فرهنگ تشویق به گزارش دهی در سازمان و با تغییر نگرش فردی به نگرش سیستمی، برگزاری دوره های آموزشی لازم و فراهم آوردن شرایط کاری مناسب برای پرستاران، بستر لازم برای گزارش دهی خطای پرستاری را فراهم نمایند.

واژه های کلیدی: خطا، موانع گزارش خطا، پرستاران، بیمارستان، ایران

بررسی مقاومت به متی سیلین استاف اورئوس با استفاده از دیسک های آنتی بیوتیک های اگزاسیلین، سفوکستین و متی سیلین در بینی پرستاران و نیروهای خدماتی بیمارستان مرادآباد در سال ۱۴۰۰

رضوان باقری برواتی^۱، مجید محمدی^۲، عل رادفر^۳، ام البنین معتمد^۲، سید مجتبی مرتضوی^{۳*}

۱. پایگاه تحقیقات بالینی، بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بم. بم ایران

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم. بم ایران.

۳. مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم. بم ایران

چکیده:

مقدمه و هدف: استافیلوکوک اورئوس مقاوم به متی سیلین یکی از مهم ترین پاتوژنهای موجود در بیمارستان و جامعه می باشد. که یکی از منابع مهم انتشار این میکروارگانیسم ناقلین شاغل بخصوص ناقلین بینی استافیلوکوک اورئوس مقاوم به متی سیلین (MRSA) در بیمارستان ها می باشد. هدف از این مطالعه بررسی میزان ناقل بودن پرستاران نسبت به استافیلوکوک اورئوس مقاوم به متی سیلین (MRSA) و همچنین مقایسه ای بین نتایج مقاومت به اگزاسیلین و سفوکستین جهت تشخیص استافیلوکوک اورئوس مقاوم به متی سیلین (MRSA) می باشد.

مواد و روش ها: در این مطالعه از بینی ۲۰۰ نفر از پرستاران بیمارستان مرادآباد با سوآپ های پنبه ای استریل از قسمت قدامی بینی نمونه ها اخذ و بلافاصله به محیط کشت BHI حاوی یک درصد اگار و ۷ درصد NaCl انتقال داده شدند. جهت تشخیص استافیلوکوک اورئوس از تست های افتراقی استفاده شد. سپس، سویه های مقاوم به متی سیلین با سویه استاندارد مقایسه و به روش دیسک دیفیوژن (Kirby-Bauer) با آنتی بیوتیک های اگزاسیلین ۱ ماکروگرم و سفوکستین ۳۰ ماکروگرم طبق معیار CLSI مورد بررسی قرار گرفت. نتایج توسط نرم افزار SPSS20 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: از ۲۰۰ نمونه گرفته شده از بینی پرستاران، ۵۲ ایزوله (۲۶٪) استافیلوکوک اورئوس جداسازی شد. که بیشترین میزان مربوط به بخش اورژانس ۸ ایزوله (۳۳٪) و کمترین بخش اعصاب و روان ۲ ایزوله (۱۱٪) بود. در بررسی با روش دیسک دیفیوژن ۲۹ ایزوله استافیلوکوک (۱۴/۵٪) به عنوان MRSA شناسایی شدند. ۱۷ سویه از این تعداد استافیلوکوک اورئوس MRSA مربوط به دیسک ۱ اگزاسیلین (۳۲/۷٪) و ۱۲ نمونه (۲۳٪) مربوط به دیسک ۳۰ μg سفوکستین بودند. بیشترین MRSA مربوط به بخش اورژانس با ۴ ایزوله (۱/۲٪) و کمترین MRSA مربوط به با ۱ ایزوله (۰/۳٪) گزارش شد.

نتیجه گیری: این بررسی نشان داد که مقاومت به سفوکستین کمتر از اگزاسیلین گزارش شد و می توان به عنوان درمان از آن استفاده کرد همچنین نتایج این پژوهش نشان داد که ۲۶٪ پرسنل ناقل این باکتری در بینی خود بوده و بروز MRSA در این مرکز درمانی به سطح (۱۴/۵٪) رسیده است و ما باور داریم که در حال حاضر یک فرصت مداخله موثر در محدود کردن شیوع MRSA در سطح مراکز بهداشتی و جامعه وجود دارد اما قطعاً این فرصت در آینده وجود نخواهد داشت.

کلمات کلیدی: استافیلوکوک مقاوم به متی سیلین، مقاومت آنتی بیوتیکی

Associated Factors of First-Birth Interval among Women in Reproductive Age, Addressing Maternal and Child Health Short running title: First-Birth Interval among Women

Tania Dehesh^{1,2}, Neda Malekmohammadi^{1,3}, Paria Dehesh⁴

- 1- Department of Biostatistics and Epidemiology, School of Public Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.
- 2- Modeling in Health Research Center, Institute for Futures Study in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran
- 3- HIV/STI Surveillance Research Center, and WHO Collaborating Center for HIV Surveillance, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran.
- 4- Department of Epidemiology, School of Public Health, Iran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

Abstract

Background: The first-birth interval directly influences family size and maternal and child mortality. The objective of this study is to investigate factors associated with the time of the first-birth after the first marriage among women in Iran.

Methods: In this cross-sectional study, the first birth history of 1350 women aged 15-49 years was collected in Kerman (southern Iran) in 2018. To assess the predictor variables of the first-birth interval and calculate the adjusted hazard ratios, multivariate Cox regression was used. The P-value <0.05 was considered as significant. The statistical analysis of data was performed using SPSS version 22.

Results: The average of the first-birth interval was 2.5 ± 0.8 years. Woman's age at marriage (HR=1.48, 95% CI:1.32-2.48), husband's age at marriage (HR= 1.88, 95 % CI:1.62-2.03), age at the first menstruation (HR=1.53, 95 % CI: 1.24-2.53), being rural residents (HR=2.041, 95 % CI: 1.26-2.95), and having engagement period (HR=1.85, 95 % CI: 1.52-3.05) were associated with short first-birth interval, and woman's BMI (HR=1.72, 95 % CI:1.54-2.77), woman's university educational level (HR= 1.47, 95 % CI:1.35-2.57), husband's university educational level (HR=1.39, 95 % CI: 1.32-2.51), contraception use (HR=2.28, 95 % CI:1.12-2.86) and income sufficiency (HR=2.25, 95 % CI:1.12-2.96) were associated with long first-birth interval.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی کلان منطقه، به استقامت و شجاعت
دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



Conclusions : Being a rural resident is the most influential predictor of short first-birth interval and income sufficiency is the most influential predictor of long first-birth interval.

Key words: First-birth interval; Behavioral; Cox Regression Model

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بررسی میزان رضایتمندی بیماران از کیفیت مراقبت های پرستاری در بیمارستان پاستور بم

کیانا غفاری نژاد^{۱۸}، سمیه مویدی^{۱۹}، مهلا عاقلی^{۲۰}

۱. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. مربی گروه پرستاری، دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. دانشجوی کارشناسی پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده:

مقدمه: یکی از اصول اساسی مدیریت خدمات بهداشتی درمانی ارزشیابی سیستم است. و یکی از جنبه های ارزشیابی، میزان رضایت از خدمات بهداشتی ارائه شده می باشد و رضایت دریافت کننده خدمات یکی از معیارهای بالا بودن کارایی سیستم است. رضایتمندی بیماران یکی از شاخص های مهم برای سنجش کیفیت مراقبت پرستاری است که در بهبود بیماران نقش مهمی دارد. در بین مشاغل مرتبط با سلامت، پرستاران زمان بیشتری جهت ارائه خدمات سلامت در کنار بیماران بستری حضور دارند و باید بررسی مداوم ارتقا کیفیت مراقبت پرستاری، مورد توجه صاحب نظران و سیاستگذاران سلامت باشد. رضایت مندی یعنی قضاوت در مورد ویژگی محصول یا خدمت. از آنجایی که یکی از مهم ترین اقدامات در چرخه جلب رضایت، سنجش میزان رضایت افراد از کالا یا خدمات دریافتی است. به دلیل اهمیت روز افزون این امر سنجش رضایت اشخاص، برخی سازمان های عرضه کننده برنامه های دوره ای مناسبی برای این امر طراحی کرده اند تا از این طریق بتوانند سطح عملکرد خود را بهبود بخشیده و در راستای پیشرفت اهداف خود گام بردارند. با توجه به آنچه که بیان شد پژوهش همبستگی حاضر با هدف بررسی میزان رضایتمندی بیماران از کیفیت مراقبت های پرستاری در بیمارستان پاستور بم در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی مقطعی، جامعه آماری متشکل از بیماران مراجعه کننده به ۷ بخش بیمارستان پاستور بم می باشد و ۲۱۰ نفر بیمار با روش نمونه گیری طبقه ای متناسب نسبت به تکمیل پرسشنامه اقدام کردند. داده های پژوهش با استفاده از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون t تک نمونه ای، آنالیز واریانس یکطرفه (آنووا)، آزمون لون و ...) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند ابزار جمع آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته رضایتمندی بیماران (PSI; patient satisfaction instrument) که شامل

پرسشنامه دموگرافی و سوالات رضایتمندی است و با مصاحبه حضوری تکمیل و جمع آوری گردید. روایی پرسشنامه با استفاده از نظر خبرگان و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ تایید گردید.

یافته ها: از مجموع ۲۱۰ نفر بیمار مورد بررسی ۱۲۰ نفر (۵۷.۱ درصد) زن و ۹۰ نفر (۴۲.۸) مرد بودند. بر اساس نتایج حاصله از نرم افزار SPSS مشخص شد که بین رضایت بیماران و دو متغیر «سن بیمار» و «بخش بستری» ارتباط معناداری وجود دارد. همچنین مشخص گردید هیچ تفاوت معنی داری بین رضایت بیماران از خدمات پرستاری و متغیرهای شغل، تحصیلات، نوع بیمه و جنسیت بیمار وجود ندارد. افراد بستری در بخشهای دیالیز و CCU بیشترین میزان رضایت از «مهارت عملی پرستاران»، «نحوه برخورد و رفتار پرستاران با بیماران» و «دسترسی و رسیدگی پرستاران» نسبت به سایر بخشهای بیمارستان را اعلام کردند و همچنین سه بخش اورژانس، داخلی و کودکان به ترتیب کمترین میزان رضایتمندی بیماران از خدمات پرستاری را بخود اختصاص داده اند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد میزان رضایت بیماران از مراقبت های پرستاری بالاتر از میانگین قرار دارد ((اختلاف میانگین (۱/۱۱۴) و فاصله اطمینان (۱/۲۴۴ - ۰/۹۸۴)). بنابراین باید آموزش پرستاران و ایجاد انگیزه در آنان برای مشارکت فعال در جلب رضایت بیماران در اولویتهای مدیریت بیمارستانی قرار گیرد و باید توجه داشت که در بازار رقابتی ارائه خدمات بهداشتی و درمانی، مؤسساتی موفق تر خواهند بود که رضایت دریافت کنندگان خدمات را سرلوحه برنامه های خویش قرار دهند.

واژگان کلیدی: رضایتمندی، کیفیت مراقبت های پرستاری، خدمات پرستاری

شیوع سقط عمدی جنین و عوامل موثر بر آن در ایران: مرور سیستماتیک

فاطمه محسن بیگی^۱، مریم چگنی^۲، لیلی عابدی قشلاقی^۳، مریم عظیم زاده^۴

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران
۲. گروه علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی خمین، خمین، ایران
۳. مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران
۴. گروه علوم پایه، دانشگاه علوم پزشکی خمین، خمین، ایران

چکیده

مقدمه: سقط یکی از فاکتورهای مهم و تاثیر گذار بر سلامتی زنان باردار است که در بسیاری از جوامع به عنوان سومین علت مرگ مادران در نظر گرفته شده است. بر اساس آمار سازمان بهداشت جهانی، سالانه ۲۱۰ میلیون زن در سراسر جهان باردار می شوند که ۲۲ درصد از آنها منجر به سقط می گردد (۴۶ میلیون سقط در سال). سقط به دو صورت خود به خودی و عمدی (ایمن و غیر ایمن) ممکن است صورت بگیرد که اگرچه در بسیاری از جوامع، سقط عمد با محدودیت های قانونی از جمله محدودیت های اجتماعی و فرهنگی همراه است، ولی این محدودیت ها نتوانسته است میزان سقط عمدی را کاهش دهد. از این رو، به منظور کمک به ارتقا سلامت مادران، مطالعه حاضر به صورت مرور سیستماتیک و متاآنالیز با هدف آگاهی از شیوع و علل سقط عمدی در ایران انجام شد.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع مرور سیستماتیک بوده که تا ۱۶ اسفند ۱۴۰۱ با استفاده از موتورهای جستجوگر Web of Science,

PubMed, Scopus, Embase و سایت علم نت انجام گرفته است. کلید واژه های مورد استفاده شامل

- ("Prevalence" OR "Incidence" OR "frequency" OR "epidemiology")
- ("induced abortion*" OR "abortion*" OR "abortion rate*")
- ("risk factor*" OR "causal*" OR "risk score*")
- (Iran OR persia OR persian OR "East Azarbaijan" OR "west Azarbaijan" OR "Zanjan" OR "ardebil" OR "gilan" OR "mazandaran" OR "KhORasan Razavi" OR "South KhORasan" OR "NORth KhORasan" OR "Sistan and Baluchestan" OR "hamedan" OR "kurdistan" OR "tehran" OR "qazvin" OR "kermanshah" OR "isfahan" OR "fars" OR "kerman" OR "yazd" OR "semnan" OR "golestan" OR "boushehr" OR "khuzestan" OR "ilam" OR "Bandar Abbas" OR "Qom" OR "Chaharmahal and Bakhtiari" OR "lorestan" OR "markazi" OR "Zanjan")

بود و معادل فارسی آنها در ارتباط با سقط و سقط عمدی جستجو گردید که در مجموع ۴۵ مقاله استخراج گردید.

یافته ها: مطالعات بدست آمده بین سال های ۱۳۸۰ تا ۱۴۰۱ انجام شده بودند. بیشتر مطالعات از نوع مقطعی بودند. بیشتر مطالعات انجام شده به ترتیب در استان تهران (۱۵ مطالعه)، فارس (۶ مطالعه)، اصفهان (۴ مطالعه) و همدان (۳ مطالعه) بوده است. سقط گزارش شده در ۱۴ مطالعه از نوع درمانی با اجازه پزشکی قانونی، در سه مطالعه از نوع خود به خودی، در ۸ مطالعه از نوع عمدی، در ۷ مطالعه دیگر هم ترکیبی بوده است. محل انجام سقط های درمانی بیمارستان بود ولی برای سقط های عمدی بیشتر شامل مطب خصوصی، بیمارستان و خانه مادر باردار بوده است. در ۲۷ مطالعه هم محل انجام سقط مشخص نشده بود. سقط های درمانی توسط متخصص انجام گرفته است. در سه مطالعه انجام شده سقط های عمدی بیشتر توسط متخصص زنان و زایمان، پزشک عمومی و کارشناس مامایی انجام گرفته است ولی در سایر مطالعات، فرد انجام دهنده سقط ذکر نشده بود. شیوع سقط عمدی بین ۳/۸ تا ۲۶/۷ متغیر بوده است. وجود ناهنجاری جنینی و بیماری مادر از دلایل سقط درمانی ذکر شد. حاملگی ناخواسته، سن بالای مادر، آگاهی پایین خانواده، فاصله کم بین فرزندان و وضعیت اقتصادی-اجتماعی ضعیف از جمله عوامل موثر بر رخداد سقط عمدی در مطالعات انجام شده بود.

نتیجه گیری: شیوع سقط عمدی در ایران متوسط بود و حاملگی ناخواسته، وضعیت اقتصادی-اجتماعی پایین و فاصله کم بین فرزندان از جمله عوامل موثر بر رخداد سقط عمدی بود.

واژه های کلیدی: سقط عمدی، شیوع، علل، مرور سیستماتیک، ایران

Promoting the quality of life of children with cancer through family empowerment: Systematic Overview Study

Aboubakr Jafarnejhad*¹, Mozghan SEIF²

1. Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
2. Department of Epidemiology, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

*Corresponding Authors: Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran. Email: Ajafarnejad0@gmail.com / Tel: 09179680247 / Orcid: 0000-0002-8794-7218

Introduction: Cancer is very common among chronic diseases of children and its diagnosis due to the negative burden and difficulty of treatment leads to psychological crisis and reduced quality of life in them and their families. This study aims to empower families to Improving children's quality of life improve the quality of life of these children with an emphasis on educational intervention in parent-child interaction.

Search Method: The present systematic review study, after reviewing 52 studies in Google Scholar, SID, Magiran, PubMed and Scopus databases between 2010-2022 and eliminating less relevant items, was finally written with an analysis of 40 articles.

Results: A review of these studies indicates that "group education of families according to culture" reduces the care burden of child caregivers. On the other hand, the two factors of "reality therapy education" and "interventions based on acceptance, commitment and self-efficacy" increase resilience, increase the ability to care and improve mothers' quality of life. About the effect of child-parent interaction "Story therapy, play therapy and book therapy" leads to reducing symptoms of anxiety, improving sleep habits, reducing depression, reducing the child's fear of treatment environments and generally improving the relationship between child and parent. "Proper implementation of the empowerment model in chronic disease", "Music therapy" and "Massage therapy" are quite effective in reducing the gastrointestinal side effects of pediatric chemotherapy drugs. "Psychological hardiness personality traits" along with "supportive and problem-oriented coping strategies" also play an effective role in the treatment of children with cancer. Following the study of these studies, two types of educational prioritization for parents were concluded; Some concluded; Some studies have identified their most important need as "disease-related education" and their last need as "parental support and adjustment and knowledge of the medical system." Other studies have considered "support" first and then "providing health information and counseling" as the first priority.

Conclusion: Considering the importance of education and the findings of this study, "educating parents to increase the quality of life of children with cancer" and "further studies to prioritize the educational needs of parents at different stages" necessarily recommend to the health team It team It becomes.

Key Words: family empowerment, Cancer, Family, Children, Quality of life.

رصد و تحلیل آمایش جمعیت شهرستانهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی بزم از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ در راستای صیانت از جمعیت

دکتر سمانه نعمت الهی^{۱*}، دکتر نادیا ارومیه ای^۱، دکتر سجاد خسروی^۱، نرگس خورشیدی^۲

^۱ مرکز تحقیقات بیماریهای غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بزم، بزم، ایران

^۲ کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بزم، بزم، ایران

چکیده

مقدمه: اطلاع و آگاهی از چگونگی رشد جمعیت، میزان مولید و مرگ و میر، میزان ازدواج و طلاق و سایر اطلاعات مرتبط با جمعیت اساس هرگونه برنامه ریزی برای توسعه ی ملی است، چرا که پیش بینی نیازمندی های اولیه ی هر جامعه از قبیل غذا، پوشاک، مسکن، بهداشت، تعلیم و تربیت، اشتغال و ... مبتنی بر آمارهای جمعیت است. در این طرح با در دست داشتن اطلاعات جمعیتی مربوط به شهرستانهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی بزم (بزم، فهرج، نرماشیر و ریگان) از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، چگونگی تغییرات شاخصها به منظور رصد کردن وضعیت موجود مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش کار: به منظور آمایش اطلاعات جمعیتی در شهرستانهای تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی بزم، از روش آماري رگرسيون استفاده شد که در آن زمان متغیر مستقل و شاخصهای جمعیتی متغیر وابسته می باشند. با توجه به شیب مدل رگرسیونی به دست آمده جهت و شدت تغییرات شاخصهای جمعیتی به ازای گذشت هر سال مورد تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: با توجه به مدلهای رگرسیونی حاصل از داده های مربوط به سالهای ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹، چنین استنباط می شود که نرخ رشد جمعیت در بزم و ریگان روند کاهشی داشته و پیش بینی می شود که به ازای گذشت هر سال، میانگین نرخ رشد جمعیت در بزم ۰.۲۲ و در ریگان ۰.۱۷ واحد کاهش یابد، اما همین نرخ در فهرج روند افزایشی داشته طوری که پیش بینی می شود به ازای گذشت هر سال ۰.۰۲ واحد میانگین نرخ رشد جمعیت افزایش یابد و در نرماشیر میانگین نرخ رشد جمعیت ثابت می ماند. میزان مولید در بزم، ریگان و فهرج روند نزولی، اما در نرماشیر روند صعودی داشته و پیش بینی می شود که به ازای گذشت هر سال، در بزم به طور میانگین حدود ۳۳۸ نفر، در ریگان حدود ۵۵ نفر و در فهرج حدود ۱۹ نفر از تعداد مولید کاسته شود اما در نرماشیر به ازای گذشت هر سال حدود ۷ نفر به طور میانگین به تعداد مولید افزوده شود. در بزم و نرماشیر مرگ و میر روند صعودی داشته و پیش بینی می شود که به ازای گذشت هر سال، در شهرستان بزم به طور میانگین ۶۳ نفر و در نرماشیر ۱۶ نفر به تعداد مرگ و میر افزوده شود، در ریگان و فهرج که تعداد مرگ و میر سالانه روند نزولی دارد می توان با توجه به مدلهای رگرسیونی مربوطه پیش بینی کرد که با گذشت هر سال به طور میانگین ۶ نفر در ریگان و ۱۰ نفر در فهرج از تعداد مرگ و میر کاسته می شود. تعداد ازدواج در بزم روند افزایشی و در ریگان و نرماشیر روند کاهشی دارد به این صورت که پیش بینی می شود که در بزم هر سال نسبت به سال گذشته به طور میانگین حدود ۴۷ ازدواج بیشتری ثبت شود، اما در ریگان با گذشت هر سال به طور میانگین حدود ۶۴ ازدواج و در نرماشیر حدود ۳ ازدواج کمتر اتفاق می افتد. نرخ طلاق هم در بزم و هم در نرماشیر روند کاهشی دارد و به ازای گذر هر سال، در بزم ۰.۱، و در نرماشیر ۰.۳۵ واحد کاهش می یابد.



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاههای علوم پزشکی کلان منطقه، جمهوری
دانشگاه علوم پزشکی تبریز - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی تبریز - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



نتیجه گیری: آمایش اطلاعات جمعیتی نشان می دهد که جمعیت در شهرستانهای تحت مطالعه و به تبع آنها در کل کشور رو به کاهش می باشد، پیشنهاد می شود با انجام مطالعات تکمیلی به تشخیص عوامل تاثیر گذار بر کاهش موالید و پیرو آن کاهش جمعیت پرداخته شود و با ارائه نتایج به سیاستگذاران، سیاستهای افزایش جمعیت مناسب و موثر اتخاذ گردد.

واژه های کلیدی: شاخصهای جمعیت، مدل رگرسیون، نرخ رشد جمعیت

بررسی درک دانش آموزان از عوامل موثر بر تاب آوری در برابر بلایا در مدارس راهنمایی شهر بوم

ندا محمدی نیا^۱، محمدعلی رضایی^{۱*}، محمد حاج محمدی^۲، امیرحسین عزیزی^۲

۱. گروه پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

چکیده:

مقدمه: تاب آوری مفهوم انعطاف پذیری، بهبود و بازگشت به حالت اولیه پس از رویارویی با شرایط ناگوار است. تاب آوری از ضروریات زندگی در دنیای کنونی است و مهارت مناسبی است جهت گذراندن مشکلات زندگی، حتی در شرایط نامطلوب وسخت که قادر است از بروز مشکلات روانی در میان جوانان و نوجوانان جلوگیری به عمل آورده و آنها را از بروز اثرات روانی رویدادهای مشکل زا در امان نگاه دارد و عوامل متعددی بر آن تاثیر دارند. بنابراین هدف از مطالعه مذکور تعیین درک دانش آموزان از عوامل موثر بر تاب آوری در برابر بلایا است.

روش کار: مطالعه حاضر از نوع تحلیل محتوای هدایت شده بوده و داده ها به روش مصاحبه فردی عمیق و نیمه ساختار یافته جمع آوری شدند. مشارکت کنندگان در صورت داشتن شرایط ورود به مطالعه (شرکت فعال در بحث و داشتن تجربه زلزله بوم در والدین) و بعد از توجیه و پرکردن رضایتنامه کتبی، به روش مبتنی بر هدف از شش مدرسه راهنمایی پسرانه در شهر بوم، در سال ۱۴۰۰ انتخاب شدند و نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از گام های پیشنهاد شده توسط Graneheim و Landman انجام شد.

یافته ها: از آنالیز نتایج، ۴۵۶ کد اولیه و ۱۴ زیر طبقه بدست آمد که در ۳ درونمایه شامل درک فرد از تاب آوری، درک خانواده از تاب آوری و موانع تاب آوری تقسیم شدند. زیر طبقات تاب آوری کلید حل مسائل، موثر بودن تجربه قبلی، کنترل احساسات و آگاهی و توانایی در تاب آوری مربوط به درک فرد از تاب آوری، زیر طبقات معنویت راز تاب آوری، ارتباط تاب آوری با سطح اجتماعی، هوش، سن و جنس مربوط به درک خانواده از تاب آوری و هزینه، آموزش ناکافی، عدم دسترسی به افراد مطلع و دشواری هماهنگی با سازمانهای امدادی از زیر طبقات مربوط به موانع تاب آوری است.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که عوامل متعدد اقتصادی، اجتماعی و آموزشی می تواند بر تاب آوری افراد تاثیر داشته باشد. پس توجه به ضرورت تربیت نوجوانان تاب آور بعنوان سرمایه هایی قدرتمند در رویارویی با مشکلات، شناخت این عوامل به برنامه ریزان و دست اندرکاران برای برنامه ریزی های آموزشی در سطح مدارس و جامعه کمک می کند.

واژگان کلیدی: تاب آوری، بلایا، دانش آموزان، بوم

بررسی اثر محافظتی شیلاجیت بر آسیب کبدی ناشی از کولیت اولسراتیو ایجاد شده با اسید استیک در موش های صحرایی نر

سامان رضایی^۱، صدیقه امیراسماعیلی^۲، نادر شاهرخی^۳، نوا شاهرخی^۴

- ۱- دانشجوی پزشکی عمومی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران.
- ۲- گروه فیزیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران.
- ۳- گروه فیزیولوژی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.
- ۴- دکتری عمومی، کرمان، ایران.

چکیده

مقدمه: اثرات حفاظتی شیلاجیت بر روی کولیت اولسراتیو شناخته شده است. در مطالعه‌ی حاضر، اثرات حفاظت کبدی شیلاجیت بعد از کولیت اولسراتیو بررسی شد.

روش کار: در این مطالعه مداخله‌ای تجربی از ۴۹ سر موش صحرایی نر نژاد Wistar، وزن ۲۵۰-۲۰۰ گرم استفاده شد. حیوانات به‌طور تصادفی به ۷ گروه تقسیم شدند. در هر گروه ۷ سر حیوان در نظر گرفته شد که این گروه‌ها شامل:

گروه های شم، کولیت اولسراتیو، حلال خوراکی، شیلاجیت خوراکی، سولفاسالازین، حلال داخل مقعدی، شیلاجیت داخل مقعدی بودند. برای ایجاد کولیت اولسراتیو ۲ سی سی اسید استیک (۴ درصد) به روش تنقیه تجویز شد. ۴ روز بعد از ایجاد کولیت، به مدت ۴ روز شیلاجیت با دوز ۲۵۰ میلی‌گرم بر کیلوگرم به شکل گاواژ و تنقیه تجویز شد.

یافته ها: مطالعه‌ی حاضر نشان داد مصرف شیلاجیت پس از القا کولیت با اسید استیک منجر به کاهش آنزیم های کبدی (ALP, SGOT, SGPT)، بیلی روبین مستقیم و توتال و افزایش آلبومین سرمی می شود به گونه ای که اثرات بهبودی این دارو با سولفاسالازین که داروی رایج در درمان بیماری کولیت است قابل مقایسه می باشد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان داد که شیلاجیت پیامدهای آسیب کبدی ناشی از کولیت اولسراتیو ایجاد شده با اسید استیک در موش های صحرایی نر را بهبود می‌بخشد که برای بررسی مکانیسم های این اثر نیاز به مطالعات بیشتری در آینده می باشد.

واژه های کلیدی: کولیت اولسراتیو، کبد، شیلاجیت، سولفاسالازین

مقایسه نیروی انسانی بیمارستان پاستور بوم با استانداردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش کشور در سال ۱۳۹۹

سجاد خسروی^۱، حسن تاران^۲، فائزه محسن بیگی^۳

دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

چکیده

مقدمه: رشد و توسعه هر جامعه ای در گرو بکارگیری صحیح منابع انسانی است و با توجه به تنوع و سطوح مختلف مهارتهای افراد در یک جامعه، نقش برنامه ریزی و توزیع مناسب نیروی انسانی در یک کشور، پررنگ تر میشود. نیروی انسانی اساسی ترین بخش مراقبت های بهداشتی و درمانی محسوب میشود و برنامه ریزی منابع انسانی در بخش سلامت باید به عنوان جزء اصلی از برنامه ریزی این بخش به شمار آید. هدف این مطالعه بررسی مقایسه ای نیروی انسانی بیمارستان پاستور بوم با استانداردهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش کشور در سال ۱۳۹۹ بوده است.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی بود که در سال ۱۳۹۹ در بیمارستان پاستور بوم انجام پذیرفته است. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، چک لیستی بود که توسط تیم پژوهشی طراحی شده است که در به وسیله آن تعداد نیروی انسانی موجود در بیمارستان بر اساس بخش ها و واحدهای مختلف مورد بررسی قرار می گرفت. این چک لیست مطابق با استانداردهای وزارت بهداشت در رابطه با نیروی انسانی در بیمارستان ها طراحی گردیده است. پس از جمع آوری داده ها، تجزیه و تحلیل داده ها توسط نرم افزار اکسل مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد که در بیمارستان پاستور بوم در مجموع از ۷۴ بخش بیمارستانی، اداری و پشتیبانی، ۱۴ بخش از نظر نیروی انسانی متناسب و ۲۹ بخش از نظر نیروی انسانی مازاد و ۱۷ بخش از نظر نیروی انسانی پایین تر از استانداردهای وزارت بهداشت بودند، همچنین در ۱۴ بخش شرایط خاص برقرار بود که حاکی از نبود حداقل استانداردها در این بخش ها بود.

نتیجه گیری: بررسی های انجام شده نشان می دهد که تخصیص نیروی انسانی در بیشتر موارد از الگوی خاصی پیروی نمی کند و توزیع نیروی انسانی در این بیمارستان نامناسب است. لذا، پیشنهاد میشود مدل برنامه ریزی نیروی انسانی با توجه به استانداردهای پرسنلی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی دیر این بیمارستان طراحی و اجرا شود.

واژه های کلیدی: نیروی انسانی، بیمارستان، بوم

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی گلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بوم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بررسی میزان رضایت دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوم از عملکرد اساتید مشاور در سال ۱۴۰۱ و ارائه راهکار

نادیا ارومیه ای^۱، فاطمه شفیعی نژاد^۲، زهرا قاسمیان پور ابرقوتی^۳، نیلوفر دلفاردی^۴*

۱. استادیار سیاست گذاری سلامت، مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران.

۲. فارغ التحصیل رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران.

۳. دانشجوی رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران.

۴. دانشجوی رشته مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران.

چکیده

مقدمه: یکی از انواع مشاوره که در دانشگاه ها کاربرد دارد، مشاوره و راهنمایی دانشجویی می باشد. مشاوره ی دانشجویی، به عنوان رابطه ای پویا، هدفمند و منطبق بر نیازهای دانشجو، بین اساتید و دانشجویان تعریف شده است که به درک شیوه های رشد و پرورش دانشجویان در زمینه های مختلف تحصیلی، شغلی، خانوادگی و مواردی از این قبیل می پردازد. اگرچه مطالعات متعددی در زمینه ی بررسی عملکرد اساتید مشاور تحصیلی در جهان و ایران انجام شده است اما با توجه به بافتار محور بودن موضوع مورد بررسی، برای بررسی وضع موجود لازم است، تحقیقات بیشتری در این زمینه در هر یک از دانشگاه ها انجام شود تا این موضوع از جنبه های مختلف مورد بررسی قرار گیرد. دانشگاه علوم پزشکی بوم تاکنون به طور جدی عملکرد اساتید مشاور را مورد بررسی قرار نداده است و شواهد بسیار اندکی در این زمینه وجود دارد، لذا این پژوهش با هدف بررسی میزان رضایت دانشجویان از اساتید مشاور تحصیلی و ارائه راهکار، در دانشگاه علوم پزشکی بوم انجام شده است.

روش کار: مطالعه ی حاضر یک مطالعه ی توصیفی مقطعی می باشد که در سال ۱۴۰۱ با هدف تعیین میزان رضایت دانشجویان از عملکرد اساتید مشاور در دانشگاه علوم پزشکی بوم انجام شده است. جامعه ی این مطالعه، کلیه ی دانشجویان ورودی سال های ۱۳۹۸، ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ دانشگاه علوم پزشکی بوم می باشند که از استاد مشاور تحصیلی کمک گرفته اند. جامعه ی این پژوهش ۱۰۵۹ نفر می باشد و با استفاده از فرمول کوکران، حجم نمونه ۳۱۶ نفر به دست آمده است. به منظور جمع آوری داده در این پژوهش از پرسشنامه ای استفاده شده است که در پژوهشی مشابه مورد استفاده قرار گرفته است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS ورژن ۲۷ و همچنین از آزمون های آمار توصیفی و آنالیز واریانس و تی مستقل استفاده شده است.

یافته ها: از مجموع افراد شرکت کننده، ۶۵/۸ درصد زن و ۳۴/۲ درصد مرد با میانگین سنی $21/66 \pm 1/91$ می باشد. ۳۶/۱ درصد از دانشجویان برای مراجعه به استاد مشاور انگیزه ای نداشتند. ۴۵/۳ درصد از آنان نمی دانستند که در چه زمینه هایی باید از استاد مشاور کمک بگیرند. ۹۰/۵ درصد دانشجویان انتظار داشتند که اطلاعات آنها محرمانه نگه داشته شود. از بین دانشجویانی که مراجعه حضوری به استاد مشاور داشته اند، ۴۴/۶ درصد از اعلام ساعت برنامه مشاوره و راهنمایی رضایت نداشتند. در رشته های پزشکی و فوریت های پزشکی، عملکرد اساتید مشاور منطبق با انتظارات دانشجویان نبود، اما در رشته های مدیریت خدمات بهداشتی و درمانی و بهداشت

حرفه ای سطح انتظارات دانشجویان با عملکرد اساتید مشاور منطبق بود. با توجه به میانگین نمره سه شاخص مورد بررسی، می توان گفت که درخصوص شاخص عملکرد، میانگین نمره دانشکده بهداشت از حد متوسط بالاتر، میانگین نمره دانشکده پزشکی از متوسط پایین تر و میانگین نمره دانشکده پرستاری مامایی متوسط گزارش شده است. درمورد شاخص راهنمایی و مشاوره، میانگین نمره هر سه دانشکده پایین تر از میانگین نمره می باشد و سطح انتظارات دانشجویان به طور کلی نسبتا بالا است.

نتیجه گیری: در این پژوهش، دانشجویان نسبت به مشاوره نگرش مثبت داشتند اما با وظایف و جایگاه استاد مشاور آشنا نبودند. از سوی دیگر عملکرد برخی از اساتید مشاور هم قابل قبول نبود. لذا بهتر است با بهره گیری از راهکار هایی مانند برگزاری کارگاه آموزشی برای دانشجویان جهت معرفی استاد مشاور و شرح وظایف ایشان موجب آشنایی بیشتر دانشجویان با وظایف اساتید مشاور شد و همچنین کارگاه هایی جهت توانمند سازی اساتید مشاور برگزار شود.

واژه های کلیدی: استاد مشاور، مشاوره تحصیلی، آموزش علوم پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی، بوم، ایران.

بررسی ارتباط ارزش داشتن فرزند و ابعاد آن با جنسیت فرزند

فاطمه رجائی نژاد^۱، نعیمه طیبی^{۲*}

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی ایلام، ایلام، ایران

چکیده

مقدمه: جامعه چند فرهنگی و چند قومیتی به احتمال زیاد انواع متفاوت رفتار باروری را در خود نشان می دهد که تنها در به دنیا آوردن فرزند خلاصه نمی شود بلکه تمامی جنبه های فرزندزایی نظیر ترجیح جنسی فرزند و نگرش به محرک ها برای تنظیم باروری را نیز در بر می گیرد. در این بین، ارزش های فرزندآوری مقوله ای است که می تواند نقش مهمی در تغییرات سطوح باروری و به دنبال آن تغییرات رشد جمعیتی یک جامعه ایفا کند. با شناخت ارزش ها و ایدئال های فرزندآوری، می توان سیاست ها و برنامه هایی را به منظور تغییر شرایط فرهنگی، بینش ها و نگرش های اجتماعی طراحی و بستر مناسبی برای تغییر رفتارهای باروری افراد فراهم کرد. جنسیت فرزند می تواند برای افراد مختلف جامعه، ابعاد عاطفی-روانی، اقتصادی، اجتماعی و هنجاری داشته باشد. لذا این مطالعه با هدف بررسی ارتباط ارزش داشتن فرزند و ابعاد آن با جنسیت فرزند انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی، از کلیه ی زنان دارای حاملگی بار اول که ۸ هفته بعد از زایمان جهت کنترل به مراکز بهداشتی درمانی ایلام مراجعه کردند، به صورت خوشه ای ۲۶۰ نفر انتخاب شدند. سپس برای هر یک پرسشنامه ای شامل مشخصات دموگرافیک، جنس نوزاد، خواسته یا ناخواسته بودن بارداری و ارزش فرزند نوک و ترومسدورف (۲۰۰۵) که از طریق مصاحبه تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری توسط نرم افزار SPSS و با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سن اکثریت مادران در این مطالعه (۲۱۰ نفر) بین ۳۰-۴۰ سال، کمترین سن ۱۶ سال و بیشترین سن ۳۶ سال بود. مدت ازدواج ۱۰۶ نفر (۵۱٪) بالاتر از ۲ سال بود. بررسی ارتباط بین ارزش داشتن فرزند با جنسیت نشان می دهد که، جنسیت فرزند پسر با ارزش داشتن فرزند و ابعاد آن، بعد عاطفی، بعد اقتصادی و بعد اجتماعی ارتباط معنادار ($P=0/001$)، اما با جنسیت فرزند دختر با ارزش داشتن فرزند و ابعاد آن، بعد عاطفی، بعد اقتصادی و بعد اجتماعی ارتباط معنادار دیده نشد ($P>0/05$).

نتیجه گیری: میزان ارزش فرزند، بعد اقتصادی، بعد اجتماعی و بعد عاطفی برای مادرانی که فرزند پسر دارند نسبت به مادرانی که فرزند دختر دارند به صورت معنی داری بیشتر می باشد. با توجه به بافت فرهنگی منطقه و تاثیرگذار بودن پسر در کمک به خانواده و یا حتی احتمال ریشه دار بودن این مسأله از دوران کودکی مادر که خانواده ها به فرزند پسر نظر مثبت تری داشتند و تولد پسر را نشانه برکت در خانواده می دانستند می توان اشاره کرد. این موضوع می تواند ناشی از مسائل فرهنگی خانواده ها به دلیل توجه خاص به جنس پسر به عنوان حامی در انجام مسئولیت های خانوادگی و کاری باشد. در این مطالعه هنوز هم سهم چشمگیری از مادران در مورد تفاوت های فرزندان پسر و دختر از دیدگاه های سنتی برخوردارند و همین امر باعث تقویت علایق آنها به دستیابی به ارزش ها و ترکیب های جنسی ویژه ی فرزندان (پسرخواهی) می شود. ترجیح جنسی به نفع فرزند پسر خود یکی از مهمترین مواردی است که تأثیر زیادی در میزان باروری و به دنیا آوردن فرزندان در میان زنان جنوب شرق در مقایسه با سایر زنان دارد؛ بنابراین رفتارهای باروری



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه، جمهوری
دانشگاه علوم پزشکی بهار - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بهار - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



زنان از زمینه‌های اقتصادی اجتماعی، فرهنگی و جمعیتی جامعه نیز تأثیر می‌پذیرد به نظر می‌رسد با ارتقای سطح تحصیلات و گسترش برنامه‌های آموزش عمومی، می‌توان نگرش‌های ترجیح مند را به سوی نگرش‌های متعادل تغییر داد.

واژه‌های کلیدی: ارزش فرزندان، تفاوت جنسیت، زنان سنین باروری، رشد جمعیت



Investigating the relationship between unwanted pregnancy and parental attachment to the infant

Nilufar Izaddoost¹, Ahmadali Amirifar², Zahra karimi³, Fatemeh Mahmoudikohani^{4}*

Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

School of Nursing and Midwifery, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Introduction: Infancy is one of the most important stages of every person's life. As the most important social institution, the family is the first system that affects the development of children and adolescents. Maternal attachment is a positive and significant predictor of academic progress. Women who have a high attachment to their infants are often more sensitive to meeting their needs and this sensitivity affects many aspects of the developing personality such as curiosity, socialization ability, self-confidence, independence, cooperation and honesty. Is. Since the emotional relationship at this stage of life can affect the future of a person and there is a possibility of unwanted pregnancy affecting the amount and behaviors of mother-infant attachment, the present study aims to determine the relationship between unwanted pregnancy and mother-infant attachment in the city. Bam was designed.

Methodology: In this cross-sectional study, 70 parents of infants were randomly selected in 2023 and examined in terms of attachment. In order to collect data, a demographic questionnaire and a mother's attachment questionnaire were used. The data were analyzed with SPSS software version 22 and using descriptive and analytical statistics, and $P < 0.05$ was considered as a significant level.

Findings: The average age of the mother was 27.93 ± 8.95 . The statistical test of Pearson's correlation coefficient showed a significant relationship between unwanted pregnancy and mother's attachment ($P = 0.023$). However, no statistically significant relationship was observed between demographic characteristics such as age, education and mother's occupation with parental attachment.

Conclusion: considering that fetal and infant period is one of the most important stages of growth and development of every person and the quality of mother-child attachment during these periods can have a significant effect on the psychological-social future of the person, so paying attention to this Time is very important.

Keywords : Unwanted pregnancy, infant, attachment

مروری بر اثرات حفاظتی استروژن و تعیین نقش گیرنده های آن روی آسیب کبدی: نقش گیرنده شبه تول نمرة ۴ (TLR4)

محمد رضا پورعلی^۱، سامان رضایی تلابن^۱،* صدیقه امیراسماعیلی^۲

School of medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran¹
Department of Physiology, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran²

چکیده

مقدمه: آسیب کبدی بعنوان یکی از مشکلات جدی سلامت در جوامع امروزی در سرتاسر دنیا شناخته شده است. اثرات حفاظتی استروژن روی آسیب کبدی در مطالعات متعددی گزارش شده است. آسیب کبدی همراه با فعال شدن گیرنده TLR4 و در نتیجه ایجاد پاسخ التهابی می باشد. هدف از این مطالعه ی مروری بررسی مکانیسم اثر حفاظتی استروژن و گیرنده های آن روی آسیب کبدی می باشد که می تواند کمک شایانی به محققان بالین جهت درمان مناسب این بیماری کند.

روش کار: با استفاده از کلیدواژه های آسیب کبدی ، TLR4 ، پاسخ التهابی و 17β-Estradiol به جستجوی مقالات مرتبط در موتورهای جستجوی اسکوپوس، گوگل اسکالر ، پابمد و الزیور بین سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۲۲ پرداخته شد.

یافته ها و نتیجه گیری: این نتایج پیشنهاد می کند که اثرات حفاظت کبدی استروژن ممکن است از طریق تعدیل پاسخ التهابی و کاهش بیان TLR4 اعمال شود. هر دو گیرنده کلاسیک (ERα و ERβ) و غیر کلاسیک (GPER) در وساطت اثرات حفاظتی استروژن نقش دارند.

واژه های کلیدی:

آسیب کبدی ، پاسخ التهابی ، TLR4 ، 17β-Estradiol.

بررسی تاثیر پاندمی کرونا بر مدیریت خون بیماران در بیمارستان پاستور شهر بم در بازه ی زمانی دوساله

لیلا کربلایی آقازاده^{۱*}، علیرضا خیابانی^۲، محمد مهدی شهسواری^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده:

مقدمه: نیاز به فراورده های خونی در شرایط پاندمی کرونا، تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله لغو جراحی های الکتیو و از سوی دیگر نیاز به انتقال خون برای بیماران کرونایی با سیتوپنی شدید، دائما متغیر بوده و مراکز درمانی شیوه های متفاوتی برای مدیریت منابع خونی در این شرایط در پیش گرفته اند. انتقال خون و فراورده های خونی علیرغم فوایدی که دارد، عوارض جانبی زیادی نیز به همراه دارد که استفاده بهینه تر از آن ها را لازم می کند.

روش کار: مطالعه ی حاضر به بررسی افراد کاندید دریافت فراورده های خونی در بیمارستان پاستور بم در یک سال قبل از بروز اولین مورد بیماری کرونا در ایران و اولین سال پاندمی کرونا یعنی از اسفند ۱۳۹۷ تا اسفند ۱۳۹۹ پرداخته است. با ثبت و بررسی داده های مربوط به متغیرهایی از جمله میزان پک سل و دیگر فراورده های خونی مصرف شده همچون پلاکت و کرایوگلوبولین و همچنین بررسی بیمارانی که در طی این بازه زمانی پس از دریافت فراورده های خونی دچار عوارض ناشی از تزریق خون شده اند و علاوه بر آن مقایسه این عوامل با شرایط سنی و جنسی و سابقه بیماری قبلی و حتی سابقه دریافت خون و فراورده های خونی، ارتباط این عوامل با شرایط کرونا مورد مطالعه قرار گرفته است. داده های بدست آمده با توجه به پارامتریک و غیر پارامتریک بودن با تست های t-test و تست دقیق فیشر آنالیز شدند.

یافته ها: داده های بدست آمده در دو گروه ۱ به عنوان گروه زمانی قبل از کرونا (از اسفند ۱۳۹۷ تا اسفند ۱۳۹۸) و گروه ۲ (از اسفند ۱۳۹۸ تا اسفند ۱۳۹۹) ثبت شده اند. به طور میانگین در هر ماه مصرف ۵۱۴ واحد فراورده ی خونی در گروه ۱ و ۵۵۱.۲۵ واحد در گروه ۲ ثبت شد. نوع فراورده خونی دریافتی (پک سل /FFP/ پلاکت / کرایو) در هر گروه ثبت شد و مورد آنالیز آماری قرار گرفت. ۴۰ بیمار (۶۰٪ زن / ۳۷.۵٪ مرد) در بازه زمانی گروه ۱ و ۱۴ بیمار (۵۰٪ زن / ۵۰٪ مرد) در گروه ۲ پس از دریافت فراورده خونی در بیمارستان پاستور دچار عوارض بعد از تزریق خون شدند. ۲۹ مورد (۷۲.۵٪) از عوارض در گروه ۱ مربوط به افرادی بوده که به دلیل کم خونی مزمن تحت دریافت خون روتین قرار گرفته بودند و ۱۰ مورد (۷۱.۴٪) از افراد گروه ۲ را نیز این افراد تشکیل می دادند. سن و سابقه تزریق خون، نوع و شدت عارضه، سابقه عارضه قبلی و نوع فراورده تزریقی نیز در افراد عارضه دار ثبت شد و مورد تحلیل قرار گرفت.

نتیجه گیری: با مقایسه ی آمار مربوط به یک سال قبل از بروز اولین مورد کرونا در ایران و یک سال بعد از آن، اختلاف معنا داری میان تعداد افرادی که در بیمارستان پاستور شهر بم خون و یا فراورده ی خونی دیگر دریافت کردند یافت نشد (P-value = 0.18). با این وجود تعداد موارد عارضه دار ناشی از انتقال فراورده های خونی در گروه ۱ (۴۰ بیمار) به میزان قابل توجهی از گروه ۲ (۱۴ بیمار)

بیشتر بوده است. از سوی دیگر اختلاف معناداری میان علت تزریق خون و بروز این عوارض در دو گروه یافت نشد ($P\text{-value} > 0.05$). این عدم تغییر در تعداد منابع خونی مصرف شده قبل و بعد از کرونا می تواند نشان از عدم مدیریت صحیح منابع خونی و یا اینکه افزایش نیاز به تزریق خون در نتیجه ی کرونا داشته باشد. از سوی دیگر کاهش تعداد عوارض در بیماران دریافت کننده منابع خونی می تواند نشانه ی مصرف بهینه تر منابع خونی در زمان کرونا با توجه به کاهش منابع بانک خون باشد. این موارد خود موضوعاتی است که می تواند ایده ای برای شروع پژوهش های دیگر در این حوزه باشد.

واژه های کلیدی: مدیریت منابع خونی ، پاندمی کرونا ، انتقال خون

Evaluation of antibacterial activity of some anti-inflammatory drugs in combination with gentamicin against *Staphylococcus epidermidis* RP62A

Elham Isaei¹, Mohadeseh Alimoradi², Omolbanin Motamed², Sara Nikmehr², Davood Kalantar-Neyestanaki,^{*3}

1. Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University Of Medical Sciences, Bam
2. Medicine School, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
3. Medical Mycology and Bacteriology Research Center, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

Abstract

Background: Ibuprofen and dexamethasone are anti-inflammatory drugs widely used with different antibiotics in order to reduce inflammation and pain associated with infections in the treatment of infectious disease. Ibuprofen has been mentioned in different studies with drug antimicrobial properties as non-antibiotic. The aim of this study was to investigate the effect of the ibuprofen and dexamethasone on the antimicrobial properties of gentamicin.

Methods: This is an experimental study. The ibuprofen/dexamethasone minimum inhibitory concentration (MIC) was determined against standard strain (*Staphylococcus epidermidis* RP62A). The MIC of the mentioned antibiotic alone and in combination with a constant concentration of ibuprofen/dexamethasone was determined in *S. epidermidis* RP62A.

Results: The gentamicin MIC in the standard strain decreased about 2-fold in the presence of sub-MIC ibuprofen. While the MIC of this antibiotic increased 4-fold in the presence of dexamethasone. Therefore, the presence of ibuprofen has increased the effect of gentamicin while dexamethasone decreased the effect of this antibiotic.

Conclusions: The simultaneous use of antibiotics and anti-inflammatory drugs and their effects on the microorganism causing the infection should be considered when prescribing these anti-inflammatory drugs in combination with antibiotics in the treatment of infections, although more research is needed.

Keywords: anti-inflammatory, MIC, gentamicin

ارتباط میزان برخی از فاکتورهای خونی با مدت بستری در مبتلایان به کرونا ویروس-۲۰۱۹

* نازنین افشارپور^۱، مهدیه هدایتی مقدم^۱، نسترن علی اکبری^۱

۱: کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران

۲: گروه فیزیولوژی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی جیرفت، جیرفت، ایران

چکیده

زمینه و هدف: به منظور شناسایی و درمان به موقع بیماران کووید-۱۹، استفاده از روش های تشخیصی سریع و دقیق آزمایشگاهی حائز اهمیت است که در ارزیابی وضعیت بیمار و تشخیص این بیماری کمک کننده است. این مطالعه، با هدف بررسی ارتباط میزان برخی از فاکتورهای خونی با مدت بستری در مبتلایان به کرونا ویروس-۲۰۱۹ انجام شد.

روش کار: این مطالعه به صورت مقطعی (توصیفی-تحلیلی) می باشد. جمع آوری داده ها بصورت بررسی پرونده ۳۶۰ بیمار مبتلا به کرونا ویروس که از مهر تا اسفند ۱۴۰۰ در بیمارستان امام خمینی بستری شدند انجام شد. علاوه بر سن، جنس، علائم بالینی، بیماری زمینه ای و مدت بستری فاکتورهایی شامل تست ESR، تعداد انواع گلبول های سفید و قرمز و پلاکت ها، سطح آنزیم های عملکردی کبدی، گلوکز، فاکتورهای عملکرد کلیوی، CPK و LDH در آزمایشگاه تشخیص طبی با تکنیکهای شمارش با لام نفوبار و رنگ سنجی اندازه گیری و در پرونده بیماران ثبت شد، سپس اطلاعات پرونده ها توسط پژوهشگر استخراج و و تحت بررسی های آماری قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی بیماران مورد مطالعه ۱۹/۱۹ ± ۶۴/۹۱ سال می باشد. میزان ابتلا به کرونا در آقایان بیشتر از خانم ها است. میانگین تعداد روز های بستری در مطالعه حاضر ۴ روز بود. شایع ترین علائم بالینی بیماران در بدو ورود سرفه و تب بود. شایع ترین بیماری های زمینه ای در بیماران شرکت کننده در مطالعه حاضر، بیماری های قلبی، ریوی و دیابت بود. از بین فاکتورهای بیوشیمیایی فقط بین فاکتورهای LDH، Bun، AST، ALT، Pict و ESR با کل طول مدت بستری در بیمارستان رابطه معنی دار آماری وجود داشت (P_Value < 0.001). فاکتورهای LDH، AST، ALT، Cr، CPK، BS، Billirubin total، Billirubin direct در بیماران بستری بیشتر از حد نرمال بودند.

نتیجه گیری: نتایج نشان دهنده ارتباط بین فاکتورهای LDH، Bun، AST، ALT، Pict و ESR با طول مدت بستری بیماران در بیمارستان برقرار است و سطح فاکتورهای LDH، AST، ALT، Cr، CPK، BS، Billirubin total، Billirubin direct در بیماران بستری بیشتر از حد نرمال بود.

واژه های کلیدی: کرونا ویروس، فاکتور های خونی، مدت بستری، بیمارستان امام خمینی

ارزیابی الگوی مقاومت آنتی بیوتیکی، سویه های اشیریشیالکی جدا شده از عفونت های مجاری ادراری بیماران مراجعه کننده به بیمارستان پاستور شهرستان بم در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲

رضوان باقری^۱، فاطمه خلیلی^۲، سام خرازی^۲

حکیمه خلیلی^۳، سمانه دریجانی^۱، فاطمه بردسیری^۲، سید مجتبی مرتضوی^{۳*}

۱. بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. مرکز تحقیقات بیماریهای غیرواگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: عفونت دستگاه ادراری (Urinary Tract Infections) یکی از شایع ترین بیماری های عفونی محسوب می گردد (دومین عامل شایع عفونت در بدن انسان) اشیریشیالکی به عنوان مهم ترین عامل عفونت های ادراری مطرح می باشد. مقاومت آنتی بیوتیکی یک از معضلات مطرح در درمان این عفونت ها می باشد. این تحقیق با هدف بررسی میزان حساسیت و مقاومت سویه های اشیریشیالکی جدا شده از کشت ادرار بیماران مراجعه کننده به آزمایشگاه بیمارستان پاستور شهرستان بم می باشد.

روش کار: در این بررسی ۱۹۹ نمونه طی ۱۲ ماه مورد بررسی قرار گرفت ابتدا نمونه ها به صورت استریل تهیه و از نظر کشت ادرار مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه ها در محلول TSB- گلیسرول در داخل فریزر منفی ۲۰ ذخیره شد سپس تشخیص باکتری ها در نمونه ها با تست های استاندارد صورت پذیرفت. بررسی حساسیت و مقاومت میکروبی به آنتی بیوتیک ها با روش استاندارد دیسک دیفیوژن انجام و نتایج به دست آمده با نرم افزار SPSS version ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفت.

یافته ها: از تعداد ۱۹۹ نمونه مورد بررسی بیشترین میزان حساسیت آنتی بیوتیکی نسبت به آمیکاسین (۹۱/۴۸٪)،

نیتروفورائین (۸۴/۳۹٪)، جنتامایسین (۱۳/۸۰٪)، سپروفلوکساسین (۷۷/۲۹٪)، سفتری زوکسیم (۷۲/۳۳٪) بوده است و بیشترین میزان مقاومت مربوط به سفالکسین (۶۸/۸۳٪)، کوتریموکسازول (۷۲/۷۸٪)، تتراساکلین (۹۵/۶۵٪) و نالیدیکسیک اسید (۸۶/۵۸٪) مشاهده شد.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه نشان که در سویه های اشیریشیالکی خوشبختانه مقاومت نسبت به آمیکاسین، سپروفلوکساسین همچنان پایین بوده و به عنوان یک آنتی بیوتیک مناسب می تواند مورد استفاده قرار گیرد ولی مقاومت نسبت به آنتی بیوتیک های سفالکسین و کوتریموکسازول نسبتا بالاست که شاید علت آن مصرف بی رویه ی آنتی بیوتیک ها باشد. لذا پیشنهاد می شود در درمان اولیه عفونت های ادراری پیش نهاد می شود از آنتی بیوتیک های سفالکسین و کوتریموکسازول استفاده نشود.

واژه های کلیدی: عفونت های ادراری، آنتی بیوتیک، اشیریشیالکی، UTI, Antibiotic Resistance



The effect of the self-efficacy construct on the acceptance of covid-19 vaccination in pregnant and lactating women

Sara Moqimi¹, Maryam Seraji^{2*}, Zahra Arab Borzu³

1-Master's degree, Department of Health Education and Promotion, Student Research Committee of Health Faculty, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran

2*- Assistant Professor, Department of Health Education and Promotion, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran. serajimaryam@gmail.com

3-Assistant Professor, Department of Biostatistics & Epidemiology, School of Public Health, Zahedan University Of Medical Sciences, Zahedan, Iran

Abstract

Background: Compared to other women, pregnant and lactating women are at risk of severe illness caused by Covid-19 and related complications. Vaccination in pregnant and lactating women can prevent severe disease like other people. Therefore, the present study was conducted with the aim of the effect of the self-efficacy structure and the application of the health belief model in the acceptance of covid-19 vaccination among pregnant and lactating women referring to comprehensive health service centers.

Methods: This study was cross-sectional-analytical. The statistical population consisted of 260 pregnant and lactating women who referred to comprehensive health centers in Zahedan in 2022. The sampling was conducted randomly. Data collection was done using a researcher-made questionnaire with validity and reliability of CVR=0.77 and CVI=0.81 based on demographic characteristics and constructs of the health belief model. The data were analyzed using Wilcoxon's non-parametric test, Mann-Whitney test, and Spearman's correlation coefficients in SPSS V-22.

Results: Demographic variables showed 12.6% of the variance of the behavior construct, while age and education level variables were found to be significant; younger age and higher education level had a positive effect on behavior ($p<0.05$). In the structural model, it reports 26.3% of behavioral variance; the variables of age, self-efficacy and perceived benefits had a significant effect on behavior ($p<0.05$).

Conclusions: Based on the findings, the health belief model managed to successfully predict vaccination acceptance for pregnant and lactating women. In addition, it is essential that approaches be adopted to adopt the acceptance of the covid-19 vaccination, especially for women with low educational levels.

Keywords: COVID-19 Vaccines · Health belief Model · Pregnant Women

بررسی شیوع اضطراب، افسردگی و عوامل مرتبط با آنها در بین دانشجویان پزشکی اینترنت، پس از واکسیناسیون کووید ۱۹

علی رضا جعفری^۱، صحرا ناصری^۲، لیلی عابدی قشلاقی^{۳*}، محمد سوختانلو^۴

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران
۲. گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران
۴. گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: ویروس کرونای جدید در اواخر دسامبر ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین ظهور کرد و به سرعت سراسر جهان را فرا گرفت. این همه گیری فشار روانی قابل توجهی را بر کادر بهداشت و درمان در سراسر جهان وارد کرده است. با توجه به اینکه کادر درمان در خط مقدم مواجهه با بیماران مبتلا به عفونت کووید ۱۹ هستند و نه تنها از مبتلا شدن خود بلکه از انتقال بیماری و عفونت به خانواده، همکاران و بیماران غیر مبتلا نیز دچار ترس و اضطراب هستند و در چالش کنترل ویروس، مستقیماً با پیامدهای آن مواجه داشته اند. بنابراین، مطالعه حاضر به بررسی شیوع و ویژگی های بالقوه اضطراب و افسردگی در بین دانشجویان پزشکی اینترنت پس از واکسیناسیون COVID-19 پرداخته است.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مقطعی در بین دانشجویان پزشکی اینترنت دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۱ انجام شد. مطالعه به صورت تمام شماری بوده است. معیارهای ورود شامل دانشجویان اینترنت و داشتن رضایت آگاهانه بود و پرسشنامه های ناقص یا تکمیل نشده از مطالعه کنار گذاشته شدند. پرسشنامه های استفاده شده شامل مشخصات دموگرافیکی (سن، جنس، وضعیت تاهل، محل سکونت، داشتن سابقه ای از بیماری مزمن)، سوالات مرتبط با مراقبت فعلی یا قبلی از بیماران مبتلا به کووید ۱۹ و سابقه ابتلا به عفونت، وضعیت واکسیناسیون فرد شرکت کننده، و پرسشنامه های اختلال اضطراب فراگیر^{۲۱} و سلامت بیمار^{۲۲} بود. آمار توصیفی برای متغیرهای کمی به صورت میانگین و انحراف معیار و برای داده های کیفی به صورت فراوانی و درصد گزارش شد. برای بررسی ارتباط بین متغیرهای دموگرافیکی با شیوع اضطراب و افسردگی لجستیک تک و چند متغیره استفاده شد. در رگرسیون تک متغیره، متغیرهایی که سطح معنی داری آنها کمتر از ۰/۲ بود وارد رگرسیون چند متغیره شدند. از نرم افزار Stata 13 برای تجزیه و تحلیل استفاده خواهد شد. سطح معنی داری آماری $P < 0.05$ در نظر گرفته شد.

²¹ Generalized Anxiety Disorder (GAD)

²² Patient health questionnaire (PHQ)

یافته ها: در مطالعه حاضر ۹۹ دانشجوی اینترن مشارکت داشتند و همه دانشجویان واکسن کووید دریافت کرده بودند. میانگین (انحراف معیار) سنی آنها ۲۲ (۲/۰۲) سال بوده است. حدود ۶۰٪ شرکت کنندگان، دختر و فقط ۴٪ آنها متاهل بودند. در هنگام انجام مطالعه، حدود ۳۵٪ دانشجویان با خانواده و ۴۶٪ به تنهایی زندگی می کردند. کم خونی (۱۸٪) و میگرن (۶٪) شایعترین بیماری های مزمن گزارش شده در بین دانشجویان بود. بیش از نیمی از دانشجویان اینترن قبل از واکسیناسیون، مبتلا به کووید-۱۹ شده اند و این تعداد بعد از دریافت واکسن کمتر شده است. تقریباً ۵۴٪ دانشجویان پزشکی به صورت ناخواسته باعث آلودگی دوستان یا سایر اعضای خانواده شدند و در ۴۶٪ موارد، فرد یا افرادی از اعضای خانواده یا دوستانشان به علت کووید-۱۹ فوت کردند. بیش از دو سوم دانشجویان دوز یادآور واکسن کووید ۱۹ را دریافت کردند. بیشترین نوع واکسن دریافتی در بین دانشجویان سینوفارم BIBP و سینوفارم WIBP گزارش شد. حدود ۲۳٪ دانشجویان افسردگی متوسط و ۶٪ افسردگی نسبتاً شدید تا شدید داشته اند. همچنین حدود ۱۰٪ دانشجویان دارای علائم نسبتاً شدید و شدید اختلال اضطراب فراگیر بودند. نتایج تحلیل چند متغیره نشان داد که شانس داشتن علائم افسردگی در دانشجویان دارای بیماری مزمن ۶ برابر بیشتر از سایر دانشجویان بود. همچنین دانشجویانی که در حال حاضر بیمار مبتلا به کووید را ویزیت کرده اند، شانس داشتن علائم افسردگی ۰/۷۶ کمتر بوده است. در دانشجویان دارای بیماری مزمن، شانس داشتن علائم اضطراب ۵ برابر بیشتر از سایر دانشجویان بود. ولی در دانشجویانی که بصورت ناخواسته باعث آلودگی دوستان یا خانواده به کووید ۱۹ شده بودند، شانس داشتن علائم اضطراب ۰/۶۵ کمتر گزارش شد.

نتیجه گیری: شیوع علائم افسردگی و اضطراب شدید در دانشجویان اینترن تا حدی بالا بود.

واژه های کلیدی: اضطراب، افسردگی، واکسیناسیون کووید ۱۹، دانشجویان پزشکی اینترن، بهم.

بررسی روند نابرابری های جغرافیایی در توزیع منابع بخش سلامت شهرستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان

سجاد خسروی^۱، اسرین رحمانی^۱، فریبا حسین زاده^۱، زهرا احمدی^۱، مرتضی سواری^۱

۱- دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از مسائل و مشکلاتی که طی سال های اخیر بخش سلامت کشورهای مختلف را به خود مشغول نموده است، وجود نابرابری های شدید در سطح مناطق می باشد. هدف این مطالعه ارزیابی روند نابرابری در توزیع منابع بخش سلامت در شهرستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان با استفاده از ضریب جینی و منحنی لورنز بوده است.

روش کار: مطالعه توصیفی مقطعی حاضر نابرابری در توزیع منابع بخش سلامت در توزیع منابع بخش سلامت شهرستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان را با استفاده از ضریب جینی و منحنی لورنز بررسی کرده است. داده های مورد نیاز مطالعه به دو دسته اصلی شاخص های منابع انسانی و منابع فیزیکی و تسهیلات بهداشتی و درمانی تقسیم شدند. در این مطالعه به منظور جمع آوری داده های لازم، از یک چک لیست استفاده شد و با مراجعه به بخش های مربوطه در دانشگاه علوم پزشکی کرمان، داده ها در این چک لیست وارد شدند. سپس این داده ها وارد نرم افزار اکسل شد و بعد از آن از طریق نرم افزار ترانسفر این داده ها به داده های قابل بررسی توسط نرم افزار STATA تبدیل و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: یافته های پژوهش حاضر در بخش توزیع منابع انسانی سلامت شهرستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان نشان داد که از سال ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ نابرابری در توزیع نیروی انسانی کاهش پیدا کرده بود. همچنین میزان نابرابری شاخص های منابع فیزیکی و تسهیلات بهداشتی و درمانی طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ در شاخص های تعداد مراکز بهداشتی درمانی شهری، تعداد مراکز بهداشتی درمانی روستائی و تعداد مراکز بینایی سنجی تا حدودی کاهش پیدا کرده است و در بقیه موارد میزان نابرابری افزایش پیدا کرده بود.

نتیجه گیری: پژوهش حاضر نشان داد نابرابری در توزیع منابع بخش سلامت در دوره زمانی ۱۳۸۹ تا ۱۴۰۰ در بین شهرستان های تحت پوشش دانشگاه علوم پزشکی کرمان وجود دارد. با توجه به تاثیر این نابرابری بر ارتقای سلامت جامعه لذا پیشنهاد می شود سیاست گذاران حوزه سلامت به تخصیص مناسب منابع بهداشتی در سطح مناطق اقدام نمایند.

واژه های کلیدی: نابرابری، منابع سلامت، ضریب جینی، منحنی لورنز



Investigating the relationship between blood groups and the consequences of covid-19 in patients admitted to Pastor Hospital in Bam city from April 2019 to April 2022

Fatemeh Bardsiri¹, Alireza Khiabani², Hanieh Rajayi¹

۱. Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

۲. School of medicine, bam University medical sciences, bam, Iran

Abstract

Background: Corona virus is a zoonotic virus and the cause of the infectious pneumonia disease-19, which the World Health Organization declared as a global pandemic. The purpose of this research is to investigate the relationship between blood group and the severity of corona infection

Methods: In this study, the clinical data of the available samples of patients with COVID-19 who were admitted to the hospital between April 2019 and April 2022 were analyzed retrospectively and in terms of the difference in the distribution of ABO blood group among the patients of COVID-19. and the control group and the relationship between blood group and clinical features, disease severity and viral load will be analyzed when visiting the hospital

Results :In this study, which was conducted among 50 patients with covid, the age of the patients is in the range of 18 to 99 years, and their average age was 52 years. The average FAM in these 50 people was 23.04 and the lowest and highest values were 11.90 and 37.88. Also, most of the people were female (32 people (64%)) and the severity of the disease in most people was assessed as very high (30 people (65.2%)) and 30 people (60%) had a history of expiration. Also, in this study, O+ blood group was predominant (18 people (36%)).

Conclusions: According to the results of this study, it can be said that the blood group of people has an effect on variables such as the severity of infection and the history of expiration, and the results showed that in patients who had blood type B+, it had an effect compared to other blood groups. has had more Also, the results showed that underlying diseases were more frequent in people with B+ blood group, which increases the risk of severe covid 19 infection and also expire

Keywords: blood group, corona, covid-19; Consequences of covid-19

بررسی ارتباط الگوی تغذیه با شدت دیسمنوره در دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۱

فائزه محسن بیگی^{۱*}، نرگس میرزاده^۲، فاطمه محمودی کهنی^۳

۱. دانشجوی، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. مربی، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. مربی، کمیته تحقیقات، دانشکده پرستاری مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: دیسمنوره یکی از شایعترین اختلالات قاعدگی در سلامت عمومی و فردی زنان و دختران می باشد که ممکن است با سردرد، سرگیجه، کج خلقی، اسهال، نفخ، تهوع و استفراغ، کمردرد و پا درد همراه باشد. این علائم بر روی فعالیت های اجتماعی و روزمرگی افراد تاثیرات منفی می گذارد. شدت دیسمنوره می تواند متاثر از عوامل متعددی باشد. شواهد نشان داده است تغذیه می تواند نقش موثری بر روی شدت و شیوع دیسمنوره داشته باشد. براین اساس مطالعه حاضر با هدف تعیین ارتباط الگوی تغذیه دانشجویان دختر با شدت دیسمنوره در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه مقطعی- توصیفی، ۲۹۰ نفر از دانشجویان دختر دانشگاه علوم پزشکی بم به روش در دسترس شرکت داشتند. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه های اطلاعات دموگرافیک، الگو و روند قاعدگی و سنجش میزان درد دیسمنوره (با مقیاس دیداری سنجش درد) و بسامد تغذیه جمع آوری شد. اطلاعات پس از جمع آوری وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ شده و سپس با استفاده از شاخص های توصیفی و ضریب همبستگی پیرسون آنالیز انجام شد و سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار تلقی شد.

یافته ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان می دهد که میانگین سن شرکت کنندگان $21/91 \pm 2/73$ سال و میانگین سن منارک دانشجویان $12/49 \pm 3/97$ بود. $41/6$ و $38/5$ درصد دانشجویان به ترتیب مبتلا به دیسمنوره متوسط و شدید بودند. دانشجویان از لحاظ وزن و شدت دیسمنوره تفاوت آماری معنی داری نداشتند ($p=0/196$). بین دانشجویان خوابگاهی و بومی از لحاظ شدت دیسمنوره تفاوت معناداری مشاهده شد ($p=0/031$) که میزان دیسمنوره متوسط ($70/2$ درصد) و شدید (67 درصد) در دانشجویان ساکن خوابگاه بیشتر گزارش گردید. از میان گروه های مختلف غذایی بین افزایش مصرف نوشابه ارتباط معنادار مستقیمی ($p=0/016$) و مصرف لبنیات ارتباط معنادار معکوسی ($p=0/047$) با شدت دیسمنوره وجود داشت. بین رژیم غذایی با شدت دیسمنوره هیچ رابطه معناداری دیده نشد ($p=0/576$). همچنین نشان داده شد بین شدت دیسمنوره با اختلال در کار و فعالیت در بین دانشجویان ارتباط معناداری است ($p=0/001$).

نتیجه گیری: از آنجا که مصرف نوشابه و لبنیات در مطالعه حاضر ارتباط معناداری با شدت دیسمنوره داشت، همچنین شدت دیسمنوره در دانشجویان خوابگاهی بیشتر بود. استفاده از خوابگاه و غذاهای دانشجویی می تواند یکی از عوامل پیش گویی کننده در بروز دیسمنوره باشد. با توجه به شیوع و شدت بالای دیسمنوره و اختلال در فعالیت های روزمره و زندگی افراد، شناسایی مبتلایان در گروه های مختلف جمعیتی از نظر سن، شغل و طبقه اجتماعی جهت ارائه آموزش و بهبود ارائه خدمات ضرورت دارد.

واژه های کلیدی: دیسمنوره، تغذیه، دانشجویان، بم

Clinical symptoms and Laboratory Findings of Suspected Infants Sepsis in a Referral Hospital in Bam, Iran

Masoomeh Ghasemi¹, Elham Isaei^{*2}, Poria Hoseinialiabadi³, Mohamad Hosein Sobhanipoor⁴

4. Medicine School, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
5. Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University Of Medical Sciences, Bam
6. Student Research Committee of School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
7. Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University Of Medical Sciences, Bam

Abstract

Background: Sepsis is one of the important causes of mortality and morbidity in infants, which is caused by different microorganisms. Diagnosis management of sepsis can greatly reduce the infant's mortality. Although culture is the gold standard method for sepsis diagnosis, in many cases, despite the presence of clinical symptoms for sepsis, blood culture test is negative. Therefore, identification of the important risk factors and symptoms of sepsis can play a role in its diagnosis. This study designed to detect important risk factors and hospitalized infant with sepsis diagnosis in Pastor Hospital in Bam.

Methods: This is a cross-sectional study. The relationship between risk factors and clinical symptoms such as low birth weight (LBW), respiratory and cardiac manifestations, fever, underlying diseases, gestational age, premature rupture of membranes (PROM), C-reactive protein (CRP) and blood culture results in the diagnosis of sepsis have been investigated. The data were then collected, entered into SPSS version 23 (IBM, Armonk, NY, USA) and analyzed.

Results: Among 94 infants suspected of sepsis, 21% (n=20) had positive blood cultures. The gestational age at birth in more than 60% (n=60) of studied infants was less than 37 weeks, among infants suspected of sepsis more than 80% (n=42) had a weight of less than 2 kg, 15% had an underlying disease, and 30% of infants had poor feeding problems. More than 70% of infants were diagnoses with early-onset sepsis and 30% had shown sepsis symptoms after 72 hours. CRP tests were conducted for all neonates, with 42% (n=40) positive CRP cases. In these infants, respiratory distress was detected in more than 85% (n=80), while 29% had cardiac manifestations. Although fever is one of the important signs of infections, only 17% (n=16) of these infants had fever higher than 37.5°C. The most isolated organisms in blood culture were *Staphylococcus aureus*, *S. epidermidis*, *S. saprophyticus* and *Escherichia coli*. Respiratory distress followed with cardiac

manifestations has been the most common clinical symptom in infants with sepsis, and a significant relationship observed between the blood culture positive and cardiac manifestation ($p < 0.05$).

Conclusions: Fever, poor feeding, and respiratory distress were common clinical symptoms of sepsis. About 80% of neonates displayed more than two symptoms at the time of diagnosis sepsis. In addition, LBW was the most risk factor in infants. Clinical symptoms and laboratory methods can help in the diagnosis of sepsis.

Keywords: sepsis, infants, clinical symptoms, laboratory findings

ارزیابی جو آموزشی و عوامل مرتبط با آن از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بوم، سال ۱۴۰۰

محسن حسام پور^۱، سعید میرزائی^۲، عباس جهان آرا^۳، راشد پورحمیدی^{۴*}

۱- دانشجوی کارشناسی، گروه مدیریت و خدمات بهداشتی و درمانی، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۲- استادیار، مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۳- استادیار، گروه اطفال، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

۴- مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

چکیده

زمینه و هدف: توجه به اهمیت تأثیر محیط آموزشی در یادگیری دانشجویان عامل تعیین کننده ای در ایجاد انگیزه برای یادگیری دارد. با تغییر در شیوه آموزش در دوران همه گیری کووید ۱۹، ارزیابی محیط آموزشی و چالش های آن می تواند تصویری جامع از فرایند آموزش در اختیار مدیران حوزه آموزش قرار داد. این پژوهش با هدف شناسایی چالش ها و ارزیابی عملکرد مدیران حوزه آموزش انجام گرفت.

روش بررسی: مطالعه حاضر به روش توصیفی - مقطعی در دانشگاه علوم پزشکی بوم در سال ۱۴۰۰ انجام شد. نمونه گیری به روش خوشه ای انجام شد و تعداد ۲۶۰ دانشجو از همه رشته ها تحصیلی و همه ی مقاطع انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسش نامه ادراک دانشجویان از جو آموزشی راف و همکاران بود. تحلیل آماری داده های جمع آوری شده نیز با استفاده از آزمون تی استیودنت مستقل و آزمون آنالیز واریانس یک طرفه در سطح معنی داری کمتر از ۰.۰۵ تحلیل شدند.

یافته ها: داده های مطالعه حاضر جو آموزشی دانشگاه را با میانگین امتیاز ۱۵۷.۹۶ بسیار خوب ارزیابی می کند. بهترین محیط آموزشی در دانشکده بهداشت (۱۶۷.۱ امتیاز) و ضعیف ترین در دانشکده پزشکی (۱۵۱.۱۲ امتیاز) می باشد. همچنین کمترین امتیاز مربوط به حیطه ادراک دانشجویان از مدرسين است.

نتیجه گیری: مطالعه حاضر نشان داد دانشجویان دیدگاه مثبتی نسبت به جو آموزشی دارند. بررسی مستمر جو آموزشی دانشگاه و تقویت توان علمی و عملی اساتید از جمله توصیه های پژوهشگران این مطالعه می باشد. با توجه به ادراک ضعیف دانشجویان از اساتید در برخی از گروه های آموزشی، نیاز است تا مسئولین دانشگاه در جهت جذب اعضای هیات علمی استادیار تلاش نماید.

واژه های کلیدی: جو آموزشی، آموزش پزشکی، دانشجوی علوم پزشکی، همه گیری کووید-۱۹

تأثیر امواج فرابنفش در تلفیق با الکتروکواگولاسیون سه بعدی با استفاده از الکترودهای تیتانیومی و پرسولفات برای حذف رنگ reactive red از محلول های آبی

محمد احمدیان ۱، رحیمه فتحی خواه ۲، فاطمه احمدی زاده ۲، محمد عزیزی ۲

۱. استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

۲. دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

مقدمه: پساب صنایع نساجی حاوی ترکیبات آلی و رنگ های سمی هستند که رنگ reactive red یکی از ترکیبات موجود در این پساب می باشد. این رنگ در بسیاری از صنایع نساجی استفاده می گردد و دارای ساختار مولکولی آروماتیک مصنوعی و پیچیده ای است که باعث پایداری آن در محلول های آبی می شود. این رنگ ها در برابر تصفیه بیولوژیکی بسیار مقاوم اند و بنابراین بایستی از سایر روشها برای تصفیه این ترکیبات قبل از تخلیه به محیط زیست استفاده گردد. روشهای اکسیداسیون پیشرفته یکی از روشهای جدیدی هستند که در هه های گذشته برای تصفیه بسیاری از ترکیبات مقاومی به تصفیه بیولوژیکی استفاده شده اند.

روش کار: در این مطالعه نانوکامپوزیت کربن مغناطیسی در شرایط آزمایشگاهی سنتز گردید سپس خصوصیات آن با استفاده از آزمایش های XRD، VSM، FESEM، EDS، Mapping و FTIR مشخص گردید. در مرحله بعد تاثیر متغیرهای موثر در آزمایش شامل pH، زمان تماس، غلظت پرسولفات ((PS)، غلظت نانوکامپوزیت ((Nano)، دانسیته جریان (EC) و غلظت اولیه رنگ در حذف رنگ reactive red در مقیاس آزمایشگاهی توسط یک راکتور الکتروکواگولاسیون (EC) استوانه ای شکل با الکترودهای تیتانیومی که تحت تابش اشعه ماوراء بنفش (UV) قرار گرفته بود و به روش ناپیوسته مورد مطالعه قرار گرفت. نمونه های سنتتیک رنگ با غلظت های ۱۰ تا ۵۰ میلی گرم بر لیتر از رنگ reactive red تهیه شد و در حذف آن با فرآیند مذکور تحت شرایط مختلف میزان ثابت تابش نور UV (5، pH ۷، ۹ و ۱۱) غلظت پرسولفات (غلظت های ۲۵۰، ۵۰۰، ۷۵۰ و ۱۰۰۰ mg/L زمان تماس (۱۰، ۲۰، ۳۰، ۴۰، ۵۰، ۶۰، ۷۰، ۸۰، ۹۰ و ۱۰۰ دقیقه)، غلظت رنگ (20 reactive red، ۳۰، ۴۰ و ۵۰ mg/L و دانسیته جریان (۵، ۱۰، ۱۵، ۲۰ و ۲۵ ولت) تعیین شد.

یافته ها: نتایج آنالیز نانوذرات کربن مغناطیسی نشان دهنده تشکیل نانوذرات تقریباً کروی با کمترین میزان کولوئیدی و در سایز های بین ۲۸-۳۱ نانومتر می باشند. همچنین مقدار ثابت اشباع مغناطیسی به دست آمده تایید کننده قدرت بالای مغناطیسی نانوکامپوزیت کربن مغناطیسی می باشد که جداسازی آنرا از محیط فراهم می کند. راندمان حذف رنگ reactive red توسط هر یک از فرآیندهای UV، Nano، PS، EC به تنهایی و پس از ۱۰۰ دقیقه زمان تماس به ترتیب برابر با ۰، ۱۸/۶۵، ۳۱/۵۸ و ۱۰/۰۴ بود. همچنین راندمان حذف رنگ reactive red توسط فرآیندهای ترکیبی UV+PS، EC+Nano، EC+UV+Nano، EC+UV+PS و EC+UV+PS+Nano پس از ۱۰۰ دقیقه زمان تماس به ترتیب برابر با ۳۴/۳۳، ۲۷/۷۸، ۲۵/۱۶، ۵۳/۹۶ و ۹۵/۲۵ درصد بود. بر اساس نتایج فرآیندهای ترکیبی، فرآیند EC+UV+PS+Nano به عنوان فرآیند مناسب انتخاب و بهینه سازی آن انجام گردید. راندمان حذف رنگ reactive red در شرایط بهینه در طی فرآیند EC+UV+PS+Nano برابر ۹۹/۱٪ بود. شرایط بهینه فرآیند

مذکور شامل $pH=5$ ، غلظت پرسولفات برابر با ۷۵۰ میلی گرم بر لیتر، غلظت نانوکامپوزیت برابر با ۵۰۰ میلیگرم در لیتر و میزان جریان برابر با ۱۰ ولت بود.

نتیجه گیری: فرایندهای ترکیبی الکتروکواگولاسیون سه بعدی/ نانوکامپوزیت مغناطیسی/ رادیکال پرسولفات و اشعه ماوراء بنفش برای حذف رنگ Reactive red بسیار مناسب است و به وسیله صنایع نساجی می تواند برای حذف رنگ مذکور به کار گرفته شود.

واژه های کلیدی:

textile waste ، Persulfate ، EC ، Ultraviolet waves ، Reactive red

تولید سوخت از منسوجات به روش گازی سازی: یک مطالعه روایتی-مروری

حسن رسول زاده، فهیمه مشایخی مزار، رعنا رشیدی، صغری سیدرضایی

استادیار گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم
دانشجوی کارشناسی مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بم

چکیده

مقدمه: پسماند های نساجی (منسوجات) به دلیل حجم وحشتناک آن که سالانه میلیون ها تن تخمین زده می شود، یکی از چالش های کنونی جهانی است. این پسماند ها امروزه بیشتر سوزانده و یا دفن می شوند. تبدیل ضایعات نساجی به انرژی می تواند باعث خودکفایی انرژی یا پوشش بخشی از نیازهای انرژی در بسیاری از شهرهای جهان شود. یک روش ایده آل برای مقابله با MSW تبدیل همه آن به انرژی از طریق عملیات حرارتی مانند فرایند پیرولیز، گازی سازی و ... است. در این مطالعه مروری به تولید سوخت از منسوجات با روش گازی سازی پرداخته است. گازی سازی فرآیندی است که در آن زیست توده در دمای بالاتر با اکسیژن کنترل شده گرم میشود تا گاز سوختی با حداقل مقادیر محصولات مایع و جامد تولید شود.

روش کار: این مطالعه مروری بر اساس پروتکل پریزما و جستجو در پایگاه های بین المللی (Google Scholar, PubMed, Science Direct, Scopus) انجام شد. با توجه به استراتژی PICOS، تمام مقالات منتشر شده به زبان فارسی و انگلیسی تا آوریل ۲۰۲۳ با استفاده از کلمات کلید "fuel"، "textiles" و "gasification" همچنین ترکیب این کلمات جستجو و مقالات انتخاب شده با چک لیست PRISMA مورد ارزیابی قرار گرفت.

یافته ها: نتایج مطالعات نشان داد که در فرآیند گازی سازی، واکنش های تجزیه صورت می گیرد و مخلوطی از H_2 و CO و H_2O و CH_4 تولید می شود. گاز های حاصله می توانند کاربردهای بالقوه زیادی داشته باشند، از جمله استفاده از آنها در موتورها و ژنراتورها، استفاده بعنوان مواد اولیه برای تولید هیدروژن خالص، سوخت برای سلول های سوختی، و مواد اولیه برای تولید متانول و آمونیاک. بر اساس یافته پژوهشگران، عوامل اصلی برای بهینه سازی شرایط عملکرد یک گاز ساز با بستر ثابت شامل نسبت واکنش دهنده، دمای واکنش و پراکندگی یکنواخت اکسیژن در بستر بسته می باشد.

نتیجه گیری: گازی سازی زباله به عنوان راه حلی جایگزین برای تخریب زباله با بازیافت انرژی پیشنهاد شده است. دلیل استفاده از فناوری گازسازی برای دفع زباله این است که یک فناوری جایگزین اثبات شده برای حل مشکلات کنترل احتراق و تصفیه پس از آن به دلیل تشکیل انتشار آلاینده ها در طول بازیافت حرارت از مواد قابل احتراق است. همچنین از طریق فناوری گازی سازی، دفع زباله های مختلف امکان پذیر است و از نظر اقتصادی برای بازیابی انرژی با راندمان بالا سودمند است.

واژه های کلیدی: بازیافت انرژی، تولید سوخت، پسماندهای نساجی، روش گازی سازی

Chitosan-based Hydrogel wound dressing loaded with extracellular vesicles (EVs) from human adipose-derived stem cells, silver nanoparticles, and sildenafil citrate

Ali Samadi^{1*}, Saeed Azandeh², Mahmoud Orazizadeh², Vahid Bayati², Mohammad Rafienia³,
Masoud Ali Karami⁴, Akram Gavahi², Armin Pourabbasi¹

¹Department of Basic Sciences, School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

²Cellular and Molecular Research Center (CMRC), Department of Anatomical Science, Faculty of Medicine, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences (AJUMS), Ahvaz, Iran

³Biosensor Research Center, Isfahan University of Medical Sciences, Isfahan, Iran

⁴Nanotechnology Research center, Ahvaz Jundishapur University of Medical Sciences, Ahvaz, Iran

Abstract

Trauma and burn wounds have a bad prognostic nature whose regular wound dressings are ineffective. Extracellular vesicles (EVs) responsible for generating intercellular signaling pathways and cell growth stimulation. Sildenafil citrate has been reported to be effective in angiogenesis. Accordingly, the purpose of this study was to make a novel hydrogel wound dressing following the integration of various findings on wound healing and the use of regenerative medicine. Various compounds were fabricated by chitosan/polyvinyl alcohol and then characterized to obtain the optimal composition using several techniques, including a water vapor passage test, antibacterial test, TEM, SEM, water absorption, tensile strength, biodegradability, and FTIR. Then, the AgNPs were added to the compound. hADSCs- EVs were characterized. Sildenafil citrate reached 5% by weight suspension. Dressings with different compounds were applied to four rat groups. H&E, silver, and Mallory's trichrome staining methods were used to examine the tissue samples. The findings revealed the optimal dressing ratio. The tissue-extracted cells were confirmed to be stem cells using real-time PCR for oct4 and nanog genes. The presence of EVs markers was verified by a Western blot test. A novel approach for preparing an EV for TEM imaging has been developed, and acceptable recovery was observed for the rats.

Keywords: Extracellular vesicles (EVs), Silver Nanoparticles, Wound dressing, Sildenafil Citrate, Chitosan

بررسی شیوع آنتی بادی های سرمی سیتومگالوویروس (CMV) در اهدا کنندگان مراجعه کننده به مرکز انتقال شهرستان بهم در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲

رضوان باقری^۱، نیلوفر نصر^۲، سام خرازی^۳، سمانه دریجانی^۴، حکیمه خلیلی^۵، فائزه رضائی فرد^۶، سید مجتبی مرتضوی^۷ *

۱. کارشناسی ارشد ژنتیک، بیمارستان پاستور بهم، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

۲. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

۳. کارشناسی ارشد بیوشیمی، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

۴. دکترای تخصصی بالینی، بیماری های عفونی و گرمسیری، بیمارستان بهم، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

۵. دکترای تخصصی بالینی، آسیب شناسی و پاتولوژی، مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

۶. دانشجوی کارشناسی علوم آزمایشگاهی، کمیته تحقیقات و فناوری دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

۷. کارشناسی ارشد میکروبی شناسی پزشکی، مرکز بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

چکیده

سابقه و هدف: معمولاً آلودگی با سیتو مگال ویروس (CMV) دارای شیوع بالایی است. افراد آلوده می توانند از طریق اهدای خون ویروس را به دریافت کنندگان سالم انتقال دهند. آلودگی با این ویروس در افراد دارای سیستم ایمنی مناسب معمولاً عارضه خاصی ایجاد نمی کند ولی انتقال آن به افراد دارای نقص ایمنی می تواند به بروز عوارض جدی و مرگ و میر منجر گردد. به همین علت مطالعه ای به منظور تعیین میزان شیوع آنتی بادی های ضد سیتومگالو ویروس در بین اهدا کنندگان در مرکز انتقال خون شهرستان بهم طراحی گردید.

مواد و روش ها: در این مطالعه مقطعی، شیوع آنتی بادی های ضد سیتومگالو ویروس (IgM, IgG) در نمونه های سرمی گرفته شده از ۱۵۰ اهدا کننده سالم خون در گروه های سنی و جنسی مختلف به روش الیزا مورد بررسی قرار گرفت. نتایج به دست آمده توسط نرم افزار آماری SPSS ورژن ۲۱ و آزمون کای دو (Chi-square) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: از بررسی نتایج ۱۵۰ نمونه مورد بررسی به نسبت مساوی از افراد مذکر و مونث، ۵۰ نمونه (۳۰ نفر مونث، ۲۰ نفر مذکر) برای IgM و IgG منفی (۳۳/۳۳ درصد) و ۱۰۰ نمونه از سرم های تحت بررسی اهدا کنندگان برای IgM و IgG مثبت بود (۶۶/۶۶ درصد). ۳۴ نفر از افراد مونث IgG مثبت (۴۳٪) و ۲ نفر افراد مونث IgM مثبت (۲٪) بود و ۶۰ نفر از افراد مذکر IgG مثبت (۶۰٪) و ۴ نفر افراد مذکر IgM مثبت (۴٪) بود. این افراد ساکن نواحی شهری بوده و در طیف سنی ۲۰ تا ۵۰ سال قرار داشتند.

نتیجه گیری: با بررسی نتایج مثبت در اهداکنندگان می توان گفت که خون های اهدا شده حداقل برای بیماران دارای نقص ایمنی می توانند دارای ماهیت عفونی باشند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که بهتر است که خون های اهدایی حداقلی برای بیماران دارای نقص ایمنی و همچنین بیماران سرطانی که تحت شیمی درمانی و یا دریافت کنندگان پیوندهای آلوگرافت هستند، از جهت احتمال آلودگی با ویروس CMV تحت غربالگری قرار گیرند یا حداقل تمهیدی اندیشیده شود که این گروه از بیماران نیز هم چون بیماران دچار تالاسمی از فیلترهای لکوسیتهی جهت انجام ترانسفوزیون بهره مند شوند، روشی که استفاده از آن در کشور ما در حال حاضر محدود به بیماران تالاسمی است.

کلمات کلیدی: سیتومگالوویروس، اهداکنندگان خون، انتقال خون CMV.

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بیرجند - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بررسی میزان هوش اخلاقی در پرستاران شهر کرمان در سال ۱۴۰۲

فاطمه نجم الدینی^۱، احمدعلی امیری فر^۲، نرگس میرزاده^۳، فاطمه محمودی کهنی^{۴*}

کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از مهم ترین ارکان نظام سلامت در دنیا پرستاران می باشند، که نقش مهمی در ارائه خدمات با کیفیت را دارند. هوش اخلاقی از مهمترین عوامل تأثیرگذار بر ارتقاء کیفیت خدمات درمانی در بیمارستان است. از آنجا که هوش اخلاقی به عنوان یک مفهوم جدید در سال های اخیر در متون پژوهشی، روانشناسی و مدیریت رواج یافته است. از اینرو محقق تصمیم به انجام مطالعه ای تحت عنوان بررسی میزان هوش اخلاقی پرستاران شهر کرمان در سال ۱۴۰۲ گرفت.

روش کار: در این مطالعه مقطعی تعداد ۹۰ پرستار شاغل در بیمارستان های شهر کرمان در سال ۱۴۰۲ به روش تصادفی وارد مطالعه شدند و از نظر هوش اخلاقی مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه دموگرافیک و پرسشنامه هوش اخلاقی لنینیک و کیل استفاده شد. داده ها با نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ و با استفاده از آمار توصیفی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند و $P < 0.05$ به عنوان سطح معنی داری در نظر گرفته شد.

یافته ها: میانگین سن افراد پژوهش $29/8 \pm 3/1$ ، ۷۷/۸ درصد زن، ۷۷ درصد متأهل، ۶۶/۷ درصد کارشناسی و میانگین هوش اخلاقی $79/8 \pm 7/7$ بود. بیشترین امتیاز در بعد مسئولیت پذیری و بخشش و کمترین امتیاز در بعد دلسوزی بود.

نتیجه گیری: با توجه به میزان هوش اخلاقی پرستاران در این مطالعه که در حد خوب بود، بنابراین لزوم توجهات بیش تر در زمینه ی بهبود و ارتقا مباحث اخلاقی را ایجاب می کند. لذا لازم است نسبت به مسائل اخلاقی مربوط به حرفه ی خود حساس و آشنا باشند.

واژه های کلیدی: هوش اخلاقی، پرستار، پرستاری، اخلاق

میزان شیوع لیشمانیوز جلدی (سالک) پس از زلزله بم و بررسی مجدد شیوع آن در سال ۱۴۰۰

رضوان باقری برواتی^۱، معظمه اندیشمند^۱، زینب نیکبخت^۲، زهرا آتشیبار^۲، سید مجتبی مرتضوی^۳، حکیمه خلیلی^{۳*}

۱. پایگاه تحقیقات بالینی، بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بم. بم ایران

۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بم. بم ایران

۳. مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم. بم ایران

مقدمه: لیشمانیوز پوستی (سالک) یکی از معضلات بهداشتی جهان به خصوص در کشورهای گرمسیری و نیمه گرمسیری به شمار می آید. که با اشکال مختلف بالینی جمعیت معادل ۱۴ میلیون نفر را در جهان آلوده می کند لذا از آنجایی که شهرستان بم یکی از کانونهای مرکز سالک کشور می باشد که در این زمینه جهت شیوع موارد جدید و مقایسه سیر بیماری از زمان زلزله بم تا کنون مطالعه فوق صورت گرفت.

مواد و روش ها: آمار و نتایج حاصل از مطالعه ی انجام شده بر روی افراد و مراجعه کننده به مرکز سالک بم از ۱۳۸۵ الی ۱۴۰۱ بود که تشخیص نهایی بیماری با روش آزمایشگاهی مورد تایید قرار گرفته بود. برای انالیز ها داده ها از نرم افزار SPSS version 20 و برای ثبت داده ها از نمودار قیاسی و نرم افزار EXCEL استفاده شد. برای مقایسه ها از آزمون کای مربع و رگرسیون پوآسون استفاده شد.

یافته ها: نتایج قبلی نشان داد که بعد از زلزله دی ماه ۱۳۸۲ میزان ابتلا افزایش پیدا کرده بود. به طوری که در سال ۱۳۸۵ به بالاترین میزان خود یعنی ۲۸۸۱ نفر رسیده بود. در بررسی مجددی که در سال ۱۴۰۰ انجام گرفت ۳۸۱ بیمار گزارش گردید به نحوی که ۲۱۱ نفر زن (۵۵.۳۸٪) و ۱۷۰ نفر مرد (۴۴.۶۲٪) مبتلا را تشکیل می دهد. همچنین از این تعداد، ۱۹۹ نفر مبتلایان، آلوده به نوع سالک شهری (۵۲.۲۳٪) و ۱۸۲ نفر مبتلا به نوع روستایی (۴۷.۷۷٪) بودند. گروه سنی ۲۴-۳۵ سال ۶۸ نفر (۱۷.۸۴٪) بیشترین گروه مبتلایان، با ۳۶ مرد آلوده و ۳۲ زن آلوده و گروه سنی ۰-۴ سال ۲۵ نفر (۶.۵٪) کمترین گروه مبتلایان که ۸ مرد و ۱۷ زن را تشکیل داده اند.

نتیجه گیری: از اواسط سال ۱۳۸۳ به دلیل تغییرات مدیریتی در سیستم شبکه و کم توجهی به نظام مراقبت بیماری ها به ویژه مدیریت لیشمانیوز پوستی با افزایش در سال ۱۳۸۴ مواجه می شویم که در سال ۱۳۸۵ به شکل یک اپیدمی درآمده است. بدین منظور از کارشناسان و اساتید برجسته به منظور تنظیم برنامه های علمی و تصحیح پیشگیری و کنترل بیماری دعوت شد که منجر به اجرای برنامه نظام مراقبت ویژه لیشمانیوز پوستی گردید. تقویت مرکز کنترل لیشمانیوز پوستی در سال های اخیر و درمان صحیح بیماران ارجاعی و یا مراجعه کنندگان به آن مرکز و هم چنین توزیع پشه بندهای رایگان بین خانوارها از جمله فعالیت های موثر بوده



اولین کنگره پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی کلان منطقه، کتوری
دانشگاه علوم پزشکی بوم - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنگره پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بوم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



که آمار ابتلا را تا به اکنون به ۳۸۱ نفر در سال ۱۳۹۴ کاهش داده است. اگرچه بوم یکی از کانون های قدیمی نوع خشک یا شهری می باشد، آمار به دست آمده رضایت بخش است اما قابل چشم پوشی نیست.

واژه های کلیدی: سالک، لیشمانیوز پوستی، زلزله بوم

بررسی ایمنی زایی واکسن آنفلوانزا بر بیماران مبتلا به سرطان ریه و بیماری مزمن انسداد ریوی

فائزه مشهدی

چکیده

هدف و زمینه: عفونت ویروس آنفلوانزا منجر به بیماری شدید و پیچیده به ویژه در بیماران مبتلا به سرطان ریه می شود. و بیماران مبتلا به سرطان ریه در اولویت واکسیناسیون آنفلوانزا هستند. همچنین مطالعات قبلی نشان داده است که عفونت ویروس آنفلوانزا یکی از علل مهم تشدید COPD است با این حال، مطالعات کمی ایمنی زایی واکسن آنفلوانزا را در این بیماران ارزیابی کرده اند. در اینجا، ما یک مطالعه آینده نگر را برای ارزیابی ایمنی زایی واکسن آنفلوانزا در بیماران مبتلا به سرطان ریه که تحت شیمی درمانی ضد سرطانی هستند در مقایسه با بیماران COPD، انجام دادیم

روش کار: در این مطالعه ی مروری برای یافتن مقالات مرتبط پایگاه های pubmed و googlescholar با استفاده از کلیدواژه های influenza virus and lung cancer , influenza virus and lung cancer , lung cancer copd , influenza vaccine and lung cancer مورد جستجو قرار گرفت .

نتیجه گیری: ما نشان دادیم که واکسیناسیون آنفلوانزا پاسخ های ایمنی کافی را در بیماران مبتلا به COPD و افراد مبتلا به سرطان ریه ایجاد می کند. مصونیت پس از واکسیناسیون با معیارهای مجوز بین المللی آژانس اروپایی ارزیابی محصولات پزشکی و سازمان غذا و داروی ایالات متحده مطابقت داشت. و همچنین بیماران مبتلا به سرطان ریه تحت شیمی درمانی، پاسخ ایمنی قابل قبولی به واکسن آنفلوانزای سه ظرفیتی بدون عوارض جانبی قابل توجه نشان دادند که از توصیه برای واکسیناسیون سالانه آنفلوانزا در بیماران مبتلا به سرطان ریه حمایت می کند.

واژه های کلیدی: واکسن آنفلوانزا، بیماران مبتلا به سرطان ریه، بیماری مزمن انسداد ریوی

تعیین عوامل موثر بر مکان یابی بهینه بیمارستان: یک مطالعه ترکیبی

سجاد خسروی^۱، پریسا علیمحمدی^۱، زهره عالیشوندی^۱، * ملیکا سلیمی^۱، محمد مهدی سلطانی^۱

^۱ - کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بهم، بهم، ایران

چکیده

مقدمه: تعیین مکان بهینه ساخت مراکز بهداشتی و درمانی به نحوی که همه شهروندان از آن بهره مند شوند در راستای کاهش هزینه ها و افزایش بهره وری امری مهم است. هدف این پژوهش یافتن معیارهای مناسب برای انتخاب مکان ساخت بیمارستان بود.

روش کار: این مطالعه، یک مطالعه ترکیبی (Mixed method) بود که در دو فاز انجام شده است. فاز اول مطالعه شامل یک مطالعه مروری بود که کلیه مطالعات انجام شده و اسناد مورد ارتباط در این زمینه بررسی شد. فاز دوم انجام یک مطالعه کیفی و پیمایشی بود در فاز دوم با شناسایی صاحب نظران در این زمینه، مصاحبه های عمیقی در خصوص شناسایی مهمترین عوامل موثر بر مکان بیمارستان صورت پذیرفت و نهایتاً نتایج دو بخش قبلی به صورت دلفی در اختیار افراد بیشتری قرار گرفت و بر روی عوامل نهایی توافق صورت گرفت. این پژوهش از نظر هدف کاربردی می باشد ابزار جمع آوری داده ها و روش تجزیه و تحلیل داده ها در هر یک مراحل انجام این مطالعه، متناسب با نوع مطالعه انتخاب و انجام صورت پذیرفت.

یافته ها: ۲۵ عامل به عنوان مهم ترین عوامل بر مکان یابی بیمارستان انتخاب شدند که شامل دسترسی به معابر اصلی، نزدیکی به فضای سبز شهری، دوری از خطوط گسل، دوری از مناطق نظامی، دوری از مراکز صنعتی، مناسب بودن شیب زمین، دوری از انبار تاسیسات و تجهیزات شهری، وجود مکانی برای پارکینگ، جهت وزش باد در منطقه، فاصله از پمپ های بنزین و جایگاه CNG، دوری از فرودگاه، رعایت فاصله مناسب از ایستگاه ها و دکل های مخابراتی، دوری از کشتارگاه، جنس خاک، دوری از قبرستان، دوری از مسیر سیلاب، دوری از راه آهن، دوری از کارخانه ها، طرح توسعه و گسترش بیمارستان در آینده، زیر ساخت ها و تاسیسات زیربنایی، شاخص های اقتصادی و اصل برآورد هزینه، شاخص های فرهنگی و روانشناسی اجتماعی، موقعیت جغرافیایی و ویژگی های اقلیمی، مساحت و ابعاد زمین مورد نیاز برای ساخت بیمارستان، شبکه سازی بیمارستانی (ارتباط با سایر بیمارستان ها) می باشد.

نتیجه گیری: نتایج نشان می دهد که یکی از مهم ترین عوامل موفقیت یک بیمارستان موقعیت آن است. برای تعیین موقعیت بیمارستان به منظور پاسخگویی در مواقع بحرانی، مکان آن را باید طوری انتخاب نمود که در زمان رخداد حوادث طبیعی و انسان ساخت دچار کمترین آسیب شده، دسترسی مردم آسیب دیده به آن آسان و قابلیت گسترش خدمات را داشته باشد.

واژه های کلیدی: مکان یابی، بیمارستان، مطالعه ترکیبی

Investigating the attitudes of students and staff of Bam University of Medical Sciences towards the use of dress code in the academic setting

Morteza Alimoradi¹, Sajad Khosravy^{2&3}, Leili Abedi Gheshlaghi^{3}*

1. Student Research Committee, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
2. Assistant Professor, Ph.D. in Health Policy, Faculty of Health, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
3. Noncommunicable Diseases Research Center, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Background: Every institution in the world needs its own dress code and has defined principles for it. In order to achieve this grand purpose, it is necessary to evaluate the level of students', professors' and university staff's attitude about the proportionate clothing in the university environment. Therefore, the present research will be conducted with the purpose of investigating the students' and university staff's attitude towards professional dress code in Bam University of Medical Sciences.

Methods: The present cross-sectional study was conducted among 256 students and 136 staff at Bam University of Medical Sciences, Iran, in 2022. The data were collected using checklist and one researcher-made questionnaire asking for students and staff s' attitudes regarding the professional dress code. The content validity and reliability of the questionnaire were assessed. We also measured the construct validity of the attitude questionnaire by exploratory factor analysis (EFA) with varimax rotation and principal axis factor in the extraction method. The data analysis was performed using SPSS 22 (SPSS Inc./IBM, Chicago, IL, USA) software through descriptive statistics and analytic tests.

Results: The mean (standard deviation) age of staff and students were 36 (6), and 21.06 (2), respectively. Almost 67% of staff and 75% of students were female. Half of staff have master or upper degrees. Place of service of staffs were vice-chancellery for education (38%), vice-chancellery for research (31%), and vice-Chancellery for Student and Cultural Affairs (12%). About 90% students were single. The most of the students were undergraduates (80%), followed by medical students (17.3%). The participation rate of medical (18%), nursing (15%), and public health (14.5%) students were higher, and the students of medical emergency (2.4%) had the lowest participation rate.

CVI and CVR results showed that all of questions expect for 1 question had a score higher than 0.79, so they were recognized relevant and necessary. The 10-item questionnaire was assessed for



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی کلان منطقه هشت
دانشگاه علوم پزشکی بوم - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بوم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



reliability. The internal consistency was calculated by Cronbach's alpha to be 0.92. We retained two factors based on multiple criteria. Based on the cumulative percent of the variance, the first two factors account for a proportion 0.68 of the total variance.

Almost 56 % (n=137) of students and 82% (n=102) of staff believed that it is necessary to use of professional dress code in the academic setting (P=0.001). According to multivariate regression, there aren't relationship between demographic variables and students 'attitude. But there are relationship between marital status, and organizational unit and staff's attitude.

Conclusions: The staff and students of Bam University have high positive attitude to wearing the dress code in the academic setting.

Keywords: Attitude, Professional dress code, Students, Staff, Bam, Iran.

بررسی کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مراجعه کننده به کلینیک زنان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۲

زهرا سلاری^۱، اسراء ناصحی^{۲*}

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲- استادیار دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران nassehi88@yahoo.com

چکیده

مقدمه: سندرم تخمدان پلی کیستیک شایع ترین اختلال غدد درون ریز در بین زنان است که با پیامدهای متفاوتی از جمله عوارض باروری، متابولیکی، قلبی عروقی و روانی همراه است که می تواند کیفیت زندگی مبتلایان را به طور جدی تحت تاثیر قرار دهد. با توجه به تاثیر عوامل فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی بر ابعاد مختلف کیفیت زندگی، این مطالعه با هدف بررسی کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مراجعه کننده به کلینیک زنان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بم انجام شد.

روش کار: پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی است که بر روی ۱۰۵ زن مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک مراجعه کننده به کلینیک زنان وابسته به دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۲ انجام شد. اطلاعات از طریق پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی ویژه زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک (PCOSQ) جمع آوری شد. داده ها با استفاده از روش های آمار توصیفی و استنباطی توسط نرم افزار SPSS-۲۲ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی بیماران $4/39 \pm 26/24$ سال بود. یافته های حاصل از این پژوهش نشان داد که نمره کل کیفیت زندگی زنان $19/23 \pm 104/06$ می باشد. همچنین میانگین نمرات هر کدام از ابعاد کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم تخمدان پلی کیستیک از بیشترین به کمترین نمرات به ترتیب شامل حیطه عاطفی $8/25 \pm 30/12$ ، وزن $9/34 \pm 21/12$ ، ناباروری $5/39 \pm 19/44$ ، هیرسوتیسم $7/70 \pm 19/18$ و اختلالات قاعدگی $4/76 \pm 4/17$ بودند.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های این مطالعه، عوارض هیرسوتیسم و اختلالات قاعدگی بیشترین تاثیر را بر کاهش کیفیت زندگی بیماران دارند. بنابراین به ارائه دهندگان سلامت پیشنهاد می شود تا به مشکلات قاعدگی و هیرسوتیسم توجه بیشتری داشته باشند و با مدیریت مناسب این پیامدها، منجر به ارتقای کیفیت زندگی زنان مبتلا به سندرم پلی کیستیک شوند.

واژه های کلیدی: سندرم تخمدان پلی کیستیک، کیفیت زندگی، اختلالات قاعدگی، هیرسوتیسم

بررسی تاثیر فاکتور محرک کلونی گرانولوسیتی (G-CSF) بروی کاهش مداخلات جراحی در بیماران مبتلا به انتروکولیت نوتروپنیک القا شده ناشی از مصرف داروهای شیمی درمانی؛ یک مطالعه مروری نظام مند

محمد رضا پورعلی^۱، سمانه نعمت الهی^۲ *

School of medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran¹
Noncommunicable diseases research center, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran²

چکیده

مقدمه: انتروکولیت نوتروپنیک یا تیفلایتیس^{۱،۲} یکی از عارضه های حادی است که ممکن است به موجب استفاده از داروهای شیمی درمانی رخ بدهد. تیفلایتیس مجموعه ای از پاسخهای التهابی است که کولون و روده ی باریک را درگیر میکند و پیشروی آن حتی به بافت مردگی^۳، خونریزی^۴، سوراخ شدگی^۵ لوله ی گوارش و گندخونی^۶ منجر میشود. عارضه ی تیفلایتیس اکثرا در بیماران مبتلا به لوسمی حاد تحت شیمی درمانی اتفاق می افتد و بعنوان یکی از عوارض درمان تومورهای توپر^۷ نیز رو به افزایش است. تشخیص و درمان به موقع مهمترین اقدام در برخورد با این عارضه میباشد. در افراد مشکوک به تیفلایتیس بعد از اقدامات اولیه درمانی رژیمهای درمانی متعددی استفاده میشود، یکی از داروهای مورد استفاده در این رژیمها فاکتور محرک کلونی گرانولوسیتی (G-CSF) می باشد که تحت نام تجاری فیلگراستیم به فروش میرسد، این دارو برای درمان نوتروپنی مورد استفاده قرار میگیرد. خطوط بعدی درمان عارضه ی تیفلایتیس شامل درمانهای مداخله ای به خصوص مداخلات جراحی برای خارج کردن نواحی آسیب دیده و نکروتیک میباشد. در این پژوهش به بررسی ارتباط استفاده و یا عدم استفاده از رژیم دارویی شامل G-CSF و کاهش مداخلات جراحی در بیمارانی پرداخته شده است که تشخیص تیفلایتیس در آنها مسجل گردیده است.

روش کار: با توجه به اینکه مطالعه حاضر مطالعه مروری نظام مند می باشد، بعد از آماده کردن استراتژی جستجو، از سه پایگاه داده WOS, PubMed و Scopus مقالات مرتبط استخراج شدند، بعد از انجام فرآیند جستجو جهت انتقال مطالعات از نرم افزار مدیریت منابع اند نوت استفاده شد. سپس در محیط این نرم افزار موارد مشابه شناسایی و خارج شدند. سپس مرحله غربالگری انجام شد. مرحله غربالگری توسط دو نفر مرورگر به طور مستقل انجام گردید. هر گونه عدم توافق بین نتایج غربالگری بین دو مرورگر با بحث و استفاده از متن کامل مقاله تصمیم گیری شد. قابل ذکر است که با توجه به نادر بودن بیماری، در مطالعه مروری ما استخراج اطلاعات از مطالعات گزارش موردی انجام شد. بعد از فرآیند جستجو و غربالگری ۱۶۳ مقاله گزارش موردی مورد بررسی قرار گرفتند. در نهایت آنالیز داده های استخراج شده با توجه به توصیفی بودن مطالعه، توسط نرم افزار آماری SPSS انجام شد.

Typhlitis^۱
Necrosis^۲
Hemorrhage^۳
Perforation^۴
Septicemia^۵
Solid tumor^۶

یافته ها و نتیجه گیری: بعد از بررسی کل مقالات اطلاعات مربوط به ۲۲۲ مورد بیمار مبتلا به تیفلایتیس استخراج شد، اکثریت بیماران زن بودند (۵۴/۵٪) و میانگین سن بیماران 38.97 ± 21.7 سال بود. بعد از بررسی اینکه بیماران با چه علائمی مراجعه کرده اند، به این نتیجه رسیدیم که دل درد، تب و اسهال به ترتیب از رایج ترین علائم در بیماران به هنگام مراجعه بود.

اطلاعات به دست آمده نشان داد که، بیماریهای فشارخون، سرطان سینه و دیابت به ترتیب رایج ترین بیماریها در بین بیماران مبتلا به تیفلایتیس بودند. با توجه به نتایج به دست آمده، ۳۱ درصد از بیمارانی که برای آنها از درمان G-CSF استفاده نشده بود تحت عمل جراحی قرار گرفتند و از میان بیمارانی که برای آنها از درمان G-CSF استفاده شده بود ۲۴ درصد تحت عمل جراحی قرار گرفتند، ارتباط بین استفاده از درمان G-CSF و عمل جراحی از نظر آماری معنادار نشد (p-value=0.24) اما با توجه به درصدی که به دست آمده می توان نتیجه گیری کرد که بیمارانی که تحت درمان G-CSF قرار گرفتند، با احتمال کمتری تحت عمل جراحی قرار می گیرند.

واژه های کلیدی: تیفلایتیس، G-CSF، جراحی

بررسی مقاومت آنتی بیوتیکی سویه های باکتریایی جدا شده از عفونت ادراری در بیماران سرپایی مراجعه کننده به آزمایشگاه امام رضا (ع) شهرستان بیرجند

حسن کهنسال^۱، مهدیه حمیدی^۲، مریم روحانی^۲، رضوان باقری برواتی^۳، علی امیری^۲، سید مجتبی مرتضوی^{۱*}

۱. مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.
۲. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.
۳. پایگاه تحقیقات بالینی، بیمارستان آموزشی پاستور، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند.

چکیده:

سابقه و هدف: عفونت دستگاه ادراری به عنوان یکی از شایعترین بیماریهای عفونی و موارد پزشکی سرپایی و بستری در جهان به شمار میرود. این پژوهش با هدف بررسی مقاومت آنتی بیوتیکی در میکروارگانیسم های مولد عفونت ادراری در بیماران سرپایی مراجعه کننده به آزمایشگاه امام رضا (ع) شهرستان بیرجند به بررسی تأثیر آنتی بیوتیک های رایج در درمان این بیماری پرداخت.

مواد و روشها: این مطالعه به صورت توصیفی مقطعی در نیمه اول سال ۱۳۹۷ در آزمایشگاه امام رضا (ع) شهرستان بیرجند انجام گرفت و نمونه های ادرار پس از کشت و تأیید نهایی از نظر وجود عفونت، از لحاظ حساسیت میکروبی با روش استاندارد دیسک دیفیوژن مورد بررسی قرار گرفتند و نتایج بدست آمده مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند.

یافته ها: باکتری اشرشیاکلی عامل اصلی عفونت ادراری شناسایی شد (۲۸.۵۷ درصد) و پس از آن استافیلوکوکوس ارئوس با فراوانی ۲۰٪ و استافیلوکوک ساپروفیتیکوس با فراوانی ۱۲.۸۵٪ شایعترین آنها بودند.

نتایج سنجش حساسیت میکروارگانیسمهای عامل عفونت دستگاه ادراری نشان داد که حساس ترین دارو برای این بیماری، جنتامایسین و نیتروفورانتهین است که میزان حساسیت باکتریها به آنها به ترتیب، ۷۰ درصد و ۷۵ درصد می باشد. باکتریها بیشترین مقاومت را نسبت به نالیدیکسیک اسید و کوتریموکسازول نشان دادند اما کوتریموکسازول برای درمان عفونت ادراری ناشی از استافیلوکوک ساپروفیتیکوس کارایی دارد زیرا این باکتری بیشترین حساسیت را نسبت به این آنتی بیوتیک (۷۷.۷٪) و همچنین کمترین مقاومت را نسبت به نیتروفورانتهین (۰٪) نشان داد.

نتیجه گیری: در این مطالعه باکتریهای گرم منفی به ویژه اشرشیاکلی به عنوان عامل اصلی عفونت دستگاه ادراری شناسایی شد. نتایج این مطالعه حاکی از افزایش چشمگیر مقاومت آنتی بیوتیکی در بین عوامل عفونت ادراری میباشد. بر اساس یافته های پژوهش توصیه میشود در انتخاب و تجویز آنتی بیوتیک جهت درمان تجربی دقت بیشتری بعمل آید و حتما الگوی حساسیت آنتی بیوتیکی باکتری مولد بیماری قبل از تجویز دارو مورد بررسی قرار گیرد.

واژه های کلیدی: عفونت ادراری، مقاومت آنتی بیوتیکی

Evaluation of the Effects of *Curcumin* Nanoliposomes on Viability and Motility of Fibroblast Cells and Burn Wound Healing in Mice: An in Vivo and in Vitro Study

Abstract

Background and Aim: *Curcumin* (diferuloylmethane) is one of the most active components of turmeric. This herbal compound has anti-inflammatory and positive wound-healing impacts. The principal objective of this study was to evaluate the impacts of *curcumin* nanoliposomes on cell viability and motility of mouse fibroblasts NIH 3T3 cells and wound healing effects of second-degree skin burns in BALB/c mice.

Materials and Methods: Mature male BALB/c mice (n=48) were divided into 4 groups (n=12/each group). Group one received *curcumin* nanoliposome ointment; the positive and negative control groups (groups 2&3) were treated with silver sulfadiazine and placebo, respectively, and group four (sham) received no treatment. The burn wound was created by a metal device with a diameter of 1 cm. Animals received treatment twice daily. On days 4, 7, 10, and 14, deep anesthesia and a biopsy of the wound were performed, and a microscopic study and MTT test were carried out.

Results: Cellular studies on mouse fibroblasts NIH-3T3 cells showed that low-dose *curcumin* nanoliposomes treatment can increase cell proliferation and motility at 8, 12, and 24 hours in comparison with the control group. In tissue samples of the mice treated with *curcumin* nanoliposome (day 14), inflammation was observed less than in the control group, also the granulation tissue formation, fibroblast proliferation, epithelialization and collagen fiber synthesis at the study time indicated a significant increase when mentioned parameters were compared to the control groups.

Conclusion: Results support the positive effect of *curcumin* nanoliposomes on the motility process of mouse fibroblasts NIH-3T3 cells (in vitro) and the inflammatory and proliferative phases (in vivo) among mice.

Keywords: Nanoliposome, *Curcumin*, Wound healing, Burn, Fibroblast



General health and lifestyle in infertile men and women in Zahedan

Fatemeh Govahi Kakhki¹, Fatemeh Pakdaman², Nasimeh Khaleghi³, Maryam Seraji⁴ *

¹ MSc Student in Nutrition, Department of Nutrition, School of Medicine, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

² BSc Student in Public Health, Department of Health Education and Health Promotion, , Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

³ BSc Student in Public Health, Department of Health Education and Health Promotion, , Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.

⁴* Assistant Professor, Department of Health Education and Health Promotion, Health Promotion Research Center, Zahedan University of Medical Sciences, Zahedan, Iran.
(Corresponding Author): Serajimaryam@gmail.com

Abstract

Background: Fertility is a key element of reproductive health, and infertility is identified as a global public health issue by the World Health Organization (WHO). Lifestyle factors have had a substantial effect on reproductive capacity as well as general health. Hence, this study aimed to determine general health and lifestyle in infertile men and women in Zahedan, Iran.

Methods: In this cross-sectional study, 267 participants (86 men and 181 women) referring to Ali Ibn Abi Talib molod Hospital in Zahedan were randomly selected. General health questionnaire (GHQ) and *Miller-Smith lifestyle assessment inventory* (LSI) were used to collect data. Then, data were analyzed by SPSS v.22 software.

Results: The mean age of participants was 30.87 ± 7.5 . 70% of participations had an average lifestyle and general health most of them was exposed to damage. There was a significant association between occupation with lifestyle and general health ($p \leq 0.05$). Employed participants had better general health as well as lifestyle. Also, participants with higher levels of general health had higher level of lifestyle ($r = 0.347$ $p < 0.001$).

Conclusions: According to the findings, most of infertile people's lifestyle was an average. Also, their general health was exposed to damage in most cases. Since the health-promoting lifestyle is focused on improving the lifestyle and affects the infertility of people, in order to have healthy fertility and have children, educational intervention in lifestyle issues should be planned, which in turn affects general health.

Keywords: General health, Infertile, Lifestyle, Zahedan

بررسی رابطه بین ارتباطات سازمانی با نشاط کارکنان در دانشگاه علوم پزشکی بوم

فاطمه دستجردی^۱، ساناز مقدمی پور^۱، شیوا مداحیان^{۲*}، اسماء توکلی^۳

۱. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران
۲. استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی کرمان، کرمان، ایران
۳. معاونت تحقیقات و فناوری، دانشگاه علوم پزشکی بوم، بوم، ایران

چکیده:

مقدمه: وجود ارتباطات موثر و صحیح، همواره یکی از عوامل مهم توفیق در سازمان برشمرده شده است. تجارب نشان داده است که اگر ارتباطات صحیح در سازمان برقرار نباشد، گردش امور مختل می شود. هدف مطالعه حاضر بررسی رابطه ی بین ارتباطات سازمانی با نشاط کارکنان در دانشگاه علوم پزشکی بوم بود.

روش کار: مطالعه از نوع مقطعی بود که در بین کارمندان دانشگاه علوم پزشکی بوم انجام گرفت. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۲۱۷ نفر برآورد شد که برای دسترسی به ۲۱۷ نفر انتخاب کارکنان به صورت تصادفی انجام گردی. برای گردآوری داده ها پرسشنامه ارتباطات سازمانی اثربخش رابینز و پرسشنامه نشاط کارکنان کروف (۲۰۰۷) استفاده شد. از نرم افزار SPSS ورژن ۲۲ برای تحلیل نتایج استفاده گردید. از ضریب همبستگی و رگرسیون برای بررسی ارتباط بین متغیرها استفاده شد سطح معنی دار کمتر از ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

نتایج: نتایج مطالعه حاضر نشان داد که بین ارتباطات سازمانی و ابعادش (شامل: مجراهای ارتباطی، ساده سازی، گوش دادن، کنترل هیجان، استفاده از بازخورد و ارتباطات غیرکلامی) با نشاط کارکنان در دانشگاه علوم پزشکی بوم رابطه معنادار وجود دارد) $(p=0/001)$.

نتیجه گیری: تاثیرات ارتباطات سازمانی با نشاط کارکنان مشخص گردید و توصیه می شود در سازمانها برای ارتقای نشاط کارکنان اقداماتی انجام گیرد. مهم ترین عامل در سلامت روانی نشاط می باشد. توجه به نشاط کارکنان در سازمان و فراهم کردن زمینه هایی برای نشاط کارکنان راهی موثر و قابل اعتماد برای دستیابی به سلامت روان کارکنان است. اگر ارتباطات صحیحی در سازمان برقرار نباشد گردش امور مختل می شود. ایجاد هماهنگی، برنامه ریزی، سازماندهی، کنترل و سایر وظایف مدیران بدون وجود سیستم ارتباطی مؤثری در سازمان قابل تحقق نیست و در صورت عدم چنین سیستمی امکان اداره سازمان وجود نخواهد داشت. بین شادی در کار و بهره وری ارتباط روشنی وجود دارد، از دیگر آثار شادی و نشاط در محیط کار می توان به افزایش سود، افزایش تولید، بهبود



اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان
دانشگاه علوم پزشکی ایلام، منطقه ۸ کشوری
دانشگاه علوم پزشکی ایلام - اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی ایلام - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲



توانایی تصمیم گیری، افزایش رضایت مشتریان، کاهش غیبت، انجام دادن کارها با اشتیاق بیشتر، بهبود ارتباطات، افزایش تعهد کارکنان به سازمان، تقویت کار تیمی و افزایش خلاقیت و نوآوری در سازمان اشاره کرد. واژگان کلیدی: ارتباطات سازمانی، نشاط کارکنان ، دانشگاه علوم پزشکی ایلام

بررسی اپیدمیولوژیک بیماران بستری کووید-۱۹ در بیمارستان پاستور بم در سال ۱۴۰۰

چکیده

مقدمه: شیوع بیماری کووید ۱۹ از اواخر سال ۱۳۹۸ در ایران آغاز شد. شناسایی ویژگی های اپیدمیولوژیک این بیماری به تصمیم گیری مناسب و در نتیجه کنترل اپیدمی کمک می کند. این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژیک بیماران بستری کووید-۱۹ در بیمارستان پاستور در سال ۱۴۰۰ انجام شد.

روش کار: در این مطالعه توصیفی-مقطعی اطلاعات دموگرافیک و اپیدمیولوژیک تمامی افرادی که از تاریخ ۱۴۰۰/۱/۱ تا ۱۴۰۰/۱۲/۲۹ با تشخیص کووید-۱۹ به بیمارستان پاستور شهرستان بم مراجعه کرده بودند؛ توسط چک لیست استخراج شد و با استفاده از نرم افزار SPSS و Excel مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: در این مطالعه ۳۷۸۵ بیمار کووید مثبت مورد بررسی قرار گرفتند. ۳۵/۷ درصد موارد بیماری در گروه سنی ۴۰ تا ۶۰ سال اتفاق افتاده بود. ابتلا در افراد مونث بیشتر از افراد مذکر بود (۵۳/۶ درصد در مقابل ۴۶/۴ درصد). ۶۸/۷ درصد بیماران قطعی در شهرستان بم سکونت داشتند. تقریباً تمام بیماران (۹۹/۱ درصد) سابقه ابتلای قبلی به کووید-۱۹ را نداشته اند. یافته ها نشان داد که بیشتر افراد دارای علائم تب (۴۹/۹ درصد)، سرفه (۴۸/۳ درصد)، دیسترس تنفسی (۳۸/۵ درصد) و درد عضلانی (۲۷ درصد) بودند. طبق یافته های مطالعه حاضر، ۴۰/۷ درصد افراد بستری مبتلا به کووید-۱۹ دچار حداقل یکی از بیماری های زمینه ای بوده اند، و بیشتر افراد دچار بیماری فشار خون (۱۷/۵ درصد) و دیابت (۱۱/۸ درصد) بوده اند، همچنین بیشتر مبتلایان فوت شده (۷۹/۴ درصد) دارای حداقل یک بیماری زمینه ای بوده اند. یافته های این مطالعه نشان می دهد، که بیشترین فوتی ها (۹۰ درصد) مربوط به سالمندان بوده است.

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه حاکی از بالا بودن میزان ابتلا به کووید-۱۹ در زنان، افراد میانسال و افرادی که سابقه ابتلای قبلی به کرونا را نداشته اند، است و همینطور نتایج نشان می دهد، میزان مرگ و میر در افرادی که دارای بیماری زمینه ای بوده اند، افراد میانسال و مسن و افرادی که سابقه ابتلای قبلی به کرونا را نداشته اند، بالا بوده است؛ که لزوم به کارگیری اقدامات احتیاطی و پیشگیرانه را در این اقشار ایجاب می کند.

واژه های کلیدی: کووید-۱۹، کرونا ویروس، اپیدمیولوژی، بم

بررسی فراوانی پلی مورفیسم ژن تک نوکلئوتیدی مو و دلتا در مادران باردار معتاد در بیمارستان پاستور بوم در سال ۱۴۰۱

چکیده:

مقدمه: اعتیاد به مواد مخدر یکی از مشکلات عمده در سراسر جهان است. فاکتورهای متعددی در آسیب پذیری در برابر اعتیاد و سوء مصرف مواد نقش دارند. فاکتورهای ژنتیکی، در کنار فاکتورهای محیطی به عنوان عوامل قابل توارث برای اعتیاد مورد بررسی قرار گرفته اند. اعتیاد می تواند اثرات بسیار بدی برای مادران باردار و جنینان آنها داشته باشد. در مطالعه حاضر به بررسی فراوانی پلی مورفیسم ژن تک نوکلئوتیدی مو و دلتا در مادران باردار معتاد در بیمارستان پاستور بوم در سال ۱۴۰۱ پرداخته شده است.

روش کار: مطالعه حاضر به صورت مورد-شاهدی بر روی ۹۰ مادر باردار معتاد و ۹۰ مادر باردار سالم در سال ۱۴۰۱ انجام شد. DNA ژنومی همه ی افراد از نمونه ای خون کامل بجا روش Out Salting استخراج شد. سپس ژنوتایپ ها و آلل های مورد نظر با استفاده از روش PCR شناسایی شد. سپس اطلاعات جمع آوری شده جهت تجزیه و تحلیل آماری وارد نرم افزار SPSS نسخه ۲۴ گردید.

یافته ها: میانگین سنی مادران معتاد 2.36 ± 36.81 سهال و مادران سالم 2.65 ± 35.06 بهبود. ژنوتایپ های AA ، AG و آلل های A و G در پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی A118G در گهروه مادران باردار معتاد به طور معناداری بیشتر بود. همچنین فراوانی آلل C در پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی T921C در گروه مادران باردار معتاد بیشتر بود.

بحث و نتیجه گیری: نتایج مطالعه حاضر نشان داد ژنوتایپ ها و آلل های پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی A118G در ژن OPRM1 به طور معناداری در مادران معتاد بیشتر بهبود. همچنین فراوانی آلل C در پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی T921C در گروه مادران باردار معتاد بیشتر بود.

کلیدواژه: اعتیاد به مواد مخدر، مادران باردار، ژن OPRD1 ، ژن OPRM1 ، پلی مورفیسم تک نوکلئوتیدی A118G

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بوم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

درک پرستاران ایرانی از صلاحیت های مدیریت خطر بلایا

فائزه سلطانی گوکی^{۲۴} حجت فرهمند نیا^{۲۵}، امیر رضا سبزی^{۲۶}، جمیله فرخ زادیان^{۲۷}

۱- مرکز تحقیقات پرستاری، دانشکده پرستاری مامایی رازی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲- مرکز تحقیقات سلامت در بلایا و فوریت ها، موسسه آینده پژوهی سلامت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

۳- کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی شیراز، شیراز، ایران.

۴- نویسنده مسئول: مرکز تحقیقات پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

مقدمه: با توجه به وقوع پی در پی بلایا، مدیریت خطر بلایا به عنوان یک برنامه مهم در اولویت نظام سلامت است. پرستاران بزرگترین گروه ارائه دهندگان مراقبت سلامت هستند که نقش مهمی در مدیریت خطر بلایا دارند. بنابراین باید آمادگی و صلاحیت لازم برای واکنش به بلایا را داشته باشند. این مطالعه با هدف بررسی وضعیت صلاحیت مدیریت خطر بلایا در پرستاران ایرانی انجام شد.

روش کار: این مطالعه از نوع مقطعی بود که در سال ۱۴۰۱ در شهر کرمان انجام گرفت. جهت جمع آوری داده ها از فرم دموگرافیک و مقیاس صلاحیت های اصلی درک شده پرستاران از بلایا (NPDCC) استفاده شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۱ تحلیل شدند.

یافته ها: صلاحیت های مدیریت خطر بلایا در پرستاران در حد مطلوب با میانگین $167 \pm 27/1$ بود. هم چنین نمره صلاحیت مدیریت خطر بلایا پرستاران با سطح تحصیلات، سن، سابقه کار، وضعیت استخدامی، سابقه شرکت در دوره های آموزشی مرتبط با مدیریت خطر بلایا، تجربه کار در حوادث و بلایا ارتباط مثبت و معنی دار آماری داشت.

نتیجه گیری: نتایج مطالعه بیانگر سطح بالای صلاحیت مدیریت خطر بلایا در پرستاران بود. ارائه وسیع تر و مداوم آموزش های مرتبط با مدیریت خطر بلایا با رویکردهای آموزشی متنوع توصیه می شود.

واژه های کلیدی: پرستاران، مدیریت خطر بلایا، درک، صلاحیت

حساسیت فرهنگی و ارتباط آن با سطح تعامل کاری در بین کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۱

*هادی خوشاب، فاطمه قنبری

۱. نویسنده مسئول) دکتری آموزش پرستاری، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده پرستاری و مامایی، hadikhoshab@gmail.com، تلفن

۰۹۱۳۲۴۲۵۷۰۰، آدرس: بم بولوار خلیج فارس، دانشگاه علوم پزشکی بم، دانشکده پرستاری و مامایی،

۲. دانشجوی پرستاری، کمیته تحقیقات دانشکده پرستاری و مامایی، دانشگاه علوم پزشکی بم (ارائه دهنده)

چکیده

مقدمه: اورژانس پیش بیمارستانی، حرفه‌ای است که ایفای نقش در آن از طریق ارتباط، تعامل و همفکری شکل می‌گیرد، به این معنی که اجرای صحیح مراقبت‌های اولیه پزشکی، مستلزم برقراری تعامل مناسب و صحیح میان کارکنان با یکدیگر و با بیمار است. حساسیت فرهنگی به پذیرش، گشودگی، احترام به همکاران و بیماران بدون در نظر گرفتن فرهنگ و قومیت‌شان اشاره دارد. با توجه به اهمیت داشتن حساسیت فرهنگی در اورژانس پیش بیمارستانی، هدف از این مطالعه بررسی وضعیت حساسیت بین فرهنگی در بین کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی و ارتباط آن با سطح تعامل کاری آنان در محیط کار است.

مواد و روش‌ها: مطالعه همبستگی توصیفی حاضر با مشارکت کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۱ انجام گرفت. روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بود. اطلاعات از طریق ابزار سه قسمتی شامل اطلاعات جمعیت شناختی، (WDQ-II) و مقیاس حساسیت فرهنگی جمع‌آوری شد. جهت تعیین روایی محتوا از (نظرات خبرگان و متخصصان) و جهت بررسی پایایی آن از آزمون مجدد استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۵ انجام شد.

یافته‌ها: یافته‌های این مطالعه نشان داد حساسیت فرهنگی در بین کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی تفاوت معنی‌داری ندارد اما تعامل کاری نسبت به میانگین معنی‌دار است. همچنین نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن بود که بین متغیر حساسیت بین فرهنگی با تعامل کاری همبستگی معکوس و معنی‌دار وجود دارد. ($r=0/412$, $p<0/001$).

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های به دست آمده جهت کاهش حساسیت بین فرهنگی زمینه‌سازی آگاهی بیشتر افراد از یکدیگر، انتقال اطلاعات و آگاهی از فرهنگ‌های مختلف موجود در منطقه لازم و ضروری است. لذا منطقی به نظر می‌رسد که ایجاد حساسیت فرهنگی و بهبود تعامل فرهنگی بین تیم درمان بویژه در میان کارکنان عملیاتی پیش بیمارستانی به عنوان یکی از علل تاثیرگذار بر ایمنی و مراقبت بیماران مورد توجه بیشتری قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: حساسیت بین فرهنگی، تعامل کاری، کارکنان اورژانس پیش بیمارستانی

بررسی و شناسایی عوامل موثر بر انگیزش شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بم در سال ۱۴۰۱

زهرا چهاردانگی^{۱*}، زهرا یوسفی ذباح^۲، سجاد خسروی^۳

۱. کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۲. کارشناس مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

۳. استادیار، مدیریت خدمات بهداشتی درمانی، مرکز تحقیقات بیماری های غیر واگیر، دانشگاه علوم پزشکی بم، بم، ایران

چکیده

مقدمه: یکی از بزرگترین مشکل سازمان های امروزی و چالش برانگیزترین بحرانی که مدیران با آن مواجه هستند انگیزه پایین و افت مسئولیت پذیری کارکنان می باشد. در این میان، افرادی که دل به کار نمی دهند و اشتیاق و انگیزه ای برای انجام وظایف خود ندارند، بیشترین آسیب را به اهداف و برنامه های مدیریت وارد می آورند؛ زیرا انگیزه افراد به طور مستقیم با اثربخشی و عملکرد آنها ارتباط دارد. هدف این پژوهش شناسایی و بررسی عوامل موثر بر انگیزش شغلی کارکنان دانشگاه علوم پزشکی بم می باشد.

روش کار: این تحقیق از لحاظ هدف کاربردی، از لحاظ روش تحلیلی و از لحاظ زمانی بصورت مقطعی می باشد. نمونه مورد مطالعه این تحقیق ۲۲۰ نفر از کارکنان ستادی معاونت های دانشگاه علوم پزشکی بم می باشد که با روش نمونه گیری سهمیه ای و تصادفی ساده انتخاب شده اند. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه ای که متشکل از دو بخش بود استفاده گردید که پرسشنامه مذکور در مطالعات قبلی مورد تایید قرار گرفته است. پس از جمع آوری داده ها در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۲ استفاده شد. پس از ورود داده های پرسشنامه به نرم افزار مذکور، جهت تجزیه و تحلیل و پاسخ به اهداف پژوهش، از آزمون های مرتبط با آمار توصیفی استفاده شد.

یافته ها: در این تحقیق ۶۹/۷٪ از افراد مورد مطالعه زن بوده، ۳۹/۴ درصد را گروه سنی ۳۵ سال به بالا تشکیل داده، ۴۴ درصد درصد افراد دارای مدرک کارشناسی بوده و ۳۸/۱ درصد از افراد دارای سابقه کار ۵ سال و کمتر بودند. همچنین ابعاد ماهیت کار، ارتباط و امنیت شغلی به ترتیب دارای میانگین ۳/۹۳، ۳/۸۶ و ۳/۶۷ بودند.

نتیجه گیری: نتایج تحقیق نشان میدهد که ابعاد ماهیت کار، ارتباط و امنیت شغلی بیشترین تاثیر را در انگیزش افراد دارند. همچنین با توجه به فرضیه تحقیق بین اطلاعات دموگرافیک و متغیرهای انگیزش شغلی رابطه معناداری وجود دارد. پیشنهاد میشود برای تحریک انگیزش درونی افراد از در نظر گرفتن فناوریهای طراحی شغلی، ایجاد شرایط کاری تیمی و برگزاری دوره های آموزشی استفاده شود. برای تحریک انگیزش بیرونی افراد از بهبود ارتباط نزدیک مدیران با زیردستان خود، پرداخت حقوق مکفی و به موقع و در اختیار گذاردن ابزارها و امکانات شغلی استفاده شود.

واژه های کلیدی: انگیزه، ابعاد انگیزش، انگیزش درونی، انگیزش بیرونی



Enzymes and Underlying Diseases in Patients Admitted to the Infectious Ward of Pasteur Hospital in Bam

*Najme Nezamabadi pour¹, Mohammad Hasan Kohansal², Ali Ghanbari³,
Abbas Jahanara⁴, Mitra Hashemi⁵, Fatemeh Mahmoudikohani⁶,
Seyed Kiyan Amini⁷, Nooshin Hashemi^{8*}*

1. Pediatric Gastroenterologist and Hepatologic, School of Medicine, Bam university of Medical Sciences, Bam, Iran
2. Department of Parasitology and Mycology, School of Medicine, Tabriz University of Medical Sciences, Tabriz, Iran
3. School of Medicine Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
4. Neonatologist, School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
5. North Khorasan University of Medical Sciences, Bojnurd, Iran
6. Department of Midwifery, School of Nursing and Midwifery, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
7. School of Medicine Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran
8. Department of Parasitology and Mycology, School of Medicine, Bam University of Medical Sciences, Bam, Iran

Abstract

Evaluation of the relationship between increased levels of liver enzymes and underlying diseases in patients admitted to the infectious ward of Pasteur Hospital in Bam

Background: Since December 2019, COVID19 disease has emerged in Wuhan, China. The disease can affect many organs of the body, mainly related to respiratory distress syndrome, but symptoms and liver damage have also been reported. The aim of this study was to evaluate the changes in liver enzymes in COVID19 patients admitted to Pasteur Hospital in Bam and its relationship with underlying diseases in the first six months of 1400.

Methods: This is a cross-sectional descriptive-analytical study. The study population of this study consisted of patients with Covid-19 admitted to Pasteur Hospital in Bam. A researcher-made checklist was used to collect data in this study. After data collection, the data were entered into SPSS 22 software and analyzed.

Results:

Findings: According to the findings of this study, there is a significant relationship between diabetes and variables such as age, ALP and bilirubin direct. There is also a significant relationship between blood pressure and variables such as age, ALP, SGOT, SGPT, and bilirubin direct. Heart

disease was also significantly associated with variables such as age and SGOT, but the results showed that there was no significant relationship between addiction with variables such as age, SGOT, SGPT, ALP, total bilirubin and direct bilirubin.

Conclusions: Liver enzymes were high in patients with Covid 19 who have underlying diseases such as diabetes, hypertension, addiction and heart disease. These enzymes themselves can be a warning sign of liver disease. It is recommended that Covid 19 patients be screened for liver enzymes during the disease and be examined and treated.

Keywords: COVID-19, liver enzymes, Pasteur Hospital

Sequence analysis of hot spot regions of spike and RNA-dependent-RNA polymerase (RdRp) genes of SARS-CoV-2 in Kerman, Iran

Reyhaneh Farrokhy^{1*}, Mahtab Fasihi², Mohammad Dalfardi³

1. Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran
2. Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran
3. Student Research Committee, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

Background: Mutations in the SARS-CoV-2 genome might influence pathogenicity, transmission rate, and evasion of the host immune system. Therefore, the purpose of this study was to assess the genetic alteration in the receptor binding domain (RBD) of the spike and putative RNA binding site of the RdRp genes of SARS-CoV-2.

Methods: In this cross-sectional study, 45 confirmed COVID-19 patients using qRT-PCR were included and divided into mild, severe, and critical groups based on the severity of the disease. RNA was extracted from nasopharyngeal swab samples using a commercial kit. RT-PCR was performed to amplify the target sequences of the spike and RdRp genes and sequenced them by the Sanger method. Clustal OMEGA, MEGA 11 software, I-mutant tools, and SWISS-MODEL and HDOCK web servers were used for bioinformatics analyses.

Results: The mean age of the patients was 50.68 ± 2.73 . The results showed that four of six mutations (L452R, T478K, N501Y, and D614G) in RBD and three of eight in the putative RNA binding site (P214L, E1084D, V1883T) were missense. In the putative RNA binding site, another deletion was discovered. Among missense mutations, N501Y and V1883T were responsible for increasing structural stability, and the others were responsible for decreasing it. The various homology models designed showed that these homologies were like the Wuhan model. The molecular docking analysis revealed that the T478K mutation in RBD had the highest binding affinity. In addition, 35 RBD samples (89.7%) and 33 putative RNA binding site samples (84.6%) were similar to the Delta variant.

Conclusions: Our results indicated that double mutations (T478K and N501Y) in the S protein might increase the binding affinity of SARS-CoV-2 to human ACE2 compared to the wild type (WT) strain. Moreover, variations in the spike and RdRp genes might influence the stability of encoded proteins.

Keywords: COVID19, SARS CoV-2, RdRp, Spike,

اولین کنفرانس پژوهشی دانشجویان دانشگاه های علوم پزشکی کلان منطقه هشت دانشگاه علوم پزشکی بم - ۳۰ اردیبهشت ماه ۱۴۰۲

بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی و درآمد بر فرزندآوری

محمد رضا یوسفی^۱، مریم جعفرنژاد^۲

۱. کارشناسی ارشد پرستاری سالمندان، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، خراسان رضوی، مشهد، ایران

۲. کارشناسی ارشد ویژه نوزادان، هیئت علمی دانشکده پیراپزشکی آزاد اسلامی، خراسان رضوی، مشهد مقدس

چکیده

مقدمه: تعادل و پویایی جمعیت، یکی از اصلی ترین مؤلفه های توسعه و رشد اقتصادی و اجتماعی کشورهاست. کاهش نرخ جمعیت و تمایل کمتر به فرزندآوری از دغدغه های مهم در کشور است که می تواند از دلایل متعدد اقتصادی و اجتماعی نشأت گرفته باشد. در سال های اخیر با توجه به ناپایداری اقتصادی و کاهش توان مالی خانواده ها، تصور می شود که بر کاهش فرزندآوری تأثیر گذار بوده باشد. این مطالعه با هدف بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی و درآمد بر فرزندآوری انجام گرفته است.

روش کار: مطالعه حاضر پژوهشی مقطعی (همبستگی توصیفی) بود که ۷۲۰ نفر از مراجعه کنندگان به مراکز بهداشت شهر مشهد به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شده و شرکت کردند. ابزار گردآوری داده ها شامل فرم مشخصات جمعیت شناختی و پرسشنامه بررسی وضعیت اقتصادی و درآمد بود که توسط پژوهش شوندگان تکمیل گردید. داده ها با آمار توصیفی و همبستگی اسپیرمن در نرم افزار SPSS ورژن ۲۴ در سطح معناداری $P < 0/05$ تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی شرکت کنندگان 28.88 ± 5.6 و ۵۶.۹ درصد زن بودند. ۴۳.۱ درصد فرزند ندارند، ۲۵ درصد تک فرزند هستند، ۲۳.۶ درصد ۲ فرزند دارند و ۸.۳ درصد سه فرزند یا بیشتر دارند. ۶۰ درصد قصد فرزند دار شدن ندارند. ۴۶.۷ درصد نگرانی مهم از آوردن فرزند را مالی عنوان کردند. بیشترین درآمد در رنج ۱۵ تا ۲۰ میلیون (۳۴.۷) قرار داشت. نتایج آزمون همبستگی بین درآمد و تعداد فرزند ($r = -0/606, P < 0/001$) بوده که همبستگی معکوس و معنادار آماری را نشان داد، به این معنا که تعداد فرزندان با درآمد و وضعیت اقتصادی رابطه عکس دارد.

نتیجه گیری: به نظر می رسد کاهش درآمد و وضعیت اقتصادی پایین بر کاهش فرزندآوری تأثیر نداشته و حتی رابطه عکس نیز دارد. از این رو تمرکز بر متغیر های دیگر نظیر بُعد فرهنگی و ایجاد نگرش در مورد ارزش فرزندآوری می تواند باعث افزایش فرزندآوری و تعادل در نرخ جمعیت شود

واژه های کلیدی: وضعیت اقتصادی، درآمد، فرزندآوری

موارد موثر در پیدایش بیماری آلزایمر

فرزاد عباسزاده^۱، مینا زمان بیگی ماهانی^۱، مهشید ناظم زاده شعاعی^۱، محمدرضا بهرامپور^۱، مهدی دستور^۱، عظیمه افشارزندی^۲

۱. گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

۲. فارغ التحصیل گروه اتاق عمل، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران، ایران

چکیده

مقدمه: زوال عقل یک بیماری شایع در سالمندان می باشد که موجب اختلال در عملکرد روزمره و کارکردهای اجتماعی فرد می شود. آلزایمر شایع ترین علت زوال عقل در سالمندان می باشد که تاکنون هیچ پیشگیری یا درمانی برای آن یافت نشده است. بر اساس تحقیقات گسترده در این زمینه تخمین زده شده است که تا سال ۲۰۵۰، چهل و پنج میلیون نفر در سراسر جهان مبتلا به آلزایمر خواهند شد. این مطالعه تلاشی در ارتباط با موارد موثر در پیدایش بیماری آلزایمر می باشد.

روش کار: تمامی اطلاعات این مطالعه مروری با مراجعه به پایگاههای اطلاعاتی معتبر علمی؛ Google Scholar, PubMed Magiran, Scopus, Web Of Science با جستجوی کلیدواژه های آلزایمر، اختلال شناختی، زوال سیستم عصبی جمع آوری گردید؛ سپس ۱۸ مقاله که معیارهای ورود به مقاله اصلی را داشتند مورد بررسی قرار گرفتند.

یافته ها: با توجه به تحقیقات صورت گرفته در این زمینه مشخص شده است که مهم ترین عوامل ابتلا به آلزایمر در بین سالمندان را میتوان سطح پایین تحصیلات، فشار خون بالا در میان سالی، داشتن اضافه وزن در جوانی، ضعف و یا از دست دادن قدرت شنوایی، افسردگی در سنین بالا، دیابت، بی تحرکی، سطح پایین سرمی آهن، کمبود ویتامین D، سیگار کشیدن، انزوای اجتماعی، هیپوکسی، میزان کم منیزیم سرم، پایین بودن نمایه توده بدنی در سنین سالمندی، خمودگی، کسالت و احتمالاً کووید ۱۹ عنوان نمود. البته این عوامل تاثیر داشته اند اما به طور قطع نمیتوان برای مثال سطح پایین فشار خون را در جلوگیری از پیدایش آلزایمر مفید دانست.

نتیجه گیری: موارد ذکر شده از جمله شایع ترین مواردی هستند که در شیوع بیماری آلزایمر در بین سالمندان تاثیر داشته اند؛ اما تاکنون هیچ پیشگیری، درمان یا مارکر پیدایش مشخصی برای این بیماری یافت نشده است. دانشمندان در تلاش هستند تا مارکر بیولوژیک در ارتباط با این بیماری را کشف کنند که آنها را در تشخیص بیماری آلزایمر در مراحل ابتدایی یاری دهد. امید است در آینده تحقیقات گسترده ای در ارتباط با این بیماری صورت گیرد تا بتوان با تکیه بر نتایج تحقیقات، به چارچوبها و الگوهای مشخص در جهت تشخیص، پیشگیری و درمان بیماری آلزایمر دست یافت.

واژه های کلیدی: آلزایمر، اختلال شناختی، زوال سیستم عصبی

بررسی شیوع پدیکلوزیس در بین دانش آموزان دختر شهر کرمانشاه قبل و بعد از مداخله آموزشی در سال ۱۴۰۱

لیلا جمشیدی^۱، محمد کریمی پرویز^۲، خدیجه جمشیدی^{۳*}

۱. گروه علوم پایه، دانشکده علوم پایه، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.
۲. دکتری علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، ایران.
۳. کمیته تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کرمانشاه، ایران.

چکیده

مقدمه: آلودگی به شپش سر یکی از بیماری های شایع در دانش آموزان است. اولین علامت شاخص در آلودگی به شپش سر خارش شدید است که در اثر خونخواری شپش از بدن میزبان ایجاد می گردد. آسیب های ایجاد شده در ناحیه پوست سر به وسیله شپش زمینه را برای عفونت های ثانویه فراهم می کند. مطالعه حاضر با هدف بررسی شیوع پدیکلوزیس در بین دانش آموزان دختر شهر کرمانشاه قبل و بعد از مداخله آموزشی در سال ۱۴۰۱ انجام شد.

روش کار: این مطالعه بر روی ۴۶۰ دانش آموز دختر مقطع ابتدایی دوره اول یکی از مدارس شهر کرمانشاه انجام شد. دانش آموزان توسط مربیان آموزش دیده و با استفاده از ابزارهایی چون ذره بین و پنس مورد بررسی قرار گرفتند. بعد از شناسایی دانش آموزان مبتلا به شپش و درمان کامل آنها، همه دانش آموزان، پرسنل دبستان و والدین دانش آموزان در رابطه با بیماری شپش به طور کامل آموزش داده شده و بسته های آموزشی شامل پمفلت، بروشور و ... نیز در اختیار آنها قرار گرفت. بعد از گذشت ۲ ماه دانش آموزان مجدداً از نظر آلودگی به شپش مورد بررسی قرار گرفتند. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS 22 و آزمون های آماری توصیفی و تحلیلی آنالیز گردید ($P < 0/05$).

یافته ها: در ابتدای مطالعه میزان شیوع شپش در بین دانش آموزان (۶/۵٪) بود که بعد از مداخله آموزشی میزان شیوع شپش (شامل موارد ابتلای جدید و عود بیماری) (۰/۹٪) بود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله از مطالعه و تاثیر مثبت آموزش بر کاهش موارد ابتلا به بیماری، توصیه می گردد که در ابتدای هر سال تحصیلی دانش آموزان، پرسنل مدرسه و والدین دانش آموزان بویژه در مدارس فاقد مربی بهداشت، توسط مربیان دوره دیده، آموزش داده شوند.

واژه های کلیدی: پدیکلوزیس، دانش آموزان، مقطع ابتدایی، مداخله آموزشی.

Cardiovascular protective effects of PPAR γ agonists in hypothyroid rats: protection against oxidative stress

Hadis eftekhari¹, faezeh mizaei², yousef bachcheghi³

¹Student Research Committee Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

²Student Research Committee Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

³ Department of Physiology, School of Medicine, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

Abstract

Background: Hypothyroidism disturbs redox homeostasis and takes part in cardiovascular system dysfunction. Considering antioxidant and cardio-protective effects of PPAR- γ agonists including pioglitazone (POG) and rosiglitazone (RSG), the present study was aimed to determine the effect of POG or RSG on oxidants and antioxidants indexes in the heart and aorta tissues of Propylthiouracil (PTU)-induced hypothyroid rats.

Methods: The animals were divided into six groups: (1) Control; (2) propylthiouracil (PTU), (3) PTU-POG 10, (4) PTU-POG 20, (5) PTU-RSG 2, and (6) PTU-RSG 4. Hypothyroidism was induced in rats by giving 0.05% propylthiouracil (PTU) in drinking water for 42 days. The rats of PTU-POG 10 and PTU-POG 20 groups received 10 and 20 mg/kg POG, respectively, besides PTU, and the rats of PTU-RSG 2 and PTU-RSG 4 groups received 2 and 4 mg/kg RSG, respectively, besides PTU. The animals were sacrificed, and their serum was collected to measure thyroxine level. The heart and aorta tissues were also removed for the measurement of biochemical oxidative stress markers.

Results: Hypothyroidism was induced by PTU administration, which was indicated by lower serum thyroxine levels. Hypothyroidism also was accompanied by a decrease of catalase (CAT), superoxide dismutase (SOD) activities, and thiol concentration in the heart and aorta tissues while increased level of malondialdehyde (MDA). Interestingly, administration of POG or RSG dramatically reduced oxidative damage in the heart and aorta, as reflected by a decrease in MDA and increased activities of SOD, CAT, and thiol content.

Conclusions: The results of this study showed that administration of POG or RSG decreased oxidative damage in the heart and aorta tissues induced by hypothyroidism in rats.

Keywords: Aorta; heart; hypothyroidism; oxidative stress; pioglitazone; rosiglitazone



Investigating the state of oral and dental health and its related factors in elementary school students of Kermanshah by DMFT index in 2022

*Babak Mohammadi*¹, *Mohammad Karimi Parviz*², *Leila Jamshidi*³, *Khadijah Jamshidi*^{4*}

1. Master of Business Administration, Razi University, Kermanshah, Iran.
2. PhD in Political Science, Islamic Azad University of Qom, Qom, Iran.
3. Department of Basic Sciences, Faculty of Basic Sciences, Kashan University, Kashan, Iran.
4. Student Research Committee, Kermanshah University of Medical Sciences, Kermanshah, Iran. khadijeh.jamshidi93@gmail.com. [Tel:09916669064](tel:09916669064).

Abstract:

Background: Tooth decay is one of the most important causes of tooth loss and the most common oral health problem. The present study was conducted to investigate the state of oral and dental health and its related factors in the elementary school students of Kermanshah in 2022.

Methods: The present descriptive and analytical study was conducted on 490 female elementary school students in Kermanshah. Data was collected by examining students, standard questionnaires and calculating the DMFT index. Data was analyzed using SPSS 22 and descriptive and analytical statistical tests ($P < 0.05$).

Results: Decay of permanent teeth in students had a direct and significant relationship with age ($P < 0.05$). Also, among the factors affecting DMFT, a significant relationship was observed between tooth decay and economic status ($P < 0.05$). So, the better the economic status of the family, the lower the rate of tooth decay in students.

Conclusions: The findings of the study showed that the condition of oral and dental health is not optimal in the studied students. Therefore, it is necessary to educate students and their parents, by trained instructors, especially in schools without health instructors.

Keywords: oral and dental health, students, DMFT.



Basic Reproduction Number and Epidemiological and Clinical Characteristics of COVID-19 in Jiroft, Iran

Aboubakr Jafarnejhad¹, Mozghan SEIF², Saied Bokaie³, Naser Nasiri⁴, Minoos Mohammadkhani⁵, Laleh Sharifi⁶, Mehran Nakhaeizadeh⁷, Ali Kamali⁸, Reza Fariabi⁹, Esmat Rezabeigi-Davarani¹⁰, Vahid Meshayekhi¹¹, , Kiavash Hushmandi¹², Salman Daneshi*¹³

1- Ph.D. Student in epidemiology, Student Research Committee, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran.
Email: Ajafarnejad0@gmail.com / Tel: 09179680247/ Orcid: 0000-0002-8794-7218

2- Department of Epidemiology, School of Health, Shiraz University of Medical Sciences, Shiraz, Iran

3- Professor of Epidemiology, Department of Food Hygiene and quality control, Division of Epidemiology & Zoonoses, faculty of veterinary medicine, University of Tehran, Tehran, Iran.

4.HIV/STI Surveillance Research Center, and WHO Collaborating Center for HIV Surveillance, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

5.PhD student of Health in disaster and emergencies, school of management and medical informatics, Kerman university of medical sciences, Kerman, Iran

6.Uro-Oncology Research Center, Tehran University of Medical Sciences, Tehran, Iran

7.Modeling in Health Research Center, Institute for Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

8.Research Center for Health Services Management, Institute of Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

9.Assistant Professor of Infectious Disease, Department of Internal Medicine, School of medicine, Imam Khomeini hospital, Jiroft university of medical science

10.Assistant Professor of Health Education & Promotion, Department of Public Health, School of Public Health, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran

11.PhD student of Health in Emergencies & Disasters, Research Center for Health Services Management, Institute of Futures Studies in Health, Kerman University of Medical Sciences, Kerman, Iran

12. PhD of Epidemiology, Deputy of Health, Jiroft University of Medical University, Jiroft, Iran

13.PhD student of Epidemiology, Lecturer, Department of Public Health, School of Health, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran.

Corresponding author: Salman Daneshi, Department of Public Health, School of Health, Jiroft University of Medical Sciences, Jiroft, Iran, Tel: +98 34 43310968, E-mail: salmandaneshi008@gmail.com

Abstract

Introduction: COVID-19 is a new disease includes the variety of viruses such as the common cold virus as well as the cause of more severe diseases such as SARS, MERS, and COVID-19. We

aimed to investigate the basic reproduction number (R0) and compare epidemiological and clinical characteristics in hospitalized and outpatients suffering from COVID-19.

Methods and Materials: This cross-sectional study included the entire population of southern Kerman, identification of the positive cases of the COVID-19 by RT-PCR test after detect cases we followed signs in outpatient and hospitalized. Also, we calculate the basic reproduction number and serial interval that estimated with a gamma distribution, mean and standard deviation of serial interval were considered 4.55 and 3.3.

Results: There was significant difference in clinical characteristics between outpatients and hospitalized patients. The Rt was upper than 2 at first of epidemic. It decreased to below one until 19 April when a lot of interventions was implemented in Iran. After late of April Rt was increased to upper than one to mid-Jun. Moreover, it seems that Rt was below one in July and the epidemic was controlled in Jiroft.

Conclusion: We estimated that R0 at the beginning of the epidemic in March 2020 was more than two and after interventions in July 2020 reached under 1. Identifying the clinical and epidemiological aspects of the disease, COVID-19 epidemic can be managed in Jiroft and other parts of the world.

Key Words: Basic Reproduction Number, COVID-19, R0, cross-sectional study.

ارزیابی طرح ایمنی آب (WSP) در ایران: مطالعه مروری

مریم نوری گوشکی^{۱*}

۱- گروه مهندسی بهداشت محیط، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی کرمان، کرمان، ایران

چکیده

مقدمه: طرح ایمنی آب یک رویکرد سیستماتیک است که هدف آن تضمین کیفیت آب توزیع شده بین مصرف کنندگان است. سازمان بهداشت جهانی بیانیه اجرای این طرح را در سال ۲۰۰۴ صادر کرد. این طرح در ایران در حال انجام است. هدف این مطالعه مروری بر مطالعات انجام شده از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۲۲ می باشد.

روش کار: مطالعه حاضر یک مطالعه مروری است. جمع آوری داده‌ها از طریق جستجوی کلمات کلیدی: طرح ایمنی آب (WSP)، ایران، تحلیل خطر و نقاط کنترل بحرانی (HACCP) و آب به صورت ترکیبی در پایگاه های اطلاعاتی بین‌المللی و ملی شامل: PubMed, Science Direct, Google Scholar, Magiran و SID انجام شد و پس از جمع آوری مقالات مرتبط با هدف، داده های مورد نیاز استخراج شد و در نهایت مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد که در اجرای WSP بیشترین امتیاز مربوط به شهر قم با ۶۸/۶۴ درصد و کمترین مقدار مربوط به شهرستان خوی با ۱۷/۵ درصد است. برنامه بهبود و ارتقاء، توسعه برنامه پشتیبانی و بررسی دوره های WSP کمتر مورد توجه قرار گرفته است. آشنایی کم کارکنان با WSP، ترکیب ناکافی تیم و عدم هماهنگی بین آنها در برگزاری منظم جلسات می تواند دلیل اجرای ضعیف WSP در ایران باشد.

نتیجه گیری: اجرای صحیح طرح ایمنی آب باعث کاهش خطرات موجود در سیستم آبرسانی و هزینه ها و همچنین بهبود کیفیت آب توزیع شده به مصرف کنندگان می شود.

کلید واژه ها: طرح ایمنی آب، بررسی سیستماتیک، ایران.